

یادداشت سردبیر صبح صادق در رثای چهره نادر فرهنگ و هنر

فرزند زمان خویشتن بود



هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و یکم | شماره ۱۰۴۵ | دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ | ۷ شوال ۱۴۴۳ | ۹ مه ۲۰۲۲ | ۱۶ صفحه

مصطفی قربانی
گونه‌شناسی جریان‌های سیاسی



۱۱
خرد

فرهاد مهدوی
غفلت ممنوع!



۲
نگاه

میشم مهرپور
ماجرای ساده‌ای که پیچیده شد



۲
سرمقاله

ارزیابی سیاست‌های اقتصادی دولت سیزدهم در پرونده‌های ویژه صبح صادق

اصلاح اصولی

۶-۷
پرونده

۴-۵
تبیین

پایان بی‌تدبیری

دولت در مسیر درست
گام برمی‌دارد

خلق منافع بلندمدت

درآمد ارزی در خدمت
رونق تولید قرار گیرد

بازگشت امید

چرا ترمز گرانی‌ها
کشیده نشده است؟

ریشه مشکلات کجاست؟

حرکت ماشین اقتصاد
در راه صحیح

سر مقاله

ماجرای ساده‌ای

که پیچیده شد

میثم مهرپور

کارشناس اقتصادی



ماجرای‌های پیش آمده برای آرد مورد استفاده در صنعت و تغییر قیمتش طی روزهای اخیر- و به تبع آن افزایش قیمت برخی از اقلام محدود، مانند نان‌های صنعتی و ماکارونی با وجود اما و اگرهای پیش آمده بسیار ساده و خطی است. ماجرا از این قرار است که ایران همواره یارانه قابل توجهی به گندم و آرد مورد نیاز برای تهیه نان سنتی و حتی صنایع آرد پایه اختصاص داده است. در ماه‌های اخیر با توجه به عواملی چون افزایش شدید تورم جهانی، تقابل نظامی روسیه و اوکراین و... قیمت بسیاری از مواد غذایی، از جمله گندم به عنوان ماده اولیه تولید آرد با افزایش شدیدی مواجه شده است. از طرفی نرخ خرید تضمینی گندم از کشاورزان ایرانی نیز در راستای توجه به امنیت غذایی کشور و تشویق کشاورزان به کاشت گندم با رشد قابل توجهی مواجه بوده و به کیلویی ۱۱۵۰۰ تومان رسیده است. مجموع این اتفاقات، در کنار کاهش شدید ارزش پول ملی منجر به افزایش تعهدات دولت برای تأمین مالی گندم و آرد مورد نیاز کشور با قیمت‌های سابق شده است. افزایش تعهدات دولت و افزایش شکاف قیمت آرد داخلی با بازار کشورهای همسایه نیز منجر به گسترش پدیده قاچاق آرد به خارج از کشور و حتی ضرورت بازنگری در قیمت آرد تخصیص داده شده به صنایع شده است. ماجرا تا اینجا کار ساده است.

اما برخورد یا به عبارت دیگر واکنش دولت به موارد فوق، مسئله را با چالشی جدی مواجه کرد. سؤال اصلی در این ماجرا این بود که آیا قرار است قیمت آرد اصلاح شود تا به واسطه این اصلاح، هم قاچاق دیگر منطقی نباشد و هم یارانه تخصیص یافته به بخش صنعت معقول شود؟ یا نه، قرار است با گران شدن قیمت آرد کمی از تعهدات دولت کاسته شود؟ دو موضوعی که تفاوتی از زمین تا آسمان دارند. آنچه حجه‌هایی را علیه دولت در رسانه‌ها و میان مردم رقم زد، تفاوت در نیت تا عمل دولت بود. اصلاح نسبی قیمت‌ها با هدف مبارزه و ریشه‌کنی قاچاق آرد، حتی با یک سیاست کاملاً قیمتی (تغییر قیمت‌ها) به شرط فراهم کردن مقدمات اجرا و سخن گفتن با مردم و آماده‌سازی افکار عمومی قبل از اجرا کاملاً منطقی، شدنی و امکان‌پذیر بود؛ اما آنچه رخ داد، نه اصلاح قیمتی که افزایش قیمت آن هم بی‌خبر، دفعی و بدون آگاهی مردم بود.

آنچه از سوی دولت رخ داد به هیچ عنوان اصلاح قیمت آرد برای مقابله با قاچاق یا صادرات یارانه آرد از سوی صنایع آرد پایه نبود؛ چرا که حتی با افزایش فعلی قیمت آرد نیز همچنان قاچاق آرد ایران به کشورهای همسایه سودآور و وسوسه برانگیز است. به نظر می‌رسد دولت در ماجرای فوق، بی‌برنامه عمل کرد؛ در حالی که می‌توانست از تجربه اندوخته کشور در هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ استفاده کرده و با بررسی تمام جوانب اجرای این طرح را آغاز کند.

سردار سرلشکر حسین سلامی و حجت الاسلام و المسلمین عبدالله حاجی صادقی در پیامی هفته عقیدتی سیاسی در سپاه پاسداران را گرمی داشتند؛ متن پیام به شرح ذیل است:

سالروز شهادت، علامه شهید استاد مرتضی مطهری(ره) و روز معلم و هفته عقیدتی-سیاسی در سپاه که هم‌زمان با ایام نورانی عید سعید فطر می‌باشد، فرصت مغتنمی است تا از سرمایه‌های معنوی سپاه و بسیج در عرصه تعلیم و تربیت به ویژه ایثارگران و شهدای مربی تجلیل و قدردانی نموده و اهتمام فرماندهان مسئولان و فعالان این عرصه را:

۱- رشد و تعالی معنوی کارکنان به عنوان مهم‌ترین عامل قدرت نرم سپاه مبتنی بر تعلیم و تربیت دینی و انقلابی، آرمانگرا، تحول‌آفرین و اثربخش، در تراز گام دوم انقلاب اسلامی، در قالب طراحی و تدوین نظام معرفتی تربیتی پاسداران مورد توجه قرار گرفته و طی یک برنامه‌ریزی منسجم و هدفمند سعی شود در کمترین زمان، زمینه‌های

تحقق عملی آن فراهم گردد.

۲- تحقق خودسازی، دگرسازی و جامعه‌سازی مریسان با ایجاد دغدغه ایمان اسلامی، تربیت معنوی اخلاقی و بصیرت دینی انقلابی با بهره‌مندی از علما و استادان مذهب، عالم، عامل، ولا‌یت‌مدار و اثرگذار، که الگویش سیره رفتاری



پاسداران و بسیجیان باشند، در اولویت برنامه‌های تحولی قرار داده شود.

۳- تقویت توانمندی و روشمندسازی استادان و مریبان به عنوان عناصر اصلی تأثیرگذار در آموزش عمیق و تربیت جامع پاسداران با بهره‌گیری از الگوهای نوآورانه و اخلاقانه مورد توجه قرار گیرد.

غفلت ممنوع!

دولت سیزدهم با مسئولان در حد اندک باقی مانده است و برخی اوقات رسانه‌ها سخنی بیان کرده اند که مقدمات آن بر روی زمین فراهم نشده و دولت و رسانه‌ها متضرر شده‌اند.

اگر این هماهنگی‌ها وجود داشت، با انتشار هر مطلبی از طرف تیم رسانه‌ای بلافاصله شاهد اثرات آن در بازار و جامعه بودیم.

در چند ماه گذشته مسئولان دولتی اقدامات شایسته‌ای در زمینه‌های حمایت از محصولات کشاورزی، حذف امضاهای طلایی، تخلیه کردن انبارهای بنادر، تهیه و تدارک اقلام ضروری، واکسیناسیون، وام‌های ازدواج، طرح ملی مسکن، حذف مراحل طولانی اخذ مجوز، تثبیت ارز و... انجام داده‌اند؛ اما از آن جایی که رسانه‌ها و دولت دارای دو حیاط جدا از هم در افکار عمومی هستند، نمی‌توانند خود را با هم سازگار کنند. رسانه‌های انقلابی باید امروزه ققنوس وار خود را فدای انقلاب، نظام و کشور کنند تا پیام‌های بیگانگان به عنوان روایت غالب غلط در میان مردم اصالت نداشته باشد.

اکنون دیگر به ماشین بخار و اختراع چرخ نیاز نداریم و همه وسایلی برای اقناع افکار عمومی مهیاست. فقط هماهنگی بیشتر نیاز است. چه بسا فاصله اتاق‌های اجرایی و رسانه‌ای در مجموعه ریاست‌جمهوری اندک باشد؛ اما نباید روزها و ماه‌ها بگذرد تا جلسات هم‌افزایی برگزار شود!

عامه مردم انتقال دهد؛ اما «کویت رسانه‌های اش می‌لنگد»، زیرا؛

۱- مجاب‌سازی و اقتضای افکار عمومی یکی از ارکانی است که متأسفانه عناصر رسانه‌ای دولت تاکنون آن‌طور که باید به آن توجه نکرده‌اند تا مردم را مجاب و قانع کنند و شبهات و سؤالات آنها را پاسخ دهند!

۲- احساس می‌شود هماهنگی و تقسیم کار میان تیم‌های رسانه‌ای دولت وجود ندارد تا همدیگر را در مواقع بحرانی و زمان‌هایی که لازم است پیام‌های اقناع‌کننده به مخاطب داده شود، پوشش نمی‌دهند و حتی همدیگر را خنثی هم می‌کنند!

۳- مسئولان دولت در این خیال هستند که صرفاً انتشار متن می‌تواند مردم را اقناع کند، اما در عمل می‌بینیم که جلسات مذهبی، هیئت‌ها و تریبون‌های نماز جمعه که حامیان اول و آخر این دولت بوده و هستند، نسبت به برخی مسائل اقناع نشده‌اند و مواضع احساسی شدید به دلیل کمبود اطلاعات دارند.

۴- مسئولان دولتی فکر می‌کنند هنوز هم تلویزیون پدر بزرگ است و اوست که حرف می‌زند و غافل از آن هستند که رسانه‌های تعاملی و تئوئیت و کامنت میدان‌دار شده‌اند و اجازه نمی‌دهند که کسی صدای پدر بزرگ را بشنود.

۵- به دلیل سوء مدیریت رسانه‌ای دولت تدبیر و امید اکنون هم میزان اعتماد به سخنان رسمی کاهش یافته و از طرف دیگر تعامل و ارتباط‌های تیم رسانه‌ای

دیجیتال مخاطب تمام متن را دریافت می‌کرد و هیچ بخشی از پیام هدر نمی‌رفت.

در «زیر متن» همان پیامی که در پشت متن به صورت پنهانی ارائه شده تا مفهوم متن را کامل‌تر کند، به عبارت دیگر فرستنده پیام منظور خود را واضح بیان نمی‌کند و آن را به صورت کنایه و پوشیده می‌گوید.

امروزه این قسمت از پیام بسیار مهم است و ماندگاری بالایی دارد.

«فرامتن» فراتر از ساختار رسانه و خارج از خواست و اراده تولیدکننده و مصرف‌کننده پیام است و به فرهنگ، وضعیت زمانی و مکانی و عناصر بیرونی پیام برمی‌گردد.

اکنون می‌توان فهمید چرا وقتی دولت اعلام می‌کند که در آینده بخشی از کالاهای اساسی تثبیت می‌شوند، مردم باز هم روی به انبار، احتکار و گران‌فروشی و گران خریدن می‌کنند؛ زیرا متن زیادی برای اقناع تولید شده، اما افکار عمومی همچنان بر زیر متن و فرامتن تکیه دارد که البته بخش اعظم آن به خاطر عملکرد نادرست مدیران پیشین، القانات رسانه‌های معاند و معارض است و زمان زیادی لازم است که مخاطب و پیام‌های دولت در یک خط فکری قرار بگیرند و شاید هم محال باشد.

دولت مردمی رنثیسی با وجود اینکه بهترین رسانه‌ها و زبده‌ترین تیم‌های رسانه‌ای را در اختیار دارد و می‌تواند پیام‌های خود را با سرعت به

فرهاد مهدوی

کارشناس رسانه



هنگامی که شرکت «جنرال موتورز» آمریکا برای اولین بار اتومبیل شورلت «نوا» را به آمریکای جنوبی وارد کرد، کسی خواهان خرید این ماشین نشد؛ چون آنها آگاه نبودند که واژه «No Va» در زبان این قسمت از قاره آمریکا به معنای «وسيله‌ای است که راه نمی‌رود». این شرکت خودروساز در اقدامی سریع، نام این محصول را در آن بازار به «کاراییب» تغییر داد.

مسئولان رسانه‌ای هنگام انتشار بیانیه، اطلاعیه یا پیام رسانه‌ای باید به افکار عمومی توجه داشته باشند، زیرا پس از دولت روحانی، اطلاع‌رسانی و باورپذیری مردم از سخنان دولتمردان بسیار دشوار شده است و مردم دریافته‌اند که وقتی رئیس‌جمهور دستور می‌دهد وسیله‌ای ارزان شود یا قیمتی واقعی فروخته شود، باید همان معنا به افکار عمومی منتقل شود.

مردم در شرایط جدید دریافت‌های متفاوت از پیام‌های رسانه‌ای دارند؛ زیرا هر پیام دارای سه بخش متن، زیر متن و فرامتن است. لایه اول «متن» است، تولیدکننده پیام به شکلی صریح، واضح، آشکار و بی‌واسطه آن را می‌سازد. پیش از عصر

گزارش حقوق بشری

معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه و دبیر ستاد حقوق بشر گفت: «پیرو درخواست گزارشگر ویژه برای سفر به ایران و پذیرش این درخواست از سوی ما، «آلنا دوهان» به ایران سفر خواهد کرد.» کاظم غریب‌آبادی گفت: «آلنا دوهان از تاریخ ۱۸ اردیبهشت، سفری ۱۱ روزه به جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. مأموریت اصلی دوهان، بررسی آثار منفی اقدامات قهری یک‌جانبه بر بهره‌مندی مردم از حقوق بشر است و در این راستا، دیدارهای مختلفی را با نمایندگان دستگاه‌های دولتی، بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی انجام خواهد داد. گزارشگر ویژه همچنین از برخی مراکز نیز بازدید به عمل خواهد آورد.»



کوتاهی کردیم

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران، با بیان اینکه موضوع ارز ترجیحی در دولت خاتمی اصلاحی بود که باید انجام می‌دادیم و نکردیم، ادامه داد: «این اصلاح در دولت روحانی مبدل به اصلاحات دردناک و در دولت سیزدهم تبدیل به جراحی شده است؛ اگر دوباره این امر را به تعویق بیندازیم، منجر به قطع عضو می‌شود.» سعید لیلان تأکید کرد: «این ارز را به موقع حذف نکردیم و به این وضع دچار شدیم؛ اما اگر باز هم نکنیم، باید با شورش‌های بزرگ روبه‌رو شویم؛ زیرا ما زیرساخت این را نداریم که دانش این دلار ۴۲۰۰ تومانی را پرداخت کنیم.»



بازگشت با اسم جدید

اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ با رأی مردم از قدرت خارج شدند. خروج اصلاح‌طلبان از قدرت حالا سبب شده است آنها برای بازآفرینی توان نیروهای سیاسی و افزایش سرمایه اجتماعی و بازنگری در فلسفه وجودی این جناح سیاسی به فکر بیفتند. پیشتر برخی چون محمدرضا تاجیک بحثی را با عنوان «اصلاح‌طلبی بی‌اصلاح‌طلب» مطرح کرده و خواستار بازنگری در مسیر اصلاح‌طلبی شده بود. به نازگی اخباری منتشر شده است که نشان می‌دهد، جلساتی با حضور سران اصلاحات برای آسیب‌شناسی این جریان آغاز شده و در آن نواصلاح‌طلبی قرار است واکاوی شود.



جنگ‌جال

در کنگره!



دعوا بر سر انتشار پیش‌نویس قانون سقط جنین در آمریکا

بود که مقامات طرفدار سقط جنین را در نوامبر امسال انتخاب کنند. بایدن همچنین در مصاحبه با خبرنگاران گفت، این برای من بسیار نگران‌کننده است که بعد از ۵۰ سال، ما حق انتخاب سقط جنین یک زن را از وی سلب می‌کنیم. این اقدام هر تصمیم دیگری درباره مفهوم حریم خصوصی را زیر سؤال می‌رود. به نظر من، قضاوت در مورد حق انتخاب سقط جنین بر اساس تصمیم دیوان عالی آمریکا زیاده‌روی است.

بالا گرفتن دعوی دو حزب سیاسی آمریکا بر سر مسئله سقط جنین در شرایطی است که مهم‌ترین مسئله روز در آمریکا طی چند روز قبل از انتشار این خبر، افزایش چهار برابری تورم در این کشور، صف‌های طولانی و افزایش قیمت انرژی و بنزین و جنگ اوکراین بوده است. مردم در شبکه‌های اجتماعی نیز با مقایسه بودجه ۳۳ میلیارد دلاری مورد درخواست رئیس‌جمهور آمریکا برای جنگ اوکراین با قیمت مواد غذایی و فقر موجود در آمریکا، از دولت این کشور می‌خواستند که به جای توجه به این جنگ، به مسائل اقتصادی داخلی بپردازد.

ساختمان دیوان عالی آمریکا در واشنگتن دی‌سی همراه شده است.

نکته جالب در این زمینه مخالفت بایدن با این مصوبه احتمالی است. با وجود اینکه رئیس‌جمهور ایالات متحده خود یک کاتولیک است و بر اساس عقاید مذهبی‌اش باید مخالف سقط جنین باشد، اما اعلام کرده است مخالف این مصوبه است. جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا در واکنش به پیش‌نویس محرمانه دیوان عالی آمریکا اعلام کرد، حق زنان برای سقط جنین «اساسی» است. رئیس‌جمهور آمریکا با ارتباط دادن این مسئله به انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره از مردم آمریکا خواست تا مقامات بیشتری را که طرفدار سقط جنین هستند، در ماه نوامبر انتخاب کنند تا دموکرات‌ها بتوانند قانونی برای حمایت از حقوق سقط جنین تصویب کنند. وی ادامه داد، اگر دادگاه قانون را را لغو کند، محافظت از حق انتخاب (سقط جنین) زنان بر عهده مقامات منتخب آمریکا در تمام سطوح دولتی خواهد بود.

رئیس‌جمهوری آمریکا اضافه کرد، محافظت از این حق همچنین بر عهده رأی‌دهندگان خواهد

می‌شوند. ترکیب دیوان عالی با انتخاب شدن چند قاضی محافظه‌کار در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ، به سمت اندیشه‌ها و افکار محافظه‌کاران رفته است و احتمال می‌رود درگیری شدیدتری در این زمینه بین دیوان عالی و کاخ سفید شکل بگیرد. قاضی آلتون در این متن نوشته است، حکم پرونده سقط جنین از همان ابتدا اشتباه بوده است. بنابراین پیش‌نویس، دادگاه حق سقط جنین را لغو خواهد کرد. این نظریه از پیامدترین تصمیم‌ها طی چند دهه گذشته از سوی دیوان عالی آمریکا خواهد بود که در زمینه سلامتی زنان و حق سقط جنین به دنبال خواهد داشت.

«سی‌ان‌ان» در ادامه نوشت، به نظر می‌رسد پنج قاضی از مجموع ۹ قاضی فدرال به لغو این قانون رأی خواهند داد، اما قرار نیست این نظر تا اواخر ماه ژوئن انتشار یابد، با این حال حدود نیمی از ایالت‌های آمریکا قوانینی را تصویب کرده یا تصویب خواهند کرد که به موجب آن سقط جنین ممنوع است. انتشار این خبر هم اکنون با واکنش‌های بسیاری در محافل سیاسی و اجتماعی آمریکا و برگزاری اعتراضات به ویژه در برابر

ثمانه اکوان

دبیر گروه بین‌الملل



دعوی همیشگی آمریکایی‌ها بر سر مسئله سقط جنین دوباره در این کشور بالا گرفته است. روزنامه «پلینیکو» چندی پیش به نقل از منابع آگاه خود و مدارکی که از دیوان عالی این کشور به رسانه‌ها درز پیدا کرده، مدعی شد بنابر یک طرح پیش‌نویس، دیوان عالی آمریکا قصد دارد سقط جنین در سراسر آمریکا را غیر قانونی اعلام کند.

افشای این پیش‌نویس و سسند محرمانه دیوان عالی آمریکا که (تازنمای خبری آمریکایی) «پلینیکو» آن را منتشر کرده، حاکی است نویسنده این پیش‌نویس قاضی «ساموئل آلیو»، (یکی از ۹ قاضی دیوان عالی آمریکا) نظری مخالف آزادی سقط جنین در آمریکا داشته است. در دیوان عالی آمریکا ۹ قاضی درباره مسائل مهم و چالش‌های اجتماعی آمریکا تصمیم می‌گیرند. این ۹ قاضی به صورت مادام‌العمر از سوی رؤسای جمهور انتخاب

گزارش

نقشه آمریکایی

نقش واشنگتن در کشته شدن ژنرال‌های روسی

مقامات اوکراینی مدعی هستند حدود ۱۲ ژنرال روسی را در میدان جنگ کشته‌اند. طبق این گزارش، مقامات آمریکایی از مشخص کردن تعداد ژنرال‌هایی که در نتیجه اطلاعات آمریکایی کشته شده‌اند، خودداری کردند. پیشتر «جوزف هیلبرت» از مقامات ارشد وزارت دفاع آمریکا گفت، واشنگتن از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲، بیش از ۲۳ هزار نیروی مسلح اوکراینی را تحت آموزش قرار داده است. وی که در یک نشست خبری این سخنان را مطرح می‌کرد، گفت: «از سال ۲۰۱۵، پنتاگون ۱۲۶ میلیون دلار برای آموزش پرسنل ارتش اوکراین سرمایه‌گذاری کرده است.» بر همین اساس است که رسانه‌های بین‌المللی معتقدند جنگ روسیه علیه اوکراین، به جای اینکه مبارزه میان نیروهای دو کشور باشد، در واقع نبردی نیابتی میان آمریکا و روسیه است و آمریکایی‌ها همانطور که کمک‌های اطلاعاتی زیادی به سعودی‌ها برای هدف قرار دادن نیروهای یمنی می‌کردند و جنگ یمن را از پشت صحنه هدایت می‌کردند، هم اکنون نیز در حال هدایت نبرد در اوکراین هستند.

اسناد جدید منتشر شده در رسانه‌های آمریکایی نشان می‌دهد، آمریکایی‌ها برای کشتن ژنرال‌های روسی از قبل برنامه داشته‌اند و در جنگ اوکراین، اطلاعات مربوط به مکان‌های آنها را در اختیار نیروهای اوکراینی قرار داده‌اند.

از همان روزهای ابتدایی آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین، این سؤال همواره وجود داشت که چرا نیروهای اوکراینی به راحتی می‌توانند ژنرال‌های روسی را هدف قرار دهند. حالا روزنامه «نیویورک تایمز» گفته است ایالات متحده اطلاعاتی به نیروهای کی‌یف ارائه کرده که در کشتن بسیاری از ژنرال‌های روسیه در اوکراین مؤثر بوده است.

این روزنامه آمریکایی گزارش داد، واشنگتن جزئیات مربوط به جابه‌جایی‌های مورد انتظار نیروهای روسیه و مکان و سایر جزئیات مربوط به مقرهای نظامی متحرک آن را به اوکراین ارائه کرده و کی‌یف این کمک را با اطلاعات خود برای انجام حملات توپخانه‌ای و سایر عملاتی که منجر به کشته شدن افسران روسی شده، درهم آمیخته است. به گزارش نیویورک تایمز،

تحلیل

بازگشت به خیابان

اعتراضات در ارمنستان باز هم بالا گرفت

مردم معترض ارمنستان که اعتقاد دارند نخست‌وزیر کشورشان در مقابل آذربایجان مواضع نرمی دارد و حاضر به دفاع از منافع ملی کشورشان نیست، بار دیگر با حضور در خیابان‌های ایروان، خواستار استعفا یا برکناری «پاشینیان» از قدرت شدند. پلیس ارمنستان در اولین روز این اعتراضات، بیش از ۲۰۰ معترض به دولت را در ایروان بازداشت کرد. تظاهرات در ارمنستان پس از آن آغاز شد که معترضان خواستار استعفای پاشینیان شدند. مخالفان مدعی هستند، پاشینیان به دنبال مصالحه با جمهوری آذربایجان درباره منطقه قره‌باغ کوهستانی است. احزاب مخالف در ارمنستان با برپایی تظاهرات خواستار استعفای نیکول پاشینیان شدند. این تجمع درحالی رخ داد که نخست‌وزیر ارمنستان مشغول سخنرانی در پارلمان این کشور بود. معترضان در این تجمع درحالی که پرچم‌های سه رنگ ارمنستان را در دست داشتند، شعارهایی چون «ارمنستان بدون نیکول» و «کار خود را ترک کن» سر دادند. احزاب مخالف اکنون پاشینیان را متهم می‌کنند که قصد دارد تمام قره‌باغ را به جمهوری آذربایجان واگذار کند. حدود ۵۰۰۰

معترض در مرکز ایروان با به اهتزاز در آوردن پرچم‌های ارمنستان و قره‌باغ خواستار کناره‌گیری پاشینیان از قدرت بودند. «ایشخان سقاتلیان» معاون رئیس مجلس و رهبر اپوزیسیون، پیش از تظاهرات به خبرنگاری فرانسه گفت: «ما یک جنبش اعتراضی مردمی راه‌اندازی می‌کنیم تا پاشینیان را مجبور به استعفا کنیم.» وی با متهم کردن نخست‌وزیر ۴۶ ساله ارمنستان مبنی بر اینکه می‌خواهد منطقه مورد نزاع را به جمهوری آذربایجان تحویل دهد، گفت: «او خائن است، به مردم دروغ گفته است.» سقاتلیان گفت، تا زمانی که پاشینیان کناره‌گیری نکند، اعتراضات متوقف نخواهد شد. جنگ بر سر منطقه قره‌باغ کوهستانی در نهم نوامبر ۲۰۲۰ (۱۹ آبان ۱۳۹۹) با توافق آتش‌بس به امضای «نیکول پاشینیان» نخست‌وزیر ارمنستان، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان و «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه پایان یافت و روسیه به‌عنوان میانجی این توافق نقش‌آفرینی کرد. با این حال، این دو کشور کامکان در نقاط مرزی باهم مشکل دارند و طرفین اغلب همدیگر را به نقض آتش‌بس متهم می‌کنند.

فرمان تحریم

«دیمیتری پسکوف» سخنگوی کرملین اعلام کرد، «ولادیمیر پوتین» اقدامات اقتصادی تلافی‌جویانه در ارتباط با اقدامات غیردوستانه برخی کشورهای امضا کرد. رئیس‌جمهور روسیه به کابینه وزرا دستور داده است ظرف ۱۰ روز، فهرستی از افرادی که قرار است تحت تحریم‌های تلافی‌جویانه روسیه قرار بگیرند، مشخص کنند. طبق این دستور مقامات روس از هر گونه معامله با شرکت‌ها و افرادی که تحت تحریم‌های تلافی‌جویانه فدراسیون روسیه قرار می‌گیرند، منع شده‌اند. بر اساس این فرمان، صادرات محصولات و مواد خام تولیدی در روسیه به خارج از فدراسیون روسیه در صورتی که این محصولات در راستای منافع افراد تحت تحریم باشد، ممنوع است.



دیدار مخفیانه

«وال استریت ژورنال» گزارش داد، «ویلیام برنز» رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) برای ترمیم روابط میان واشنگتن و ریاض مخفیانه به عربستان سفر کرد. برنز در اواسط آوریل (فروردین) به جدّه رفت تا با رهبران سعودی دیدار کند. یک مقام آمریکایی درباره دیدار برنز و بن سلمان گفت: «گفت‌وگویی صورت گرفته خوب بوده است و لحن بهتری میان طرفین نسبت به تعاملات قبلی دولت بایدن دیده شده است. روابط ایالات متحده و عربستان به دلایل مختلف از جمله قتل جمال خاشقجی که اطلاعات آمریکا این قتل را به سرکردگی عربستان نسبت داده، بدتر شده است.»



خودکشی نظامیان

وزیر دفاع آمریکا به صراحت به خودکشی در میان نظامیان آمریکایی اعتراف کرد و آن را یکی از مشکلات دهشتناک در وزارتخانه تحت ریاست خود دانست. «لوید آستین» که در جلسه استماع کنگره برای بودجه سال ۲۰۲۳ دولت بایدن شرکت کرده بود، گفت: «بر روی سه اولویت کلیدی در پنتاگون کار می‌کنیم: دفاع از کشور، مراقبت از ملت و موفقیت از طریق کار تیمی». آستین گفت: «ما همچنان عمیقاً بر مشکل دهشتناک خودکشی در ارتش آمریکا متمرکز هستیم، با حمایت کنگره، دستور به تأسیس کمیته بازنگری مستقل داده‌ام که به پنتاگون برای مقابله با (معضل) خودکشی یاری کند.»



با وجود اینکه منابع خبری مدعی شده‌اند اعضای اتحادیه اروپا به کنار گذاشتن اختلافات خود بر سر اعمال تحریم‌های نفتی علیه روسیه نزدیک شده‌اند، اما باز هم اعضای این اتحادیه به سه توافق نهایی در این خصوص نرسیدند. روزنامه (فایننشال تایمز) مدعی شده است، اتحادیه اروپا بسا غلبه بر برخی اختلاف‌های عمیق میان اعضای خود در حال آماده شدن برای اعمال تحریم‌های نفتی در حله‌بندی‌شده علیه روسیه است. اعضای اتحادیه اروپا از چند هفته پیش در حال مقدمه‌چینی برای این تحریم‌ها بوده‌اند و قرار است گفت‌وگوهای فشرده در این خصوص همچنان ادامه یابد. این روزنامه مدعی شده، اتحادیه اروپا قرار است علاوه بر تحریم‌های نفتی، تحریم‌های دیگری را هم به بانک‌های بزرگ روسیه و برخی از شخصیت‌های بلندپایه روسیه‌ای اعلام کند.

تقابل مسکو و تل آویو



نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اظهارات «سرگئی لاوروف» وزیر خارجه روسیه را درباره اینکه هیلتر یهودی بود، «بسیار خطرناک» خواند. این اولین بار است که سران رژیم صهیونیستی به صورت مستقیم جنگ روسیه در اوکراین را مورد انتقاد قرار می‌دهند. به گزارش «جروزالم پست»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی مدعی شد اظهارات وزیر خارجه روسیه درباره یهودیان بسیار خطرناک و خلاف واقعیت و غیرقابل قبول است. وی افزود: «هدف از مطرح کردن چنین اظهاراتی، تنها انتقاد از یهودیان و متهم کردن آنان به ارتکاب جنایات فجیعی است که در طول تاریخ علیه آنها انجام شده است.» نفتالی بنت همچنین ادعا کرد: «هیچ جنگی در دوره معاصر با حادثه هولوکاست برابری نمی‌کند.» دیگر مقامات رژیم صهیونیستی و رهبران جامعه یهودیان هم با لحنی تند از سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه انتقاد کرده‌اند که در مصاحبه‌ای گفته بود آدولف هیتلر «ریشه یهودی داشته است». «یانیر لاپید» وزیر خارجه رژیم صهیونیستی این اظهار نظر را «تابخشودنی و شرم‌آور» توصیف کرد و از وزیر خارجه روسیه خواست به دلیل این «اشتباه وحشتناک تاریخی» عذرخواهی کند. سخنان جنجالی سرگئی لاوروف در مصاحبه اخیر خود با یک شبکه ایتالیایی و در پاسخ به این پرسش مطرح شد که چطور روسیه ادعا می‌کند در اوکراین به دنبال «نازی‌زدایی» است، در حالی که ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین خود یک یهودی است. لاوروف در پاسخ گفت: «وقتی می‌گویند این چه جور نازی‌زدایی است، وقتی خودمان یهودی هستیم؛ هیچ معنایی ندارد؛ چون من فکر می‌کنم هیتلر هم اصل و نسب یهودی داشته است.»

تبیین اقتصادی

واکاوی ریشه‌ها ودلایل تداوم گرانی‌ها

بازگشت‌امید

اهل سیاست بسر حافظه کوتاه افکار عمومی حساب ویژه باز کرده و فکر می‌کنند می‌توان با هیاهو و تبلیغات واقعیت‌های روشن را از چشم‌ها پنهان و روایت‌های غیرواقعی را جایگزین حقیقت کرد!یکی از تازه‌ترین محاسبه‌هایی از این قبیل امروز پیش روی ماست و آن، بازگشت هیاهوهای اصلاح‌طلبان برای تخریب دولت سیزدهم است!اما به واقع افکار عمومی در کشور ما کم حافظه شده است که دهه ۹۰ شمسی را هم فراموش کند؟ روزهایی که روحانی با شعار حل مشکلات کشور به میدان پا گذاشت، بر عملکرد نهم و دهم تاخت و وعده تحول داد؛ اما از فردای انتخابات تا واپسین روزهای حضور در پاسور در سخنرانی دولتی‌ها و حامیان سرسخت آن یک فصل مشترک داشت و آن، اینکه مقصر مشکلات کشور دولت قبل است! مسئولیت‌ناپذیر بودن دولت اعتدال و تکرار ادعای «تقصیر دولت قبل است» آنگذر عجیب شده بود که حتی صدای محمد عطریانفر را هم بلند کرد و گفت: «جامعه وقتی پوست‌اندازی کرده دولتی را تغییر می‌دهد، در مقطع زمانی کوتاهی مثلاً سه ماه تا شش ماه می‌پذیرد که دولت پیشین نقد شده و اشکالات آن مرتفع شود. با این حال نمی‌توان تا پایان دولت دوم با چنین رویه‌ای پیش رفت و دولت قبل را به صورت همیشگی به نقد کشید.» واقعیتی که وقتی از فضای رسانه‌ای و مجازی و هیاهوهای آن کمی فاصله بگیریم در میان گفته‌های برخی از چهره‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان نیز می‌توان نشانه‌هایی از آن را یافت؛ چنانکه سعید لیلاز، عضو شورای مرکزی کارگزاران بسا تأکید بر حرکت مثبت دولت ابراهیم رئیسی می‌گوید: «دولت سیزدهم با انضباط مالی که داشته، توانسته است رشد نقدینگی را کنترل و تورم را کاهشی کند، با این حال بی انضباطی مالی همچنان ادامه دارد و موتور رشد نقدینگی به سمت فساد شبکه بانکی همچنان با قدرت کار می‌کند؛ اما جدا از این اظهار شخصی برای درک وضعیت و آیا اینکه دولت در مسیر اصلاح شرایط گام برداشته است یا خیر، باید به آمار رجوع کرد.»

تبدیل رشد اقتصادی منفی به مثبت : بر اساس گزارش مرکز آمار، رشد اقتصادی کشور در پاییز ۱۴۰۰ که اولین فصل عملکرد دولت سیزدهم به شمار می‌آید، نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیش از ۳/۵ برابر شده است. داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد، در پاییز امسال نرخ رشد اقتصادی کشور به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ به ۳/۹ درصد افزایش یافته است، در حالی که در پاییز سال گذشته نرخ رشد اقتصادی کشور ۱/۱ درصد بود. به این ترتیب، رشد اقتصادی کشور در پاییز امسال در مقایسه با پاییز سال قبل ۳/۵ برابر شده است.

کنترل نقدینگی: دولت سیزدهم کار خود را زمانی شروع کرد که حجم بالایی از نقدینگی در اقتصاد وجود داشت و رشد آن نیز شتابان بود. حجم نقدینگی در پایان مرداد ماه ۱۴۰۰، به رقم ۳۹۲ هزار میلیارد تومان رسید که در مقایسه با مرداد ۱۳۹۹ معادل ۳۹/۱ درصد رشد داشت. سال گذشته در ماه مرداد میزان نقدینگی حدود ۲۸۱ هزار میلیارد تومان بود. هرچند هنوز روند نقدینگی و پایه پولی افزایشی است؛ اما نتیجه اقدامات دولت در زمینه جبران غیر تورمی کسری بودجه می‌تواند ترمز بر رشد نقدینگی باشد.



میلاد شکری

خبرنگار

اگرچه بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور و چالش‌های پیش رو بر سر راه معیشت مردم و موانع موجود بر سر راه تولید ملی همچنان با وجود گذشت بیش از هشت ماه از روی کار آمدن دولت سیزدهم برقرار است و حتی در برخی از موارد، فشار تورمی کالاهای اساسی بر معیشت خانوارها به دلایلی، چون افزایش تورم تولید، افزایش تورم جهانی مواد غذایی، اجرای تعهدات بی‌حساب و کتاب دولت قبل از سوی دولت سیزدهم... بیشتر نیز شده است؛ اما شواهد و قراین نشان می‌دهد، مسیر سیاست‌ها و ریل‌گذاری‌های دولت سیزدهم طی ماه‌های گذشته مسیر درستی بوده است که البته تحقق و نمود بیرونی آثار و نتایج مثبت آن نیازمند گذشت زمان بیشتری است. در ادامه برخی از اقدامات و تصمیمات درستی را که در ماه‌های گذشته از سوی دولت و مجموعه دستگاه‌های اجرایی اتخاذ شده و نتایج مثبت این تصمیمات در آینده برای اقتصاد ملی و معیشت مردم نمایان خواهد شد، بیان کرده‌ایم:

آغاز اصلاح نظام مالیاتی: در بودجه سال ۱۴۰۱ برای اولین بار درآمدهای مالیاتی کشور، بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است. این افزایش در حالی است که مالیات دریافتی از تولید نه تنها روندی تصاعدی نداشته؛ بلکه با کاهش نیز مواجه بوده است. در واقع، محل اصلی افزایش درآمدهای مالیاتی در سال جاری، ممانعت از فرارهای مالیاتی و ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید است. موضوعی که بدون شک به افزایش درآمدهای پایدار کشور منجر شده و حرکت در مسیر کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی است. افزون بر افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق مبارزه با فرارهای مالیاتی، ایجاد مقدمات لازم برای اجرای قوانینی، چون مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر خودروها و منازل لوکس و... می‌تواند منابع ریالی مازاد در جامعه را به جای حضور در بازارهای سفته‌بازانه، غیر مولد و حتی مصرفی به سمت بازارهای مولد هدایت کند. مسیری که آغاز آن در دولت سیزدهم و در بودجه سال ۱۴۰۱ آغاز شده است.

حذف ارز ترجیحی: اگر چه بدون شک، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی به افزایش قیمت برخی از کالاهای اساسی خواهد انجامید، اما پیامدهای ادامه تخصیص این ارز به مراتب بیشتر از حذف آن بوده و افزون بر اتلاف و هدررفت بخش قابل توجهی از منابع ارزی کشور، منجر به رشد پایه پولی و افزایش تورم خواهد شد. بنابراین گام برداشتن در مسیر حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی به مثابه میراثی شوم از دولت قبل را می‌توان یکی از اقدامات درست دولت سیزدهم دانست که طبیعتاً نتایج مثبت آن در آینده اقتصادی کشور بروز و ظهور خواهد داشت. البته دولت باید با انجام برنامه‌ریزی‌های لازم پیش از حذف تخصیص این ارز به و واردات کالاهای اساسی، کاهش قدرت خرید مردم – ناشی از حذف این ارز– به خصوص در دهک‌های پایین درآمدی را با پرداخت یارانه نقدی یا کالایی تا حدودی جبران کند. به هر حال ماهیت و فلسفه این اقدام دولت (حذف ارز ترجیحی) در راستای صیانت و حفظ ذخایر ارزی کشور و ممانعت از اتلاف و هدررفت منابع ارزی کشور، آن هم در وضعیت جنگ اقتصادی است.

انتشار صورت مالی شرکت‌های دولتی: یکی از اتفاقات قابل تقدیر و تأمل برانگیز در دولت سیزدهم انتشار صورت مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی دولتی برای اولین بار است. این اقدام قطعاً گامی در جهت شفافیت و خروج بنگاه‌های دولتی از تاریکخانه‌ای است که در گذشته هیچ نظارتی بر روی عملکرد آنها وجود نداشته است. موضوعی که ریشه بسیاری از حقوق‌های نجومی و انتصاب‌های غیر معمول در این شرکت‌ها را نیز می‌توان در آن جست‌وجو کرد. انتشار صورت مالی شرکت‌های دولتی از سوی دولت را می‌توان گامی مثبت در راستای ایجاد شفافیت دانست که نتایج مثبت آن در عملکرد این بنگاه‌ها و افزایش نرخ بازدهی آنها در آینده مشاهده خواهد شد. علاوه بر انتشار صورت مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی، بانک‌های دولتی نیز طی هفته‌های گذشته با ابلاغ وزیر اقتصاد موظف به انتشار فهرست ابریده‌کاران خود شدند. بر این اساس، بانک‌ها فهرستی از ابریده‌کاران بانک‌های دولتی را منتشر کرده و در دسترس عموم مردم قرار گرفت. موضوعی که می‌توان آن را در چارچوب افزایش شفافیت، فسادستیزی و حرکت در راستای بهبود تخصیص منابع بانکی در آینده دانست.

تغییر در تخصیص منابع بانکی: یکی از اتفاقاتی که همواره در راستای بهبود تخصیص منابع ریالی و افزایش رضایت عمومی در میان مردم مطرح بوده؛ اما متأسفانه در سال‌های گذشته هرگز اجرایی نمی‌شد، ایجاد تحول در نحوه تسهیلات‌دهی بانک‌ها بود. سهم بسیار پایین تسهیلات خرد و قرض‌الحسنه از مجموع تسهیلات بانکی به نحوی است که سهم این تسهیلات از مجموع تسهیلات بانکی بسیار ناچیز بوده و درصد قابل توجهی از مردم ایران هرگز کوچک‌ترین دسترسی‌ای به منابع بانکی نداشته‌اند؛ به گونه‌ای که طی آمارهای اعلام شده در سال ۱۳۹۸، حدود ۵۰ درصد از مردم ایران هرگز از تسهیلات نظام بانکی استفاده نکرده‌اند یا برای نمونه کمتر از ۱۰ درصد جمعیت کشور تا آن تاریخ، تسهیلات بالای ۱۰۰ میلیون تومانی از نظام بانکی کشور دریافت کرده بودند. خود این موضوع، نشان‌دهنده نبود عدالت در تخصیص منابع بانکی بود. با روی کارآمدن دولت سیزدهم اقداماتی در راستای بهبود تخصیص بهینه منابع بانکی و هدایت این منابع به سمت عموم مردم در دستور کار قرار گرفت که از جمله آنها می‌توان به افزایش دو برابری میزان تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج، تغییر نظام وثیقه‌گذاری به اعتبارسنجی، تسهیل فرآیندهای مربوط به دریافت تسهیلات خرد و... اشاره کرد. موضوعی که می‌توان از آنها به مثابه اقدامات مهمی در راستای ایجاد تحول در تخصیص منابع بانکی و نحوه تسهیلات‌دهی بانک‌ها در دولت سیزدهم اشاره کرد.

افزایش مبادلات تجاری با همسایگان: یکی از انتقادات مطرح شده به عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم، رفتار دولت گذشته در سیاست خارجی و بی‌توجهی به ظرفیت‌های کشورهای همسایه و تمرکز بر رابطه با غرب بود. نگاهی که سبب شده بود ظرفیت کشورهای همسایه و شرکای سنتی ایران طی این سال‌ها عملاً فراموش شود. با روی کار آمدن دولت سیزدهم طی ماه‌های گذشته، اقدامات مثبتی در راستای توسعه تجارت با شرکای سنتی و همسایگان ایران انجام شده که بخشی از نتایج این اقدامات در حال حاضر نیز قابل مشاهده بوده و نتایج مثبت این اقدامات در سال های آینده نمود بیشتری خواهد داشت. از جمله این اقدامات طی این مدت کوتاه حضور ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای است. موضوعی که بسیار ارزشمند

حرکت ماشین اقتصاد در راه صحیح

بوده و می‌تواند زمینه حضور ایران در بازار ۵۰۰ میلیارد دلاری کشورهای این منطقه را فراهم کند. از طرفی رئیس دولت سیزدهم در تمام مذاکرات انجام شده با کشورهای همسایه بر توسعه روابط تجاری با این کشورها تأکید داشته و توسعه روابط تجاری منطقه‌ای را جزء اولویت‌های اقتصادی ایران عنوان کرده است. برای نمونه، فقط با بررسی میزان صادرات ایران به دو کشور روسیه و عمان متوجه می‌شویم حجم مبادلات تجاری ایران با عمان در سال ۱۴۰۰ در مقایسه با سال ۱۳۹۹ رشدی ۷۳ درصدی داشته است. طبق اطلاعات ارائه شده ازسوی سازمان توسعه تجارت، تجارت خارجی ایران با فدراسیون روسیه در سال گذشته ۴۶ درصد افزایش داشته است؛ به گونه‌ای که ارزش مبادلات تجاری دو کشور در سال ۱۳۹۹ حدود یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بوده که این رقم در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۲ میلیارد دلار رسیده و ارزش صادرات ایران به روسیه درسال ۱۴۰۰ رشدی ۳۰ درصدی نسبت به سال ۹۹ داشته است.

خروج کشور از بلاتکنلیفی: یکی از دلایلی که طی سال‌های گذشته منجر به تعمیق رکود در اقتصاد ایران شده بود، وجود سیاست‌های انتظاری و شرطی کردن اقتصاد ایران بسود؛ به گونه‌ای که همواره طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ سیاست‌های انتظاری در اقتصاد ایران حاکم بود. سیاست‌هایی که سبب شده است هم طرف عرضه (تولیدکننده) و هم طرف تقاضا (مصرف‌کننده) برای تولید و مصرف خود منتظر اتفاق یا رویداد جدیدی در عرصه اقتصاد کشور باشند. موضوعی که آسیب زیادی بر سرعت فعالیت‌های اقتصادی در ایران داشته و عملاً منجر به تعمیق رکود و کاهش میزان تولید و حتی مصرف در کشور شد؛ به گونه‌ای که دولت دوازدهم حتی در آخرین ماه‌ها و هفته‌های حضورش در پاسور نیز به دنبال انجام مذاکرات و توافقی جدید با طرف غربی بود. با روی کار آمدن دولت سیزدهم اگر چه مذاکرات با کشورهای اروپایی در حل انجام است؛ اما چه در کلام و چه در عمل سیاست‌های اقتصادی دولت معطل نتایج مذاکرات نبوده و عملکرد و تصمیمات اقتصادی دولت مجزا از روند مذاکرات در حال اجرا بوده و فضای تصمیمات و اقدامات اقتصادی دولت به مذاکرات گره نخورده است. نمونه بارز این اقدام را می‌توان در میزان و قیمت تعیین شده نفت در بودجه سال ۱۴۰۱ دانست.

بررسی دلایل ضرورت حذف ارز ترجیحی

اصلاح اصولی

سال‌های اخیر دغدغه سیاست‌گذاری حوزه سلامت ما این بوده که چگونه مصرف روغن در خانوارهای ایرانی را کنترل کنیم. البته اینکه بیابیم و قیمت روغن را با هدف کنترل مصرف افزایش دهیم اقدام درستی نیست؛ اما حداقلش این است که قیمت‌های نسبی را به هم نزینم؛ یعنی حداقل یک نسبت منطقی بین قیمت روغن و قیمت سایر کالاهای موجود در اقتصاد وجود داشته باشد.

دولت برای سال گذشته حداقل برای ذرت حدود ۲ تا ۳ میلیارد دلار و برای اینکهاله سوپا چیزی بین ۱ تا ۲ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی در نظر گرفته بود؛ یعنی برای کنترل قیمت مرغ چیزی حدود ۳ تا ۵ میلیارد دلار ارز ترجیحی به واردات نهاده‌های آن اختصاص یافت؛ اما سؤال این است که آیا تخصیص ۳ تا ۵ میلیارد دلار ارز ترجیحی برای اینکه قیمت هر کیلو مرغ ۱۰ تا ۲۰ هزار تومان گران‌تر نشود، به صرفه و اقتصادی بود؟ معنای ریالی این حرف این است که مابه‌التفاوت ۳ تا ۵ میلیارد دلار ارز ترجیحی با ارز نیمایی تقریباًچیز یحدود ۶۰ تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان می‌شود، یعنی ما به اندازه مجموع یارانه نقدی و معیشتی پرداختی دولت به مردم فقط به نهاده‌های تولید مرغ یارانه داده‌ایم تا بتوانیم قیمت مرغ را کنترل مدیریت کنیم. مسئله‌ای که در نهایت هم اتفاق نمی‌افتد؛ بنابراین به جرئت می‌توان گفت، این سیاست کارا نیست و با یک اجرای درست و رعایت یک سری از الزامات برای اجرای درست، می‌توان تداوم تخصیص این ارز را بدون اینکه اتفاق خاصی در کشور رخ دهد، حذف کرد و منابع را به صورت کاراتری تخصیص داد.

خانوارها باز توزیع شود، می‌تواند تأثیرگذاری بالایی داشته باشد. مثلاً برای نمونه، می‌دانیم ارز ۴۲۰۰ تومانی در حال حاضر به یک سری از کالاهای محدود مانند نهاده‌های دامی، روغن خام، دانه‌های روغنی و دارو تخصیص پیدا می‌کند. خوب، درباره دارو بسیاری از کسانی که مدافع حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی هستند، روی این موضوع اتفاق نظر دارند که به راحتی می‌شود با ساز و کار بیمه‌ای، تخصیص منابع را به شکلی انجام داد که بدون هیچ پرداخت اضافی از جیب مردم، هزینه‌های دارو برای آنان تغییری نداشته باشد. یعنی ما فقط ارز ۴۲۰۰ تومانی را تخصیص نمی‌دهیم و یارانه دارو را از طریق سازوکار بیمه‌ای روی نسخه‌های مردم اعمال می‌کنیم. البته یکی از ایراداتی که به این موضوع می‌گیرند، این است که برخی از افراد هیچ بیمه‌ای ندارند. فرض کنید چند میلیون نفر در کشور هستند که تحت پوشش هیچ بیمه‌ای نیستند، خوب این کار سختی برای وزارت رفاه نیست، به راحتی می‌توان این تعداد از جمعیت را شناسایی کرده و تحت پوشش بیمه سلامت قرار داد.

در مورد نهاده‌های دامی و روغن خام نیز اساساً در هدف‌گیری این اقلام، مشکل جدی وجود دارد. در واقع اگر دقت کنید در ایران قیمت روغن را به قیمت‌های نسبی اقتصاد، پایین‌تر از سایر کالاهای قرار داده‌ایم. این در حالی است که متوسط مصرف روغن در ایران به صورت قابل توجهی بالاتر از متوسط مصرف جهانی است؛ یعنی به کالایی یارانه می‌دهیم و آن را سرکوب قیمتی می‌کنیم و با این کار قیمت‌های نسبی را به هم می‌زنیم که اتفاقاً در

تخصیص ارز ترجیحی به واردات وجود نداشته و دولت از ذخایر خارجی بانک مرکزی استفاده کرده است؛ یعنی به گواه رئیس کل سابق بانک مرکزی، دولت دوازدهم بانک مرکزی را مجبور کرده است تا از سامانه نیما ارز نیمایی خریداری کرده و دلارهای نیما را به نام دلار ۴۲۰۰ تومانی به و واردات این کالاهای تخصیص دهد. استقراض از بانک مرکزی یا اینکه بانک مرکزی را مجبور کنیم ارز نیمایی خریداری کرده و به صورت ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات تخصیص دهد، منجر به رشد پایه پولی و تبع آن تورم منجر می‌شود. بنابراین، نکته اول این است که ما مخالف این هستیم که تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی ادامه پیدا کند، از طرفی با دوستانی هم که می‌گویند اگر حذف اتفاق بیفتد، هیچ تأثیری روی قیمت کالاها نخواهد داشت، مخالف هستیم؛ یعنی قبول داریم حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی منجر به افزایش قیمت برخی از کالاها منجر خواهد شد. اما نکته اینجاست که امروز بابت این عدم افزایش نیافتن قیمت‌ها، چه هزینه‌هایی به اقتصاد و مردم تحمیل می‌شود؟

مهم‌ترین نکته این است که بابت تأمین ارز ۴۲۰۰ تومانی و به تبع آن عدم افزایش نیافتن قیمت‌ها چه هزینه‌هایی به اقتصاد و مردم تحمیل می‌شود. اساساً فلسفه وجودی علم اقتصاد این است که سیاست‌گذار درباره نحوه تخصیص بهینه منابعی که در اختیار دارد، تصمیم بگیرد. در صورت اجرای صحیح حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، منابع حاصل شده از اجرای این طرح، منابع قابل توجهی خواهد بود که اگر به صورت مستقیم و در راستای حمایت از



دکتر محمدرضا عبداللّهی

کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس

تقریباً همه افرادی که مدافع حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی هستند، روی برخی از موارد اتفاق نظر دارند. در اینکه با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی قیمت کالاهایی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم از ارز ترجیحی منتفع می‌شوند، به‌طور قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند، شکی نیست. برای مثال نمونه، با حذف این ارز قیمت کالایی، مانند روغن به میزان زیاد، قیمت مرغ و تخم مرغ به میزان متوسط و قیمت محصولات لبنی به میزان کمتری افزایش خواهد یافت. بنابراین این‌که بگوییم این ارز هیچ اثری بر اقتصاد ایران نداشته است، حرف درستی نیست، البته هیچ کدام یک از مدافعان حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نیز چنین ادعایی ندارند. به هر حال، همه می‌دانیم تخصیص این ارز با وجود اتلاف و انحرافی که داشته، درجه‌ای از اصابت به هدف را نیز داشته است. اما چند سؤال کلیدی در اینجا وجود دارد، اینکه ما با این هدف که همین چندقلم کالا را ارزان‌تر یا به بیان بهتر با رشد قیمت کمتری نسبت به سایر کالاها در اختیار شهروندان قرار دهیم چه میزان منابع را برای این کار هزینه می‌کنیم؟ در واقع ما در این موضوع با دو مسئله مواجهیم: اول اینکه می‌شد این منابع را جور دیگری تخصیص داد یا نه؟ دوم اینکه آیا اساساً چنین منابعی وجود دارد یا نه؟ موضوع بدتر این است که در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ اساساً منابعی برای

چرا ترمز گرانی‌ها کشیده نشده است؟

بازنگاه صبح صادق به دلایل تداوم گرانی‌ها در دولت سیزدهم



۱ تداوم روند رشد نقدینگی

اگرچه بر اساس آمارهای موجود در دولت سیزدهم استقرار دولت از بانک مرکزی متوقف شده و رشد پایه پولی و نقدینگی نیز روندی اصلاحی داشته است؛ اما نباید فراموش کرد که در یک سال پایانی دولت روحانی رشد پایه پولی به بالاترین میزان خود رسیده بود. به نحویگونه‌ای که این شاخص در ۱۲ ماه منتهی به تیرماه ۱۴۰۰ به عدد ۴۲/۶ درصد افزایش یافت، عددی که بالاترین رقم در یک دهه اخیر محسوب می‌شده به شمار می‌آید. با روی کار آمدن دولت سیزدهم و تأکید رئیس‌جمهور بر عدم استقرار نکردن دولت از بانک مرکزی، سرعت رشد پایه پولی نیز کنترل شد. اما طبیعتاً عدم افزایش نیافتن یا مهار رشد پایه پولی نیست. برای مثال نمونه، پایه پولی در مردادماه ۱۴۰۰ با کاهش نیم درصدی نسبت به تیرماه و در شهریورماه نیز با کاهش ۲/۶ درصدی نسبت به مردادماه مواجه شد. براساس آمارهای اعلامی بانک مرکزی، سیر نزولی رشد پایه پولی در پاییز ۱۴۰۰ نیز ادامه یافت. به نحویگونه‌ای که پایه پولی به ترتیب در ماه‌های مهر، آبان و آذر برابر با ۳۶/۴ درصد، ۳۵/۸ درصد و ۳۷/۸ درصد بود. این شاخص در ۱۲ ماه منتهی به اسفند ماه سال گذشته به ۳۱/۴ درصد رسید. این یعنی روند رشد پایه پولی که در تیرماه ۱۴۰۰ مصادف با آخرین آمار اعلامی فعالیت دولت قبل به ۴۲/۶ درصد رسیده بود، با کاهش بیش از ۱۱ درصدی به ۳۱/۴ درصد در اسفندماه ۱۴۰۰ رسیده است. این روند اگر چه به این مناسبت که حرکت دولت در مسیر کاهش رشد پایه پولی و نقدینگی مسیر درستی است، اما نباید فراموش کرد که ایسن روند به معنای مهار رشد پایه پولی نیست؛ بلکه پایه پولی و نقدینگی همچنان روندی افزایشی داشته و طی ماه‌های اخیر دولت صرفاً فقط موفق شده است شتاب این افزایش را تا حدودی مهار کند؛ از این رو بخشی از افزایش قیمت‌ها متناسب با میزان افزایش پایه پولی و حجم نقدینگی بوده و در اقتصاد ایران که با تورم ساختاری مواجه است، امری معمول به شمار می‌رود.

۲ ضعف نهادهای نظارتی

انفعال و ناکارآمدی برخی از سازمان‌ها و دستگاه‌های نظارتی از جمله سازمان حمایت از مصرف‌کننده نیز در تشدید گرانی‌ها بی تأثیر نیست. البته منظور از این انفعال صرفاً فقط موضوع بازرسی‌های میدانی نیست، اگرچه این موضوع نیز می‌تواند تا حدودی در اطمینان بخشی به مردم در وجود نظارت بر بازار و ایجاد آرامش در قیمت‌ها نقش داشته باشد؛ اما شاید مهم‌ترین ضعف نظارتی در اقتصاد ایران ضعف‌ها و کم‌کاری‌های نظارتی در بعد کلان باشد. موضوعی که نمونه بارز آن را طی روزهای اخیر در موضوع ماکارونی طبروزهیاخیر شاهد بودیم. با افزایش قیمت آرد مصرفی برای تولید ماکارونی، برخی از کارخانه‌های تولید این محصول در حالی از تولید و عرضه این کالا به بازار دست کشیدند که طی سال‌های گذشته با حمایت و یارانه‌های پرداختی از سوی دولت صادرات بالایی به کشورهای دیگر داشته و با درآمدهای خود دست به توسعه کارخانجات خود زده بودند؛ اما حالا و به محض افزایش قیمت آرد دست به افزایش جهشی قیمت محصولات خود یا حتی عدم عرضه نکردن محصولات خود به بازار دست زده‌اند. موضوعی که بر چالش گرانی قیمت این محصول در روزهای اخیر افزود. به هر حال، ماکارونی بسا توجه به استفاده از ارز دولتی در واردات ماده اولیه و روند تولید آن، از قیمت نسبتاً مناسبی برخوردار بوده و سهم قابل توجهی در سبد غذایی دهک‌های پایین درآمدی داشته است. علاوه بر ضعف نظارتی در بعد کلان ماجرا، این ضعف در نظارت‌های میدانی نیز مشهود بوده و گاهای عدم وجودنبود نظارت‌های کافی باعث سبب شده است برخی از عرضه‌کنندگان بدون مجوزهای قانونی دست به افزایش قیمت‌ها، فراتر از افزایش قیمت قانونی و مصوب دست زده و منجر به افزایش بی‌نظمی‌ها و تشویش در بازار شوند.

۳ بدهی‌ها و تعهدات دولت قبل

اگر چه بیش از ۸ هشت ماه از آغاز فعالیت دولت سیزدهم می‌گذرد؛ اما نمی‌توان از این واقعیت عبور کرد که برخی از اقدامات و تعهدات دولت گذشته حداقل تا پایان سال اول دولت سیزدهم، گریبان این دولت را رها نخواهد کرد. بسیاری از کارشناسان اقتصادی قبل از مشخص شدن دولت سیزدهم نیز معتقد بودند سال‌های ابتدایی عملکرد دولت سیزدهم سال‌های بسیار سختی خواهد بود که دولت جدید هم باید بسیاری از تعهدات دولت قبل را اجرایی کرده و هم بسیاری از بدهی‌های ایجاد شده در دولت قبل را تصفیه کند. موضوعی که بدون شک باعث سبب شده است دولت سیزدهم سال‌های ابتدایی بسیار سختی را پشت سر بگذارد. برای مثال نمونه، عدم اجازه ندادن دولت دوازدهم برای افزایش قیمت برخی از کالاها در ماه‌های پایانی دولت دوازدهم در حالی بود که اصناف و تولیدکنندگان مربوطه در این مدت، بارها با ارائه اسناد و مدارکی دال بر افزایش هزینه‌های تولید، تقاضای افزایش قیمت محصولات خود را به دولت دوازدهم ارائه داده بودند؛ اما بسیاری از این درخواست‌ها در ماه‌های پایانی دولت دوازدهم از سوی دولت وتو می‌شد. در واقع، دولت دوازدهم در ماه‌های پایانی حضور خود با عمده درخواست‌های مطرح شده از سوی اصناف برای تأمین و حتی پیش‌بینی افزایش قیمت‌ها مخالفت کرده و پذیرش این درخواست‌ها را به دولت بعدی محول کرد. همین موضوع باعث موجب شد دولت سیزدهم از ماه‌های ابتدایی روی کار آمدن، بدون اینکه نقشی در افزایش هزینه‌های تولید داشته باشد، با درخواست‌های تلنبار شده بسیاری اصناف برای افزایش قیمت تولیدات خود مواجه بود. در کنار این موضوع، تعهدات دولت قبل بود که در ماه‌های پایانی این دولت ایجاد و اجرای آن عملاً بر دوش دولت سیزدهم گذاشته شد. تعهداتی مانند نام دولت دوازدهم گر ه خورده بود، اما عملاً اجرای آن بر عهده دولت سیزدهم گذاشته شد. در واقع، دولت



علی مرزبان

خبرنگار

وقتی در یک یا چند کالا افزایش قیمت رخ می‌دهد، از این موضوع تحت با عنوان گرانی در این کالاها یاد می‌شود؛ به این معنا که قیمت آن کالا یا خدمت گران شده است. از طرفی به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک اقتصاد «تورم» می‌گویند. برای مثال نمونه، ممکن است تورم سالیانه در کشوری ۳ تا ۵ درصد باشد که این میزان تورم به توجه به وضعیت عمده کشورهای جهان از لحاظ شاخص تورم عددی معقول و به اصطلاحاً نرخ تورمی معقول به شمار می‌رود. با این حال، در این اقتصادها نیز ممکن است یک یا چند کالا و خدمت خاص نسبت به سال گذشته ۲۰ یا حتی ۳۰ درصد افزایش قیمت داشته باشد. در این مواقع، نمی‌توان گفت این کشور دارایتورم بالایی دارد؛ ست بلکه صرفاً شاهد گرانی در یک یا چند کالای خاص و محدود هستیم. چه بسا ممکن است تعداد قابل توجهی از کالا و خدمات ارائه شده هیچ افزایش قیمتی نداشته باشد یا حتی گاهی ا برخی از این کالاها به واسطه افزایش عرضه با کاهش قیمت نیز مواجه شوند! اقتصاد ایران طی نیم قرن اخیر و از اوایل دهه ۵۰ شمسی با پدیده‌ای تحت با عنوان تورم ساختاری در اقتصاد خود مواجه بوده است. تورمی که اگر چه در برخی از سال‌ها مانند اواسط دهه ۷۰، اوایل دهه ۹۰ و طی سال‌های گذشته به بیش از ۴۰ درصد نیز رسیده است، اما تقریباً در تمام این ایام به جز سال‌های معدودی همواره عددی در رقمی بوده است. با این حال، نرخ میزان تورم در سال‌های اخیر گویا وارد فاز مرحله جدیدی شده و عملاً اقتصاد ایران در حال سپری کردن چهارمین سال پیایی است که با تورم‌های بالای ۳۰ تا ۴۰ درصدی مواجه می‌شود؛ موضوعی که قدرت خرید ایرانی‌ها را به شدت کاهش داده و بر اساس آمارهای رسمی و غیر رسمی تعداد افراد و خانوارهای فقیر جامعه در حال افزایش است. بعد پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم و با عنایت به نگاه مردمی دولت جدید، توجه به ظرفیت‌های داخلی کشور و تحول مدیریتی رخ داده در دولت، این امید وجود داشت که مشکلات و چالش‌های اقتصادی تا حدود زیادی مرتفع شده و روند کاهش تورم در کشور آغاز شود. اتفاقی که البته تا به امروز رخ نداده است. در نوشتار ذیل‌تر علاوه افزون بر تورم ساختاری موجود در اقتصاد ایران که می‌توان آن را دلیل اصلی تورم‌های بالا و افزایش قیمت‌ها در اقتصاد ایران دانست، به بررسی برخی از دلایل افزایش قیمت‌ها طی ماه‌های اخیر پرداخته‌ایمرا بررسی کرده‌ایم:

ریشه مشکلات کجاست؟

مین گذاری‌های دولت تدبیر و امید در نظام پولی کشور

همچنان نقش غالب در بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در اختیار بانک‌های خصوصی است. در بخش بدهی بانک‌های دولتی بر اساس آمارهای موجود، عمده بدهی این بانک‌ها مربوط به بانک‌های تخصصی است. در سال ۱۳۹۸ مقدار ۴۱ واحد از ۴۴٫۹ واحد مربوط به بانک‌های تخصصی بوده است. رشد ذخایر خارجی و اثر آن در افزایش پایه پولی نیز عمدتاً به‌دلیل استقرار از بانک مرکزی به شیوه جدید بوده که آن هم استفاده از منابع صندوق توسعه ملی است. در این روش، بانک مرکزی به دلیل استفاده دولت از منابع صندوق توسعه ملی، بدون اینکه منابع ارزی در اختیار داشته باشد، منابع جدید پولی را در اختیار

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد، از سال ۱۳۹۰ به بعد، نقش غالب در پایه پولی به بدهی بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی اختصاص داشته است؛ به گونه‌ای که سهم بانک‌های خصوصی در افزایش پایه پولی از زیر ۱۰ درصد در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ به بالای ۶۰ درصد در سال‌های اخیر افزایش یافته است. در عین حال، سهم بانک‌های دولتی در ایجاد پایه پولی از بالای ۹۰ درصد به حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است. نسبت‌هایی که البته در دولت دوازدهم با تغییراتی مواجه شد. از سال ۱۳۹۷ و با توجه به لایحه بودجه آن سال، اگر چه بخشی از بدهی بانک‌های خصوصی با بدهی دولتی تهاتر شد، اما با این حال

سیزدهم محکوم به انجام تعهدات و پرداخت‌هایی محکوم شد که نه تنها کارشناسی شده نبود؛ بلکه حتی منابع تأمین مالی آن نیز به‌صورت پایدار پیش‌بینی نشده بود. اگر چه بسیاری از این تعهدات از سوی دولت قبل مصوب و اجرای آن آغاز شده بود، اما دولت قبل عملاً نقش چندانی در اجرای آن نداشت، بلکه بار اصلی اجرای ایسن تعهدات بر روی دوش دولت سیزدهم گذاشته شد.

۴ افزایش قیمت جهانی مواد غذایی

قیمت بسیاری از کالاهای اساسی در حوزه مواد غذایی طی ماه‌های اخیر با رشد شدیدی مواجه بوده است. از سوی دیگر، تقابل نظامی میان روسیه و اوکراین مزید بر علت شده و علاوه افزون بر تورم چشمگیر مواد غذایی، قیمت غلات (حدود ۴۰ درصد تولید غلات دنیا بر عهده این دو کشور است) نیز با افزایش چشمگیری مواجه شده است. این در حالی است که به دلیل اقدامات نادرست و عدم آینده‌نگری نداشتن دولت گذشته در خودکفایی گندم و تأمین نهاده‌های دامی کشور، بخش قابل توجهی از نیاز کشور از طریق واردات تأمین می‌شود. در واقع بخشی از افزایش قیمت کالاهای اساسی به دلیل افزایش قیمت مواد اولیه و نهاده‌های دامی وارداتی است که طبیعتاً خارج از اختیار دولت بسوده و به نوعی تورم خارجی تحمیلی بر قیمت مواد غذایی وارداتی است. علاوه بر این موضوع، تورم جهانی نیز رکوردهای جدیدی را به ثبت رسانده است؛ به نحویگونه‌ای که بعد پس از سال ۱۹۷۲ میلادی و تورم ناشی از افزایش قیمت انرژی در دنیا، عمده کشورهای غربی با برنامه‌ریزی اقتصادی توانستند با تورم‌های بالا خداحافظی کنند. به نمونه‌که طی ۴ چهار دهه اخیر میانگین تورم در این کشورها عددی کمتر از ۵ درصد بوده است. اما در یک سال اخیر میزان نرخ تورم در آمریکا و کشورهای حوزه یورو با رکوردهای جدیدی مواجه بوده است. برای مثال نمونه، ۱۰ ماه متوالی است که نرخ میزان تورم در اتحادیه اروپا روندی افزایشی داشته و بانک مرکزی اروپا به تازگی اعلام کرده است نرخ میزان تورم در آوریل ۲۰۲۲ بیشترین نرخ میزان تورم در تاریخ این اتحادیه محسوب می‌شود به شمار می‌آید. در انگلستان اکثر بیشتر فروشگاه‌ها با کمبود کالاهایی، چون صیفی‌جات، غلات، تره‌بار و در صدر آن روغن‌های خوراکی مواجه شده‌اند این موضوع در کشورهایی، چون آلمان، هلند و... نیز صادق بوده است؛ به نحویگونه‌ای که در ماه گذشته برای دومین ماه پیاپی، میزان تورم در آلمان به بالاترین حد در ۴۰ سال اخیر رسید. در این بین، کنسرسیون خرده‌فروشی انگلیس نیز اعلام کرده است شهروندان انگلستان باید خود را برای افزایش بیشتر قیمت‌ها در آینده آماده کنند. در واقع، علاوه بر افزایش بی‌سابقه قیمت جهانی مواد غذایی، عمده کشورهای دنیا نیز با تورم‌های شدیدی مواجه شده‌اند که بی‌شک اقتصاد ایران نیز از به این موضوع بی‌نصیب‌نودهدچار شده است.

در دولت دوازدهم به مراتب بدتر شده است؛ به گونه‌ای که در دولت یازدهم پایه پولی ۹۴٫۴ درصد و در دولت دوازدهم ۱۶۸٫۹ درصد رشد داشته است.

علاوه بر رشد پنج برابری پایه پولی، مقایسه نقدینگی در دوره فعالیت دولت روحانی نیز نشان دهنده رشد هشت برابری این متغیر است. به عبارت دیگر، نقدینگی بیش از ۷۰۰ درصد افزایش یافته است. در ابتدای دولت یازدهم حجم نقدینگی در اقتصاد ایران حدود ۴۷۹ هزار میلیارد تومان بود که در پایان دولت دوازدهم این رقم به ۳۷۰۵ هزار میلیارد تومان رسید.

آمارهای رسمی منتشر شده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد، پایه پولی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم پنج برابر شده است؛ به گونه‌ای که رقم پایه پولی از ۹۵ هزار میلیارد تومان در ابتدای دولت یازدهم به بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان در پایان خرداد ماه سال گذشته، یعنی انتهای دولت دوازدهم رسیده است. بر این اساس، در دولت حسن روحانی پایه پولی بیش از ۴۲۲ درصد رشد داشته است؛ به این ترتیب، می‌توان گفت در دولت‌های یازدهم و دوازدهم ۴۰۵ هزار میلیارد تومان پول چاپ شده است. بررسی تفکیک شده دولت‌های یازدهم و دوازدهم نشان می‌دهد، وضعیت این شاخص اثرگذار اقتصادی

سرمایه ملی

نگاهی به
افزایش فروش نفت
و مسیر پیش‌رو دولت

پیش درآمد

درآمدهای نفتی
از واردات تا زیرساخت

گروه پرونده

صبح صادق

اخبار ماه‌های گذشته از افزایش تولید و صادرات کشور خبر می‌دهد که می‌تواند تأثیرات مثبت اقتصادی در کشور داشته باشد. افزایش ظرفیت تولید و صادرات نفت یک سر مسئله است و مسئله مهم‌تر آنکه درآمد حاصل از این صادرات و فروش سرمایه ملی کشور چطور، چگونه و کجا صرف چه مواردی شود و به عبارتی هزینه‌کرد درآمدهای نفتی کجای اقتصاد بهترین بازدهی را داشته و نقش مهمی در زندگی و معیشت مردم خواهد داشت؟

رهبر معظم انقلاب در ۲۳ فروردین ماه سال جاری به این مهم اشاره داشته و گفته‌اند: «درآمدها صرف واردات بی‌رویه نشود و به مسائل زیربنایی از جمله حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی، شرکت‌های دانش‌بنیان، نوسازی صنایع، راه‌های ارتباطی با کشورهای همسایه و حل مشکل مهم آب اختصاص یابد که خوشبختانه دولت در مسئله آب کارهای خوبی آغاز کرده، اما حل این مشکل به پول نیاز دارد.»

سخنان رهبری همچون چراغ راهی است که پسادآوری می‌کند نباید پول درآمدهای ملی کشور را به وارداتی اختصاص دهیم که نقشی در آینده کشور ندارند؛ بلکه باید صرف افزایش کار و تولید و صرف زیرساخت‌های زیربنایی برای افزایش این دوشود تا با افزایش تولید و کاهش تورم شاهد اتفاقات خوبی در اقتصاد و بعد هم در معیشت و زندگی عموم مردم و نه عده‌ای قلیل باشیم.

از سوی دیگر، اقتصاد مستقل از نفت مهم‌ترین دورنمایی است که از ابتدای انقلاب تاکنون همواره قرار بوده محقق شود، امری که هنوز همچون کلافی سردرگم در پستوی آرزوهای فراموش شده خاک می‌خورد.

رهبر معظم انقلاب هم در سخنان خود بر اقتصاد بدون نفت به مثابه هدفی بلندمدت تأکید کردند و فرمودند: «حداقل دو دولت در مسئولیت‌های هشت ساله باید همت کنند تا این مشکل به سامان برسد؛ البته اگر همان روزی که اقتصاد بدون نفت را مطرح کردیم، اجرای آن شروع می‌شد امروز کشور وضع متفاوتی داشت.»

اقتصادی که بر مبنای تولید غیر نفت و خدمات باشد؛ مانند بسیاری از کشورهایی که درصد بالایی از رفاه عمومی دارند، اما نفت ندارند! ایران هم کم ندارد تولیدات و خدماتی که می‌تواند با صدور آنها درآمدهای ارزی بالایی کسب کند؛ از تولیدات قالی و قالیچه‌های دستباف مشهور ایرانی تا زعفران قانن و هل و کلاب کاشان و هزاران تولید و خدمت دیگری که جهان نیازمند آن است؛ تنها باید با نیازسنجی در مسیر ارتقای تولیدات غیر نفتی حرکت کنیم تا کشور را به سر منزل مقصود برسانیم.

مرتضی افقه در گفت‌وگو با صبح صادق تأکید کرد

پایان

بی‌تدبیری‌ها

ملیحه زرین‌پور

خبرنگار

با توجه به وضعیت کنونی کشور، نحوه هزینه‌کرد درآمدها باید به چه شکلی باشد تا وضعیت اقتصادی بهبود یابد؟

درآمدهای کشور هم اکنون بسیار محدود هستند و علم اقتصاد اینجا به کار می‌آید. تعریف اقتصاد توزیع منابع محدود بین نیازهای نامحدود است، الان که ما با کمبود درآمدهای ارزی روبه رو هستیم، طبیعتاً یکی از نیازهای مهم مردم اشتغال است که باید در زمینه اشتغال سرمایه‌گذاری شود؛ چون این فقر هم اکنون پاشنه آشیل حکومت است و به دلیل بی‌تدبیری‌های گذشته صورت گرفته است. بنابراین، اولویت تازمانی که تحریم‌ها برداشته شوند و شرایط عادی شود، همین است؛ یعنی بیشتر اولویت‌ها باید به ایجاد اشتغال، کاهش فقر و نابرابری‌ها و توزیع عادلانه ثروت اختصاص یابد.

در حال حاضر گفته می‌شود وضعیت فروش نفت بهتر شده، تحلیل شما از این موضوع چیست؟ آیا آماری دارید؟

بله، بالقوه ما در بهترین موقعیت برای صادرات نفت هستیم و باید از این شرایط به نحو احسن استفاده کنیم؛ به ویژه با درگیری‌هایی که در اروپا با روسیه پیش آمده و تحریمی که می‌خواهند انجام دهند، طبیعتاً میزان صادرات نفت از روسیه و واردات نفت از اروپا کاهش می‌یابد و ما می‌توانیم از خلأ ایجاد شده برای جایگزینی با بازارهای روسیه بهره ببریم. همه اینها و بهره‌گیری از موقعیت پیش آمده به زیرکی و باهوشی سیاست خارجی و البته تصمیمات

ساحل عباسی

خبرنگار

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا گفت: دولت برای آینده اقتصاد ایران باید برنامه داشته باشد، یعنی باید مشخص کند که کدام صنعت می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور حال اقتصاد ایران را خوب کند.

به گزارش صبح صادق، حمایت از تولید و رشد و جهش تولید موضوع مهمی است که سال‌هاست رهبر معظم انقلاب دولت‌ها را به این سمت و سو و تحقق این مسئله مهم اقتصادی دعوت کرده است. با بهتر شدن وضعیت ارزی کشور، امیدواری برای تحقق این شعار دوچندان شده است. از طرفی با روی کار آمدن دولت انقلابی، این سؤال مطرح می‌شود که دولت در تحقق این شعار با رویکرد حمایت از صنایع چه راهبردی را باید در پیش بگیرد، لذا در این زمینه با عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا گفت‌وگو کردیم که در ادامه بحث آمده است.

دکتر حسین راغفر، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با صبح صادق درباره اهمیت حمایت دولت از صنایع کشور به منظور رشد و توسعه اقتصاد ایران گفت: «یکی از موضوعاتی که می‌تواند یاری‌کننده صنعت کشور باشد، مصرف درست ارز است. ارزی که متعلق به همه مردم ایران است، فقط و فقط باید صرف تأمین نیازهای اساسی و تولید کشور شود، نه اینکه بخش بسیار کمی از آن به تولید برسد.

سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کشور بستگی دارد.

فکر می‌کنید در صورت بهبودی وضعیت فروش نفت که البته اکنون هم شرایط با توجه به خبرها و صحبت‌های بانک مرکزی و وزیر نفت خیلی بهتر است، دولت درآمدهای حاصل را چطور باید هزینه کند؟

از سال‌های قبل دولت بدهی‌هایی دارد؛ ما سه سال تحریم بودیم و دولت نتوانست نفت بفروشد و برای جبران با اجازه مقامات معادل ارزی که می‌دانستند برای ایران است، ولی بلوکه شده بود، در کشور نقدینگی چاپ شد؛ حالا بعضی می‌گویند بخشی از این ارزها که می‌آید، باید به بانک مرکزی داده شود.

مشکل عمده اقتصاد ما داخلی است. اگر چه این چهار سال اخیر تحریم‌ها نقش اساسی در مشکلات معیشتی مردم داشتند؛ اما بی‌تدبیری‌های گذشته سبب شد که ما نتوانیم از فرصت‌ها استفاده کنیم. اما مسئله این است که مشکلات فقط اقتصادی نیستند که با فرمول‌های اقتصادی حل بشوند؛ لذا باید یکسری سیاست‌های غیر اقتصادی اصلاح شوند که آنها هم زمانبر و همراه با مقاومت هستند.

بنابراین ما باید که ساختارهای ضد تولید و ضد عزم‌شان این باشد که ساختارهای ضد تولید و ضد توسعه را اصلاح کنند تا ما بتوانیم اگر گشایشی در رفع تحریم‌ها شد، از آن استفاده کرده و آسیب‌پذیری اقتصادی کشور را از تحریم‌های اقتصادی آتی به

یکی از موارد مهمی که برای هزینه‌کردهای درآمدهای نفتی عنوان می‌شود، این است که باید از هزینه وارداتی که برای کالاهای اساسی نیست، اجتناب کرد؛ مواردی که شاید در دولت‌های گذشته به لحاظ وجود تحریم‌هایی که اکنون هم هست رعایت نشد، نظر شما چیست؟

این یک امر معمول و منطقی است؛ وقتی شما با کمبود منابع مواجه هستید، این منابع کمیاب باید صرف نیازهای اصلی و اساسی شود و خنده‌دار خواهد بود اگر این منابع صرف نیازهای بیستم مردم شود؛ اما با وجود این توصیه‌ها باز هم سازوکارها به گونه‌ای نیست که از این واردات ممانعت به عمل بیاید و احتمالاً با نفوذهایی که افراد دارند، باز هم کالاهایی وارد می‌کنند که جزء نیازهای غیر ضروری مردم است.

راه‌های درآمذایی کشور به جز فروش نفت چیست؟

این هم از آن مسائل قدیمی است که از ابتدای انقلاب بوده و هنوز ادامه دارد که باید وابستگی را به فروش نفت کاهش بدهیم، ولی متأسفانه به دلیل سهل‌الوصول بودن درآمدهای نفتی باز هم بر درآمذایی به جز نفت تمرکز نکرده‌ایم و مدیران نسبت به این هدف مهم تنبل شده‌اند.

حسین راغفر در گفت‌وگو با صبح صادق

درآمد ارزی در خدمت رونق تولید قرار گیرد

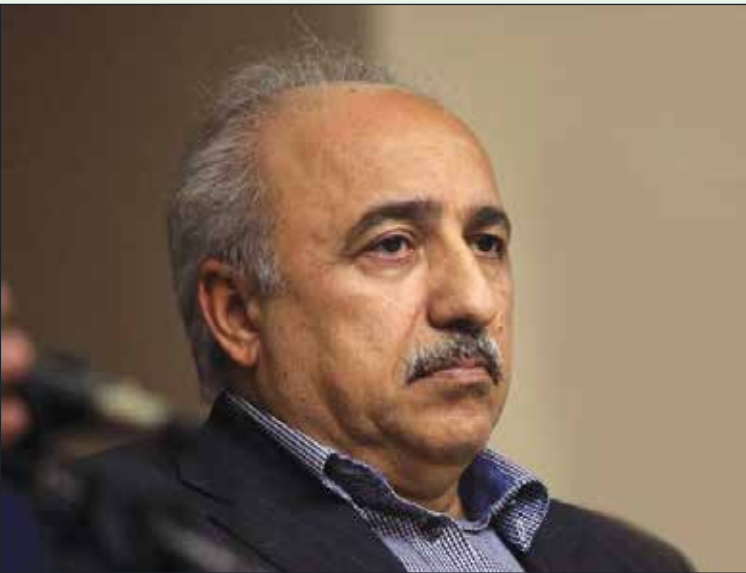
هستند؛ برای نمونه در حوزه‌های هوش مصنوعی و ربات به شدت عقب هستیم، در حالی که صنایع با علم روز آینده دنیا را می‌سازند، بنابراین برای اینکه از دنیا عقب نمانیم، دولت باید به مسئله آینده صنعت بسیار توجه کند.»

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا خاطر نشان کرد: «با توجه به اینکه صنایع نوظهور و تکنولوژی‌های روز اشتغالزایی نیستند و ما در حال حاضر به ایجاد اشتغال در سراسر کشور نیاز داریم، علاوه بر حمایت از صنایع دانش‌بنیان باید از صنایع اشتغالزای نیز برای ایجاد اشتغال و پاسخ به نیاز کارجویان حمایت شود. دولت باید این افراد را شناسایی کند و منابع ارزی خود را به چنین صنایعی تخصیص دهد؛ منتهی باید در قبال کمکی که می‌کند برنامه داشته باشد، یعنی در پایان سال باید ارزیابی شود که این صنایع تا چه حد اشتغال ایجاد کرده و از منابع خود به چه نحوی استفاده کرده‌اند؟»

وی در این باره تصریح کرد: «دولت برای رسیدن به هدف‌گذاری‌های خود باید برنامه داشته باشد. بی‌برنامگی دولت برای حمایت از صنایع به هیچ وجه به نفع صنعت و آینده اقتصاد نیست، از این رو تأکید می‌شود دولت باید منابع ارزی کشور را صرف توسعه صنعتی کشور کند و از ورود کالای لوکس و کالاهایی که مورد نیاز کشور نیست، به شدت جلوگیری به عمل آورد تا ارز کشور صرف توسعه صنایع شود؛ چرا که حمایت از صنایع به معنای حمایت از آینده اقتصاد و کمک به افزایش امنیت ملی است.»

صنعت می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور حال اقتصاد ایران را خوب کند، لذا به صورت ویژه البته با نظارت‌های بالا که به ارتقای کار آن صنعت اطمینان حاصل کند، از صنایع مورد نظر حمایت به عمل بیاورد.»

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا در ادامه خاطر نشان کرد: «دولت در زمینه حمایت از صناعی که باید رشد داده شوند، لازم است تحولات علمی و تکنولوژیکی را که در دنیا صورت می‌گیرد، به شدت دنبال کند و تفاوت صنعتی کشور را با کشورهای توسعه‌یافته ارزیابی کند تا بتوانیم در این حوزه‌ها نیز به تدریج به دنیا برسیم. به این دلیل که ما اکنون در بسیاری از صنایعی که با علم و دانش روز مرتبط



محمدعلی خطیبی در گفت‌وگو با صبح صادق

دولت در مسیر درست گام برمی‌دارد

احمد ر جایی

خبرنگار

«ما در زمینه فروش نفت به رقم‌های بسیار خوبی رسیده‌ایم و تمامی درآمدهای فروش نفت را وصول می‌کنیم، بنا بر این حتی اگر برجام هم نباشد، تأمین ارز در کشور به نحو مناسبی انجام خواهد شد و هیچ مشکلی در بازار ارز نخواهیم داشت.» اینها بخشی از سخنان صالح‌آبادی، رئیس کل بانک مرکزی است؛ سخنانی که حاوی خبرهای خوبی است، اما نیازمند تأمل و تفکر درباره یافتن بهترین روش‌ها برای هزینه‌کرد درآمدهای ارزی است تا هم وضعیت کشور را تغییر داده و اقتصاد را در مسیر بهبودی سوق دهد و هم سطح رفاه زندگی و معیشت مردم را بهبود بخشد. برای بررسی بیشتر این مهم صبح صادق با محمدعلی خطیبی، نماینده اسبق ایران دراوپک و کارشناس نفت و انرژی گفت‌وگویی داشته است که در ادامه می‌خوانید.

♦ با تحلیلی از آمار فروش نفت با توجه به وضعیت کنونی کشور، نحوه هزینه‌کرد درآمدهای ارزی کشور باید به چه صورتی باشد؟

بر اساس اظهارات مقامات رسمی کشور و به ویژه وزیر نفت، مقدار تولید و صادرات‌مان به پیش از تحریم‌ها رسیده و این تغییر بزرگی است که در دولت آقای رئیسی اتفاق افتاد و صادرات ما که به دلیل تحریم‌ها به رقم ناچیزی رسیده بود، اکنون بدون اینکه در مذاکرات اتفاق خاصی برای لغو تحریم‌ها بیفتد، تنها با تغییراتی که در بازار نفت به وجود آمد و نیاز شدیدی که به نفت در بازارهای بین‌المللی احساس شد، تولید و صادرات نفت ما افزایش پیدا کرد.

بر اساس گفته‌های مقامات رسمی، تولید و صادرات الان به پیش از تحریم‌ها رسیده و اعزام شده است پول آن هم دریافت می‌شود. با این حال، در ارتباط با هزینه‌کرد درآمدهای نفتی، دولت نمی‌تواند هر کاری بکند و تنها براساس بودجه‌ای که برای دولت تعیین شده می‌تواند خرج کند. بنابراین بر اساس رقم‌ها و ردیف‌هایی که در بودجه سال جاری از سوی مجلس تصویب شده، دولت می‌تواند هزینه کند و چنانچه دولت درآمد بیشتری داشته باشد و بخواهد بیش از هزینه‌های تعیین شده هزینه کند، باید از مجلس مجوز بگیرد.

این درآمدها قطعاً در زندگی مردم تأثیر خواهد داشت و در بودجه هم گشایش‌هایی پیش‌بینی شده است؛ ولی این گشایش‌ها محدود است و مقداری هم به صندوق ذخایر ارزی باید واریز شود.

♦ درباره هزینه‌کرد درآمدهای نفتی و تأثیر آن بر رفاه و معیشت مردم، همانطور که رهبر معظم انقلاب هم اشاره فرمودند، باید ظرفت‌هایی وجود داشته باشد؛ تحلیل‌تان در این مورد چیست؟

این مورد که شما فرمودید همانطور که رهبری هم اشاره فرمودند، امر مهمی است. با افزایش درآمدهای نفتی به منظور بهبود وضعیت مردم دوره وجود دارد؛ یک راه کوتاه‌مدت که ما هر چه به‌دست آوریم، واردات کنیم که طبیعتاً در کوتاه‌مدت گشایش‌هایی به وجود می‌آید؛ ولی برای سال‌های آینده به درآمدهای بیشتر نیاز داریم. راه دیگری که وجود دارد، این است که ما اضافه درآمدهای‌مان را صرف پروژه‌های بزرگ کنیم و در این ارتباط یکسری درآمدهایی در آینده حاصل خواهد شد. بنابراین با باید این افزایش درآمدها سرمایه‌گذاری شود که در این صورت طرح‌ها و پروژه‌های بزرگی اجرایی می‌شود و اصل و سود این پول بار دیگر به صندوق ذخیره ارزی ما برمی‌گردد؛ یعنی اجرایی

شدن خود طرح‌ها سبب گشایش‌هایی در زندگی مردم می‌شود.

بنابراین دو راه وجود دارد: یکی گشایش‌های فوری و دیگری سرمایه‌گذاری‌هایی که باید از سوی صندوق ذخیره ارزی از محل دادن وام به طرح‌ها و پروژه‌ها انجام و این وام‌ها بعداً با سودش دریافت شود. در این حالت آن مبلغ سرمایه‌گذاری بعدها با سود به صندوق ذخیره ارزی برمی‌گردد و از بین نمی‌رود و هم اینکه آن طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ که اجرا می‌شود، تحولی در تولید انجام می‌شود و این ماندگار است و به یک سال مربوط نیست. ضمن اینکه پولش به صندوق ذخیره ارزی برگشته و این صندوق می‌تواند بار دیگر به طرح‌ها و پروژه‌های جدید وام بدهد.

♦ کدام راهکار عملیاتی‌تر است و می‌تواند در دراز مدت گشایش‌هایی روی زندگی مردم ایجاد کند؟

به نظر می‌رسد، راه دوم اجرا می‌شود و به طرح‌ها و لوایح وام داده می‌شود؛ لذا با این کار یکسری طرح‌ها و پروژه‌ها اجرا می‌شود که می‌تواند به سرعت باعث تولید در کشور شود و به نظر که راه اساسی‌تری است و بهتر از آن است که ما وارداتی انجام دهیم و منتظر باشیم سال بعد واردات بیشتری انجام بدهیم. در هر صورت به نظر می‌رسد دولت راه دوم، یعنی سرمایه‌گذاری اضافه درآمدها در طرح‌ها و لوایح ملی را در دستور کار دارد که راه درست‌تری است؛ منتهی یک مقداری باید تحمل به خرج داد؛ زیرا زمانی که ایسن طرح‌ها اجرایی شود، تولید کشور وارد مرحله جدیدی خواهد شد و تحولی در آن ایجاد می‌شود. در این حالت ما می‌توانیم کشور را از محل افزایش تولیدی که در نتیجه سرمایه‌گذاری روی طرح‌ها و لوایح بزرگ حاصل شده، اداره کنیم و این امر روی زندگی و معیشت مردم تأثیر گذار است.

♦ عنوان می‌شود برای هزینه‌کرد درآمدهای ارزی باید حساسیت به کار برد و از صرف آنها برای واردات غیر ضرور خودداری کرد؛ تحلیل شما چیست؟

این خارج از چارچوب بودجه است؛ وگرنه دولت در چارچوب بودجه می‌تواند واردات انجام دهد همان مبلغی که همیشه در بودجه به واردات ضروری و کالاهای اساسی پیش‌بینی و اختصاص داده شده است و این مغایرتی ندارد، منتهی بحث بر سر مواردی خارج از چارچوب بودجه است؛ در داخل بودجه دولت مجاز است هر چه در بودجه پیش‌بینی شده و تا سقف آن واردات انجام دهد و اگر

تولیدات بالای صنعتی داشته باشند و از این طریق ثروت‌های بالایی به دست آورند. بنابراین فروش فرآورده‌های خام معمولاً نتوانسته در زندگی و رفاه کشورها تغییر و تحولی به وجود آورد مگر آنکه این ثروت به یک سرمایه تبدیل شده و این سرمایه در بخش‌های مهم کشاورزی، صنعتی، خدمات و... سرمایه‌گذاری شده و درواقع کشورها را ثروتمند می‌کند. کشورهای صنعتی را ببینید که درآمد سرانه ۳۰ هزار و ۴۰ هزار و ۵۰ هزار دلار دارند. این کشورها نفت هم وارد می‌کنند؛ ولی چون در بخش‌های تولیدات صنعتی، کشاورزی و خدمات‌شان صادرات قابل توجهی انجام می‌دهند کشورهای ثروتمندی هستند.

لذا این مهم امری مسجل است که با خام‌فروشی هیچ کشوری پله‌های ثروت را طی نکرده است و ما هم باید این سرمایه را به یک سرمایه ملی تبدیل کنیم و بعد در بخش‌های خدمات، صنعتی و کشاورزی و... سرمایه‌گذاری کرده و تولید ملی را ارتقا دهیم و از این سطحی که هست بالاتر بیاوریم.

درآمد بیشتر از آن است، نمی‌تواند اضافه درآمدها را واردات انجام دهد، مگر آنکه مجدد از مجلس مجوز بگیرد تا بتواند خارج از بودجه، واردات دیگری انجام دهد یا می‌تواند به صندوق ذخیره ارزی بدهد و از طریق آن به طرح‌ها و لوایح وام بدهد و بعداً این مبلغ با سودش به صندوق ذخیره ارزی برگردد. بنابراین دولت برای واردات چارچوبی به نام بودجه دارد که بر مبنای آن هم می‌تواند هزینه کند، هم واردات انجام دهد و هم سرمایه‌گذاری کند منتهی تا سقف مشخص شده بودجه و نباید از سقف آن فراتر برود.

♦ چطور درآمدهای ارزی کشور را افزایش دهیم بدون آنکه به فروش نفت وابسته باشیم؟

همانطور که پیشتر هم گفتیم، درآمدهای ارزی ما ناپایدار است. گاهی قیمت نفت بالا می‌رود، بعضی اوقات پایین می‌آید یا فروش کم یا زیاد می‌شود. به هر حال تجربه این ۴۰، ۵۰ سال اخیر نشان داده است، درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت درآمدهای واقعاً ناپایداری است و به همین دلیل ما باید تا جایی که امکان دارد وابستگی خودمان را به درآمدهای نفتی کم کرده و بودجه کشور را با درآمدهای پایدار تنظیم کنیم و سعی بر افزایش درآمدهای غیر نفتی داشته باشیم که پایدار و ماناست.

لذا سیاستی که در صندوق ذخیره ارزی وجود دارد و به طرح‌ها و لوایح بزرگی که به شدت نیازمند ارز هستند، دولت می‌تواند وام بدهد و بعد پول را با سودش بازپس بگیرد راهکار مناسبی است؛ چراکه این طرح‌ها و لوایح بزرگ که انجام شود، صادرات غیر نفتی و تولید داخلی را افزایش می‌دهد. زمانی که تولید و صادرات غیر نفتی ما افزایش پیدا کرد، اوضاع تغییر می‌کند. در واقع، مانند خیلی از کشورهایی که نفت ندارند؛ ولی اقتصاد سالمی دارند و ثروت‌های بالایی به دست می‌آورند، مردم‌شان رفاه بالایی دارند و کشورهای رفاهی هستند. متأسفانه کشورهایی که خام‌فروش هستند کشورهای ثروتمندی نیستند و کشورهای ثروتمند آنهایی هستند که می‌توانند

این امر یک مقداری نیازهای داخلی‌مان را جواب می‌دهد و بعد از رفع نیازهای داخلی اضافه‌اش را صادر می‌کنیم و از محل این صادرات ثروت کشور افزایش پیدا می‌کند؛ لذا بدون اینکه وابستگی به درآمدهای نفتی داشته باشیم کم کم می‌توانیم بودجه کشور را بدون در نظر گرفتن صادرات نفت تنظیم کنیم و اندکی با همین مسیر و فرمان جلو برویم.

حتی می‌توانیم سهم نفت در بودجه را به صفر برسانیم و درآمدهای نفتی را سرمایه‌گذاری کنیم و طرح‌ها و لوایچی را که اساسی هستند و می‌توانند صادرات ما را ارتقا دهند و ثروت بالایی برای‌مان به ارمغان بیاورند، انجام دهیم و بدون آنکه بودجه را به صادرات نفت وصل کنیم، می‌توانیم از محل صادرات غیر نفتی، از جمله صادرات مواد کشاورزی و صنعتی، بخش خدمات و بخش‌های دیگر رقمی را به مراتب بیشتر از صادرات نفت به دست بیاوریم که مانند بقیه کشورهای ثروتمند ما هم صاحب ثروت و سرمایه شویم. ولی اگر بخواهیم صادرات نفتی و واردات غیر ضرور انجام دهیم، یک روز تمام می‌شود؛ زیرا نفت چیزی نیست که همیشه باشد و کم کم چاه‌های نفت ته نشین شده و نفت‌مان تمام می‌شود. آن زمان چه کاری باید بکنیم؟ چون به کشوری فوق‌العاده فقیر تبدیل خواهیم شد. اگر از امروز به فکر آن روز نباشیم که نفت تمام می‌شود!

لذا باید از هم اکنون وابستگی‌های‌مان را به نفت کم و کمتر کنیم و به صفر برسانیم و کشور را با صادرات غیر نفتی اداره کنیم که اگر نفت تمام شد، دیگر نیازی به آن نداشته باشیم. به نظر می‌رسد، راهکار و راه حل اساسی‌تر همین است که سعی کنیم بودجه را از نفت جدا کنیم و اداره کشور را به سمت صادرات غیر نفتی ببریم و صادرات غیر نفتی هم لازم‌اش این است که در بخش‌هایی سرمایه‌گذاری شود و باز صادرات صورت بگیرد.

خلق منافع بلندمدت

به بانک مرکزی منتقل می‌شود، در شرایط معمولی برای سرمایه‌گذاری و خرید کالاهای اساسی، فناوری و کالاهای سرمایه‌ای به کار گرفته می‌شود و این امر قطعاً در درازمدت روی زندگی و معیشت مردم تأثیر گذار است. در این میان، اینکه برای هزینه‌کرد درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت باید ظرفت‌ها و حساسیت‌های خاصی را رعایت کرد، امری ثابت شده است؛ اما نفت یک سرمایه ملی است. مانند این می‌ماند که پدری سرمایه‌اش را در اختیار فرزندان‌ش می‌گذارد، خیلی تفاوت دارد که فرزندان چگونه از این سرمایه استفاده کنند؛ برای درآمدهای حاصل از فروش نفت این سرمایه

ملی هم همینطور است؛ یعنی خیلی تفاوت است میان اینکه این سرمایه را خرج خریدهایی کنیم که تمام شود و ضروری نبوده یا صرف ایجاد اشتغال و کار و تولیدی کنیم که در آینده بتوان از آن منفعی کسب کرد و برای کالاهای سرمایه‌ای نه مصرفی و وارداتی صرف شود.

با این حال واردات و صادرات دست دولت است و اوست که تصمیم می‌گیرد اگر پولی وارد کشور می‌شود، صرف چه کاری شود. قاعده کلی‌اش این است که صرف مصارفی شود که در درازمدت به نفع عامه باشد، نه در کوتاه‌مدت و برای مصارف غیر ضرور؛ برای نمونه واردات

موایل حتی با هدف تعدیل نرخ به نفع کشور و مردم نیست؛ اما سرمایه‌گذاری در منابع نفت و گاز در ایران ممکن است سبب شود در آینده بتوان نفت و گاز و برق بیشتری تولید کرد و درآمدهای حاصل از فروش آن را نیز بیشتر کرد.

برای افزایش درآمدهای ارزی کشور باید تولید بیشتر شود که برای این مهم و افزایش ظرفیت‌های تولید باید روی تولید سرمایه‌گذاری شود یا به شرکت‌های خارجی اجازه سرمایه‌گذاری داده شود تا تولید بیشتر شود؛ در غیر اینصورت افزایش تولید نخواهیم داشت و حتی در سال ۴ یا ۵ درصد هم از حد تولید ما کاسته خواهد شد و این

نرم بین‌المللی است که بین ۵ تا ۱۰ درصد از کلیه حوزه‌های نفتی به طور متوسط کاهش پیدا کنند. اما برای افزایش درآمدهای ارزی در حوزه‌ای به جز فروش نفت هم باید دید چقدر و کدام یک از تولیدات‌مان مورد نیاز دنیای خارج است و بعد روی همان‌ها سرمایه‌گذاری کرد. البته همه اینها هم به این مهم برمی‌گردد که تعامل ما با دنیا چگونه باشد؟ اگر تعامل و ارتباط خوبی با همسایگان و کشورهای دنیا داشته باشیم و محصول تولیدی ما هم مورد نیاز آنها باشد، امکان صادرات بیشتر هم خواهیم داشت و درآمدهای ارزی را در حوزه‌ای غیر از نفت افزایش خواهد داد.

طالب حقیقت

نگاهی به زندگی نادر طالب‌زاده به مناسبت درگذشت این مجاهد رسانه‌ای انقلاب

حرف اول

عهدی که با مرتضی بست

حامد حسین عسکری

خبرنگار فرهنگی

وقتی در غروب روز جهانی قدس، خبر عروج «حاج نادر طالب‌زاده» اعلام شد، مخاطبان این خبر چند گروه شدند؛ عده‌ای او را اصلاً نمی‌شناختند و حالا هم خیلی نمی‌شناسند و طبیعتاً موضوع این نوشتار نیستند، اما آنهایی که او را می‌شناختند هم متفاوت رفتار کردند؛ آنها که حاج نادر را قبول داشتند و علاقمندش بودند، داغدار شدند؛ عده‌ای که با عملکردشان خون به دلش کرده بودند، برایش مرثیه‌سرایي کردند و در وصف خدمات او داد سخن سر دادند و عده‌ای هم که پیش از ارتحال او، به صورت پیدا و پنهان علیه شخصیت، منش و مراسم شیطنت می‌کردند، حالا و با رفتنش هم دست‌بردار نیستند و هر روز به نوعی علیه او لیجن‌پراکنی می‌کنند؛ اما نادر طالب‌زاده که بود؟ برای توصیف حاج نادر طالب‌زاده و خدماتش نه قرار است کم بگذاریم، نه قرار است طوری اغراق کنیم که نتیجه معکوس بدهد؛ او را باید همانطور که بود، توصیف کرد. طالب‌زاده یکی از هزاران انسان خاصی بود که پیام امام را (رحل‌ره) و انقلاب اسلامی را خوب درک کرد و پشت پا زد به داشته‌های مادی و دنیوی‌اش که کمترین آنها، زندگی آسوده و آرام در آمریکا و در کنار خانواده‌اش بود. حاج نادر با آنکه تحصیلات عالی آکادمیک در حوزه سینما داشت و با ثروت خانوادگی‌اش می‌توانست در آمریکا زندگی و فعالیت هنری کند، به ایران آمد و به جبهه رفت، مستند ساخت، کار پژوهشی کرد، شاگرد تربیت کرد، نشست‌های «افق نو» و «هالیوودیسیم» را راه‌اندازی و اداره کرد و در تمام این کارها، هدفش این بود که از رهگذر هنر، پیام امام و انقلاب ملت ایران را به افکار عمومی جهان معرفی کند و آنچه را که امپراتوری هنری و رسانه‌ای غرب تلاش می‌کرد و تلاش می‌کند تا به خورد جهانیان بدهد، افشا کند. در فیلم سینمایی «بشارت منجی» همان هدفی را دنبال می‌کرد که در مستندهای جبهه و جنگش دنبال می‌کرد. در کلاس‌های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و در جریان تربیت شاگردانش هم همان دغدغه را داشت و در برنامه‌های تلویزیونی «راز» و «عصر» و در نشست‌های ضد صهیونیستی‌اش هم با همان دردمندی و دغدغه حرکت کرد؛ در یک کلام، او در تمام این میدان‌ها، به دنبال تبیین و تثبیت پیام جبهه حق در برابر هژمونی پر سر و صدای باطل بود و اتفاقاً به دلیل همین اصرار و مداومت هم کم به او حمله نشد. حاج نادر رفیق و شفیقه آوینی بود که اتفاقاً قدم در همان راهی گذاشت که او گذاشته بود؛ سیدمرتضی-نقل به مضمون-می‌گفت من از راه طی شده با شما حرف می‌زنم، سیبیل نیچه‌ای و ریش پروفسوری و مرام‌های فکری پر رنگ و لعاب را تجربه کرده‌ام و آخر کار، گم‌شده‌ام را در امام و انقلاب او پیدا کرده‌ام؛ به دلیل همین تجربه هم انگار به مقام یقین رسیده بود و تا آخرین نفس پای خط اصیل امام(ره) ایستاد و فحش خورد! نادر طالب‌زاده هم گویا عهد نانوشته‌ای با آوینی بسته بود که بعد از او، هنر انقلابی و برخاسته از پیام انقلاب اسلامی را با همه مختصات و مؤلفه‌هایش ترویج دهد. حالا میراث مرتضی و نادر پیش روی نسل جدیدی از شیفندگان هنر انقلابی است و شاگردان و علاقمندان او باید با درک دقیق ویژگی‌های این میراث، این راه را ادامه دهند.

فرزند زمان خویشان بود

فرهنگی خودش به عنوان یک هنرمند و صاحب‌نظر فرهنگی و رسانه‌ای هم بی‌تاثیر نبود؛ چرا که مقالات و دیدگاه‌های او مورد توجه شخصیت‌های رسانه‌های جهان بود.

پایان سخن اینکه «طالب‌زاده» را می‌توان بحق «آوینی» زمان نامید؛ چرا که این یار دیرین سید شهیدان اهل قلم در روزگار ارتباطات و رسانه و در عصر جنگ نرم که همه‌ها و بمباران‌هایش برای لحظه‌ای قطع نمی‌شود، با تمام توان برای بیان واقعیت‌های جبهه حق کوشید و اقدامات جهادی او در این عرصه کار را به جایی رساند که جبهه غرب را نگران جلب توجه آزاداندیشان و متفکران مستقل کرده بود؛ لذا به اشکال گوناگون از تحریم و تهدید و... در صدد مقابله با حرکت‌هایی بر می‌آمدند که با ایده و ابتکار این سردار جبهه فرهنگی انقلاب آغاز شده بود و قطعاً شاگردان و هم‌زمانش آنها را ادامه خواهند داد. روحش شاد.

ایران اسلامی، منطقه و جهان اسلام می‌دانست و گذر زمان و فعل و انفعالات سیاسی و فرهنگی او را درگیر مشغولیت‌ها و مسئولیت‌های نام و نشان‌دار نکرد و تا آخرین روزهای حیاتش در کنار کارهای ماندگار و بناهای مبارکی که گذاشت، همچون خبرنگاری در وسط معرکه حق و باطل ایفای نقش می‌کرد و این مسئولیت را به نحو احسن به انجام می‌رسانید.

جهدگر عرصه تبیین: نادر طالب‌زاده که مستندهایش درباره موضوعات مربوط به تحولات جهان بویژه جهان اسلام زبانش را است، پس از پایان دوران دفاع مقدس در عرصه گفت‌وگو و تعامل با اندیشمندان و صاحب‌نظران جهان به ویژه جهان غرب و بیان واقعیت‌های انقلاب اسلامی از زبان آنان و تبیین آن برای افکار عمومی نقش ویژه‌ای ایفا کرد. او این مأموریت را به‌طور علمی و تخصصی و با شناخت و ارتباطی که با افراد مؤثر و متنفذی که در جای جای جهان هستند، انجام می‌داد. در این میان، شخصیت

اجمالی طالب‌زاده شاخصه‌های رفتاری خاصی داشت که برخی از آنها از این قرار است.

۱ رزمنده خستگی‌ناپذیر: نادر طالب‌زاده از زمان تأسیس تهران تایمز در ایران که ۲۶ سال بیشتر نداشت-در اولین روزهای پیروزی انقلاب- تا تأسیس شبکه افق در سال‌های اخیر همواره دغدغه انتقال پیام داشت و تا ۶۹ سالگی و آخرین روزهای زندگی‌اش، به منزله یک رزمنده خستگی‌ناپذیر و پر تلاش سنگر دفاع از حقیقت را پاس داشت و با وجود مرارت‌ها و مشکلاتی که به واسطه محدودیت‌های موجود و فشارهای دشمنان علیه برنامه‌های او اعمال می‌شد و حتی در اخیرا مشکلات جسمی و... ذره‌ای از باورها و عقاید خود کوتاه نیامد.

۲ سربازی در وسط میدان: طالب‌زاده در طول بیش از چهار دهه‌ای که هم‌راه و هم‌گام انقلاب بود، همواره خود را چون سربازی در میدان دفاع از جبهه انقلاب و جبهه مقاومت در جغرافیای

و جذابیت‌های کاذب غرب و غریب‌زدگی پشت پا بزنند. آوینی به جای برج عاج روشنفکری، جهاد در راه انقلاب و پرسه زدن در دوکوهه و فکه و در نهایت شهادت در این راه را برگزید و طالب‌زاده هم که در خانواده‌ای مرفه متولد شده بود و با اینکه در آمریکازدنگی می‌کرد و آنجا فیلم‌سازی می‌خواند و می‌توانست در هالیوود شاغل شود و زندگی مرفهی بسازد؛ اما عشق را در ایران انقلابی و موفقیت را در جهاد برای انقلاب و ثبت حماسه‌های پر خون فرزندان این سرزمین یافت. مجموعه مستند «ساعت ۲۵» یکی از نشانه‌های شناخت عمیق طالب‌زاده از آمریکا بود. مستندی که برای اولین بار فروپاشی آمریکا در آینده نه چندان دور را پیش‌بینی کرده بود.

طالب‌زاده هم مانند آوینی از حوزه نظر و نظریه‌پردازی عبور کردند و به‌طور عملی و در میدان جهاد و مبارزه در پی به خدمت گرفتن سینما و رسانه برای آرمان‌های انقلاب اسلامی بودند. هر دو از فیلم مستند شروع کردند و به همت ایشان، اسناد تصویری ارزشمندی از حوزه‌های گوناگون جهاد و مقاومت ثبت شد؛ راهی که با مجموعه مستند «خنجر و شقایق» به فرامرزها گسترده شد.

این مجموعه مستند که به جنگ بوسنی می‌پردازد، حاصل همکاری مشترک آوینی و طالب‌زاده بود. راهی که این دو در تلویزیون و به ویژه در مجموعه روایت فتح باز کردند، موجب شد تا خیل گسترده‌ای از جوانان با سلاح دوربین در آن گام بگذارند. بسیاری از فعالان مستند بحران، تحت تأثیر این دو و به ویژه با حمایت یا تحت آموزش نادر طالب‌زاده امروز به

چهره‌های قابل انکاب در حوزه مستند بحران تبدیل شده‌اند. جریان تربیت فیلم‌ساز و مستندساز از سوی طالب‌زاده نیز به داخل کشور محدود نماند و وی در میان نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی در لبنان نیز شاگردانی دارد. همچنان که پس از رحلتش، گروهی با عنوان «هنرجویان طالب‌زاده در لبنان» در سوگ وی پیامی را صادر کردند.

سیدمرتضی آوینی در سال ۱۳۷۲ به شهادت رسید، اما همکاریش طالب‌زاده به سایر عرصه‌ها هم ورود کرد؛ از جمله تولید فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی. مجموعه تلویزیونی «بشارت منجی» که یک نسخه سینمایی هم با عنوان «مسیح» از آن برگرفته شد، تجربه طالب‌زاده در حوزه درام بود. سریال «بشارت منجی» روایتی جدید از زندگی حضرت مسیح بود که با نگاهی جهادی در جهت تقرب ادیان اسلام و مسیحیت تولید شد.

برنامه‌سازی برای تلویزیون هم از دیگر تجربیات ویژه طالب‌زاده در فرآوری برنامه‌ای گفت‌وگو محور با موضوعات انقلابی است. یکی از مهم‌ترین این برنامه‌ها «راز» بود که شب‌های ماه رمضان اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ با اجرای طالب‌زاده روی آنتن می‌رفت. برنامه‌ای هم بسا حضور چهره‌های نخیه و اندیشمند به جریان‌های فرهنگی، سیاسی، علمی و اجتماعی مرتبط با جنگ نرم اختصاص داشت. این برنامه به دلیل حضور چهره‌های با دانش و همچنین طرح موضوعات کمتر پرداخته شده در رسانه‌ها، خیلی زود جایگاه ویژه‌ای یافت و با اینکه یک برنامه گفت‌وگو محور سیاسی به شمار می‌آمد؛ اما مخاطب قابل توجهی را جذب کرد. طالب‌زاده

پنجره



مرد بی‌وقفه/ آلمان، در راه سفر به بوسنی و مریستان، سال ۱۳۷۱ در کنار حسن رحیم‌پور ازغدی. شهید طالب‌زاده در دوران فعالیت‌های خود، لفظ‌های را به استراحت و دوری از بصیرت‌افزایی نگذارد.



بی‌تعلق به دنیا/ در دفاع مقدس حضور داشت، به لبنان رفت، در جنگ بوسنی آماده شهادت بود با وجود آنکه خانواده معمولی داشت اما قید مال دنیا را زده بود و در نهایت هنگامی از دنیا رفت که مستاجر بود. او بی‌تعلق به دنیا و متعلق به عقیده‌اش بود.



مسافری از آمریکا/ نقل است که از سیدمرتضی آوینی پرسیدند این مستند «والعصر» از خط مقدم را کی ساخته است؟ گفت: یک پسر است که از آمریکا آمده به اسم نادر طالب‌زاده و از آن زمان این اسم دیگر به یاد ماند.



ژنرال جنگ نرم/ نادر طالب‌زاده با وطن‌پرست‌های آمریکایی و اروپایی برای افق نو ارتباط گرفت و از کانال آنها علیه رژیم صهیونیستی در خود غرب استفاده کرد. این هنر حاج نادر بود، اما حیف که افق نو از وقتی که در دولت قبل حذف شد تا دولت فعلی هنوز تعطیل شده است.



در کنار شهیدان اهل قلم/ نادر طالب‌زاده که همکاری با شهید مرتضی آوینی را جز افتخارات خود می‌داند، مستند «والعصر» درباره عملیات خیبر را ساخته است. این مستند در سال ۱۳۶۳ ساخته شده و یکی از متفاوت‌ترین و شاخص‌ترین مستندهای تاریخ ایران به‌شمار می‌رود.



آقای نادر/ سرباز عرصه فرهنگ انقلاب و جمهوری بود و تمام سختی‌ها و رنج‌ها را در این عرصه به جان خرید. چنان‌بار دفاع مقدس بود و درگذشت شهادت گونه‌اش در روز قدس یادآور دفاع هوشمندانه او از مسئله فلسطین به مثابه مسئله اصلی مسلمانان دنیا بود.

سعید کاظمی، مدیرتولید سریال «بشارت منجی» در گفت‌وگو با صبح صادق مطرح کرد

مرد میدان هنر و رسانه



نسیم اسدپور
دبیر گروه فرهنگ

شما یکی از دوستان صمیمی ایشان هستید و بیشتر می‌توانید به جز بُد همکاری درباره دیگر ابعاد شخصیتی ایشان نیز کمی برای مان صحبت کنید.

حاج نادر شخصیت چند بعدی دارد. شاید خیلی‌ها یک مجری‌گری ایشان را می‌شناسند یا به عنوان یک مستندساز و شخصیتی رسانه‌ای؛ اما این تنها یک بُعد از شخصیت ایشان است. در ۲۰ و چند سالی که کنار ایشان بودم، ابعاد شخصیتی حاج نادر را می‌شناسم. ایشان از یک سسو فردی بسیار جدی و قاطع بودند که هر کسی نگاه می‌کرد متوجه می‌شد این آدم فرد جدی و با ابهتی است، اما در عین حال که با ابهت بودند، بسیار هم مهربان و رنوف بودند. بارها در پروژه‌هایی که با ایشان همکار بودم و در عین حال با افتخار می‌گویم که شاگردی ایشان را هم می‌کردم، می‌دیدم آدم‌های متفاوت برای حل مشکل یا کمکی به ایشان رجوع می‌کنند و ایشان تا جایی که می‌توانست مشکلات آنها را حل می‌کرد. این نشان می‌داد این آدم نگاهی فراتر از نگاه یک آدم معمولی دارد که بخواهد در کمک کردن افراد را انتخاب کند. برای نمونه، بگوید به فلانی کمک می‌کنم؛ چون آدم خوبی است یا فلانی را فلان کس معرفی و سفارش کرده است. نه اصلاً این طور نبود و اگر کاری از دستش بر می‌آمد، حتماً انجام می‌داد. دومین بعد شخصیتی ایشان این بود که پای نیروهای خود می‌ایستاد؛ یعنی پای آدمی که به او اعتقاد داشت، سفت و سخت می‌ایستاد و همیشه پای عقیده خود بود؛ یعنی آدم‌ها را چپ و راستی نمی‌کرد. همه را به یک چشم نگاه می‌کرد. بسیار به همه با دید مثبت نگاه می‌کرد. خیلی آدم‌ها در این سال‌ها به حاج نادر بی‌مهری کردند؛ ولی با آن آدم‌ها هم با مهربانی و عطوفت رفتار می‌کرد. هیچ وقت ندیدم از دست کسی ناراحت و دلگیر شود و به کسی توهین و تندی کند.

اما بُعد متمایز دیگر شخصیتی ایشان بعد اخلاقی و عرفانی حاج نادر است. این وجه شخصیتی او از ایمان راسخش به خداوند و ائمه(ع) و شهدا نشئت می‌گرفت. گاهی آن قدر نمازهای قضا می‌خواند که می‌گفتم حاجی مگر شما قلدیس هستی که این قدر نماز می‌خوانی. اهل نمازشب بود و سعی می‌کرد در کارهایش اخلاص داشته باشد و شک نکند که همین اخلاص باعث شد تا خودش و کارهایش و یادش ماندگار شود.

مورد دیگری که همیشه برای من جذاب و دوست‌داشتنی بود، این بود که خیلی با مدرک و سند صحبت می‌کرد. حرفی را بی‌دلیل بیان نمی‌کرد. همواره همین گونه بود.

حاج نادر همیشه به روز بود. دائماً جست‌وجو می‌کرد. اهل مطالعه بود. گاهی پیش می‌آمد که ساعتی را در منزل ایشان بودیم، یک گوشه خلوت می‌کرد و کلی مطلب از اینترنت جست‌وجو می‌کرد و مقالات را می‌خواند و خبرهای درجه یک از شبکه‌های گوناگون دنیا را رصد می‌کرد و از بین آنها یادداشت‌برداری می‌کرد. اطلاعاتی که می‌خواست به مردم و مخاطب بدهد، سعی می‌کرد به روز باشد. بسیاری از آدم‌ها را در این سال‌ها دیدیم که خیلی طوطی‌وار حرف‌های خود را بیان می‌کنند و می‌روند؛ ولی اطلاعات آنها آنقدر اطلاعات غنی نیست. حسن دیگری که آقای طالب‌زاده به نظرم داشت، این بود که حرف‌های او برای طیف مختلفی از جامعه بود؛ یعنی فقط بحث نخبران نبود که بخواهد برای آنها حرف بزند، یعنی برای فرد بی‌سواد و عامی در فلان شهرستان که پای صحبت‌هایی او می‌نشست، مطالبی ارائه می‌کرد که از آن حرف‌ها کلی مطلب می‌گرفت.

در حوزه مستندسازی چه دغدغه‌هایی را پیگیری می‌کردند؟

پیش از هر چیز تربیت نیرو و کادرسازی را دنبال می‌کردند. نادر طالب‌زاده، به نظر من، بزرگ‌ترین خدمتی که به مستندسازی کشور و بحث رسانه کشور کرد، این بود که کادرسازی کرد. اولین آدم پیشرویی بود که در این حوزه فارغ از مسائل دانشگاهی کار می‌کرد. خیلی از فیلمسازان دانشگاه رفتند و درس خواندند و این خیلی هم عالی است؛ ولی ایشان اعتقاد راسخی

سعد کاظمی، مدیرتولید سریال «بشارت منجی» در گفت‌وگو با صبح صادق مطرح کرد



داشت که بهتر از آن چیزی که چندین سال نیاز است به دانشگاه رفت و آن جا یاد گرفت، می‌توان در کف میدان آموخت، در عمل و کارگاه‌ها، یعنی خیلی اعتقاد به کار کارگاهی داشتند. بنابراین کلاس‌های‌شان هم بیش از تئوری کارگاهی بود.

آدم‌هایی که حاج نادر تربیت کردند، مستندسازهای بی‌نظیری شدند. حتی برخی شاید آنچنان اسم‌شان در بوق و کرنا نباشد؛ اما کارهایی خالصانه و ارزشی ساخته‌اند. ایشان طیف‌های گوناگون از بچه‌ها را آموزش می‌داد و همین آموزش‌ها سبب شد جریان‌های رسانه‌ای قوی در کشور راه بیفتند. از بچه‌های سفیر تا ثریا، تا بچه‌هایی که در عمار برای اولین بار به عرصه رسانه پا گذاشتند. بسیاری از کسانی که شاید در هیچ یک از این گروه‌ها نباشند و شخصی و با دغدغه مشغول فعالیت هستند، البته تربیت دانشجویهای ایشان منحصر به داخل کشور نبود؛ بلکه در بحث‌های بین‌المللی و جبهه مقاومت هم به بچه‌های افغانستان، بچه‌های لبنان و... آموزش‌های متعددی در فیلمسازی داد و همه اینها در کشورهای خود جزء بهترین فیلمسازان هستند که بهترین آثار را در حوزه‌های ارزشی به ویژه حوزه مقاومت از خود به جا گذاشتند. تأسیس شبکه «المنار» و «پرس تی‌وی» از ایده‌ها و دغدغه‌های اصلی حاج نادر درباره جهان اسلام بود که البته در حد ایده باقی نمی‌گذاشت و برای تحقق آن تلاش بسیاری کرد.

پس معتقد هستید در مستندسازی یک انقلاب ایجاد کرد؟

در واقع همین‌طور بود. نگاه انقلابی، نگاه فرامتنی به مستندسازی داشت. حرف اصلی او این بود که در مقابل همهجه رسانه‌ای غرب که تمام شبکه‌های تلویزیونی و تمام رسانه‌های دنیا در اختیار آنهاست، باید رسانه‌ای قوی را بسازیم که از دل آن بچه‌هایی تربیت شوند تا بتوانند در مقابل همهجه مقاومت کنند. نگاه جنسیتی هم به این موضوع نداشتند و اعتقاد داشتند که در بین خانم‌ها نیز باید نسل دختران انقلابی را تربیت کنیم تا بتوانند در عرصه‌های گوناگون فیلمساز باشند. خیلی دوست داشت بچه‌های انقلابی و بچه‌های با استعداد را از میان این جامعه انتخاب کند. به نظرم، ایشان در کار هنر خیلی ید طولایی داشت و بسیار ظریف بود. بسیار به موسیقی، قاب‌بندی و زیبایی‌شناسی و فرم و دیگر ابعاد تکنیکی و هنری کار اهمیت می‌داد. در کارهای سینمایی خیلی از کارگردانان مختلف را در کشور می‌شناسیم که کارهای زیاد و خوبی کردند؛ ولی آقای طالب‌زاده در کار سینمایی به نظرم بی‌نظیری بود. در سریال مسیح تحقیقات عظیم، قوی و کار تقریباً بین‌المللی داشت. پایه تمام کارهای او پژوهش بود. برای سریال حضرت مسیح چند سال تحقیقات کرد و اینطور نبود که یک شب بنشینند و فیلم‌نامه بنویسد. خیلی روی متن تأکید داشت، روی پلان به پلان سکانس‌ها برای خود پژوهش می‌کرد و تأثیرگذار بود. حاج نادر تلاشش این بود که کارهایش بعد بین‌المللی داشته باشد.

این را به جرئت می‌گویم، حاج نادر آدمی بود که ۲۰-۱۰ سال از زمان خود جلوتر بود. نگاه او خیلی

فراتر از نگاهایی بود که حتی در عرصه هنر شاهد هستیم. بسیاری از مدیران و کسانی که در کنار ایشان بودند، متوجه حرف‌های او نمی‌شدند و ده سال بعد به عمق حرف‌های او پی می‌بردند.

کمتر فیلمسازی را می‌توانید پیدا کنید که این میزان دغدغه‌مند باشد. یک روز دست روی معماری می‌گذاشت، یک روز روی بهره بانکی و ربا دست می‌گذاشت، یک روز دست روی مباحث علمی می‌گذاشت.

هر جایی که ایشان ورود پیدا می‌کرد، حوزه‌هایی بود که برای او اهمیت داشت و در واقع می‌توان گفت، موتور محرک در حوزه‌های مهم بود؛ ولی خیلی‌ها متوجه نمی‌شدند. بعدها به این می‌رسیدند؛ یعنی چند سال بعد می‌فهمیدند چقدر این بحث نیاز بوده است. همان‌طور که الان شاهد هستیم که در شبکه بانکی بحث ربا به‌قدر دغدغه ایجاد کرده است و این موضوعی بود که سال‌ها پیش قبل از اینکه کسی مطرح کند، حاج نادر چند برنامه درباره آن ساخت و اصرار می‌کرد فیلمسازان در این حوزه فیلم بسازند. جوانان زیادی را تربیت کرد و آنها کارهای خوبی در حوزه‌های مختلف کردند. این نشان می‌دهد یک آدم چقدر به روز است و راهبرد دارد و چقدر انسان آینده‌نگری است. ما سال‌ها باید بگذرانیم تا بفهمیم نادر طالب‌زاده چه کسی بود و مثل او کم پیدا می‌شود. شاید هر صد سال یک نفر مانند او پیدا شود.

این را به دلیل نوع دغدغه‌های او می‌گویید یا به علت سواد و معلومات و تخصصش؟

به دلیل تمامی ابعاد او. آدمی که ابعاد گوناگونی دارد و این ابعاد به قدری کامل است که حد و حساب ندارد. در عین اینکه می‌توانست در سطوح بالای مدیریتی کشور حضور یابد؛ ولی هیچ‌گاه دنبال این مباحث نمی‌رفت. چون دغدغه او اصلاً مدیریت نبود. دغدغه او این بود که بتواند یک کار تأثیرگذار انجام دهد؛ یعنی خود را پایبند به دفتر و دستک نمی‌کرد. آدم جهادی بود که در میدان بود و نه درگیر پست و مقام و آن چیزی که برایش بسیار اهمیت داشت، ترویج و تبیین گفتمان انقلاب اسلامی در بُعد بین‌المللی بود.

این بی‌مهری‌هایی که اشاره کردید، بیشتر از طرف همین کسانی بود که پشت میز می‌نشستند؟

دقیقاً همین است. جالب این است که بسیاری از این افراد پشت میز نشین کسانی بودند که روزی یا شاگرد آقای طالب‌زاده بودند یا به نوعی خود حاج نادر باعث پیشرفت‌شان شده بود؛ اما متأسفانه همین خوی پشت میز نشینی باعث می‌شد تا حتی به همین آدم نیز بی‌مهری کنند.

همیشه حرف او این بود که ما را درگیر کارهای بروکراسی نکنید و اجازه دهید ما کار خود را بکنیم؛ یعنی در واقع می‌گفت شما خط تدارکات هستید و ما خط حمله هستیم، شما باید ما را ساپورت کنید تا بتوانیم حمله کنیم.

سعید کاظمی، مدیرتولید سریال «بشارت منجی» در گفت‌وگو با صبح صادق مطرح کرد

شب ۲۸ ماه رمضان و در حالی که همه بر سر سفره‌های افطار نشسته بودند، خبری همه به ویژه اهالی هنر و رسانه را در بهت فرو برد؛ عروج مردی از تبار شهید آوینی که حالا به رفقای شهیدش پیوسته بود. حاج نادر طالب‌زاده که عمری در راستای اهداف همین شهیدان در کوی و برزن رسانه و مستند و هنر قدم زده بود، به دیار باقی شتافت و همه دوستان‌انش و حقیقت‌جویان را داغدار کرد. قطعاً افراد بسیاری در همه این سال‌ها در کنار او بوده و از حضورش بهره بردند. بنابراین، حرف‌های گفتنی درباره این یار دیرین شهید آوینی کم نیست و کم نخواهد بود؛ اما ما نیز تلاش کردیم تا به سهم خود بخش بسیار کوچکی از زندگی این استاد گرانقدر و مرد میدان مبارزه با تهاجم فرهنگی را بررسی کنیم. در همین راستا، به سراغ دوست ایشان رفتم که سال‌های بسیاری هم شاگردی او را کرده و هم با او در پروژه‌های گوناگون همکاری داشته و از نزدیک با زندگی شخصی آقای طالب‌زاده نیز آشنا بوده است. سعید کاظمی که مدیرتولید و برنامه‌ریز «بشارت منجی»، سریال ۲۳ قسمتی ساخته حاج نادر را بر عهده داشته و در همین فیلم نیز نقش ایفا کرده و امروز نیز یکی از مستندسازان کشور است که خودش را مدیون حاج نادر و مرام و مسلک او می‌داند. سعید کاظمی در این گفت‌وگو به برخی رو حیات حاج نادر طالب‌زاده اشاره کرده که در ادامه می‌خوانیم.

به نظر شما چطور می‌شود که نادر طالب‌زاده زندگی در غرب را رها می‌کند و بر می‌گردد و به دل خطر می‌زند؟

الآن خیلی‌ها می‌خواهند از ایران بروند و سبک زندگی آن جا را دوست دارند؛ اما حاج نادر به جای اینکه آن طرف برود، از آنجا برگشت. در بحبوحه انقلاب برگشت و زمان جنگ در جبهه حضور داشت. نسبت به رزمنده‌ها عرق زیادی داشت که در فیلم‌ها و سبک زندگی ایشان این مورد کاملاً مشخص است.

همه چیز را داشت و گذاشت و به ایران برگشت. همراه انقلاب شد و وارد جنگ شد و تا روز آخر جنگ همراه بود، جانباز جنگ شد و کارهای اثرگذاری از جنگ ساخت و حتی به صورت یک نیروی عادی رفت و حتی راننده بولدوزر شد. هیچ وقت جنگ را فراموش نکرد و هیچ‌گاه خصلت بسیجی بودن و سادگی جنگ را از یاد نبرد. در عین اینکه آدم مبادی آداب بود؛ ولی همیشه فروتنی بچه‌های جنگ را از خود دور نکرد. حاج نادر زندگی خیلی‌ها را عوض کرد. نگاه‌ها را عوض می‌کرد.

از هنر مندانی که اثر اثنی خلق می‌کردند که شاید عده‌ای ناراحت می‌شدند یا گلایه می‌کردند، ایشان بسا آغوش باز می‌گفت به سمت انقلاب برگردند و برای انقلاب کار کنند. در واقع تلاش می‌کرد تا بیشتر جذب کند تا دفع. در طیف‌های هنرمندان می‌توانید سؤال کنید که اکثریت چه سلب‌ریتی‌ها و چه آدم‌هایی که فیلم‌ها و کارهای آنها ربطی به انقلاب اسلامی ندارد، وقتی با نادر طالب‌زاده برخورد می‌کردند، احترام خاصی برای او قائل بودند؛ چون این آدم محترم بود، آدمی بود که خدا او را عزیز کرده بود، عزتی که خدا به آقای طالب‌زاده داده بود، من کمتر در آدمی دیدم. بارها در جاهای مختلف دیدم که خیلی مواقع مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت و دقیقاً از همان زمان چنان درها برای این آدم باز می‌شد که این آدم را از مرتبه‌ای که بود بالاتر می‌برد و عزتی به خدا می‌داد که همه تعجب می‌کردند. برای پایین آوردن او تلاش کردند؛ اما باز او بالاتر و بالاتر می‌رفت و این عزت را از خدا داشت. مانند آنچه الآن و پس از مرگش شاهدیم که تکرار شده با حرف‌هایی که نمی‌تواند هیچ چیز در مورد آقای طالب‌زاده را زیر سؤال ببرد، تلاش می‌کنند حاج نادر را خراب کنند، اما قطعاً مانند همیشه عزت او ابدی است. در دل خود چیزهایی دارم که اصلاً بغض اجازه صحبت نمی‌دهد. نادر طالب‌زاده آدم خاصی بود و یک الگوی تمام‌عیار در حوزه رسانه، جبهه فرهنگی و انقلاب اسلامی بود که کمتر کسی می‌تواند از این آدم به بدی یاد کند. بنابراین به جرئت معتقدم ایشان سردار جبهه فرهنگی بود.

در بحث‌های سیاست‌گذاری کلان محور فرهنگی همواره صاحب‌نظر بود. در همین راستا نیز کارهای عملی می‌کرد. مانند آقای نو و هالیوودیسم. عمار را نیز در همین راستا راه‌اندازی و پایه‌گذاری کرد به عنوان مجموعه‌ای که نخبه‌های جوان انقلاب وارد این مجموعه شوند و آموزش ببینند و فیلم‌هایی را بسازند که متحول کند. در هر صورت ایشان نسلی را تربیت کرده که خود آنها الآن حرفی برای گفتن دارند.

در نهایت می‌توانم بگویم که حاج نادر طالب‌زاده آدمی نبود که کپی باشد. او اصل است. بدل ندارد. حاج نادر از روی چیزی نسخه‌برداری نشده است. راه خود را رفته است. مسیر انقلاب اسلامی را انتخاب کرده و همان مسیر را رفته است. در این مسیر هم به جز دشمن که تکلیفش مشخص است، از دوست هم بی‌مهری‌های زیادی دیده است ولی هیچ وقت از راه خود برگشت یعنی اگر هر یک از ما بی‌مهری‌ها و اذیت‌هایی که نادر طالب‌زاده در تمام این سال‌ها شد را یک صدم می‌دیدیم، از انقلاب برمی‌گشیم و کاری به انقلاب نداشتیم؛ ولی او همه اینها را به دل و جان خرید و هیچ‌گاه گلایه نکرد. همیشه مسیر جلوی خود را نگاه کرد و به دست اندازهای سر راه خود توجه نمی‌کرد. البته حرف‌های گفتنی در مورد حاج نادر بسیار است، حرف‌های مهمی که قطعاً باید زمان داد تا بعدها به طور مفصل بیان شود.

برداشت

صمیمانه برای استاد

میان جمعیتی گم شده بودم. سعی کردم از میان جمعیت راه را پیدا کنم، تو را دیدم ایستاده بودی دم در. دستم را گرفتی و مرا به بیرون هدایت کردی. دلم می‌خواست همچنان بقیه مسیر را با تو بروم. اما به ناگاه جمعیتی آمدند و تو را بر روی دست‌های‌شان گرفتند و با خود بردند. از خواب که پریدم، می‌دانستم که حکمت خوام چيست. تو چند روزی است مهمان رفیق شهیدت هستی. همان رفیق شهیدی که از او فقط شنیده بودیم. از مردی که هنر برایش مایه تعالی بود. با هنر به هنر مردان خدا رسیده بود و همین بود که نامش را سید شهیدان اهل قلم نامیده بودند.

برای ماده‌ه شصتی‌ها از او جز چند عکس و صدای دلنشینی که در فیلم‌هایش طنین‌انداز می‌شد و کتاب‌هایی که جملاتش دل‌مان را می‌برد، چیزی نمانده بود. همین‌ها هم کافی بود تا ما را عاشق راهش کند. جوانی که با روایت فتحتش بیشترین صحنه‌های دفاع مقدس را برای‌مان به یادگار گذاشت و ما ندیده عاشق راه این سید شدیم و برای اینکه وارد این راه شویم بر سر مزارش می‌رفتم و با او هم قسم می‌شدیم که تمام تلاش‌مان را بکنیم تا یک آوینی دیگر باشیم. اما قطعاً این راه بدون استاد و همراه و یار و یاور جاده‌ای بود که سرانجامی نداشت، سراب می‌شد و خشکی. همان جا بود که کسی مثل من از سید اهل قلم خواست تا یکی چون خودش نصیبم گرداند تا بسا او و راهمایی‌هایش این جاده پر فراز و نشیب را طی کنم. چیزی نگذشت که چون خودش نصیبم کرد.

چون او، با همان نگاه مهربان و با همان نگاه پر صلابت و او تو بودی. تو همان اجابت دعایی بودی که بر سر مزار رفیق شهیدت کرده بودم. حالا تو استاد من شده بودی و من که آرزوی شاگردی رفیق شهیدت را داشتم در کلاس درس تو ورور به روی چهره مهربانت نشسته بودم. نه من، بلکه بسیاری از همان بچه‌های دهه شصتی سر کلاست نشسته بودیم و من خوب می‌دانستم تو همان آرزوی برآورده‌شده‌ای هستی که شهید آوینی در دامن‌مان گذاشته بود. سر کلاست با مهربانی و انعطاف با شاگردانت برخورد می‌کردی. اما به موقع هم سخت‌گیری‌هایت یقه تنبلی‌های‌مان را می‌گرفت. همان موقع که گفتی اگر فیلم نساخید دیگر سر کلاس من نیایید و ما هر کدام با هر چه دم دست‌مان بود رفتم و ساختیم و خوب می‌دانستیم که این جسارت و شجاعت را تو به ما داده بودی.

همان جا، همان کلاس با همان تشر پدرانه‌ات راه‌مان را مشخص کردی. حالا بسیاری از ما اولین فیلم‌مان را ساخته بودیم و چقدر لذت‌بخش بود آن زمانی که فیلم‌مان را می‌دیدی و جملاتی بیسان می‌کردی که امیدمان را برای ادامه مسیر بیشتر و بیشتر می‌کرد. پس از یک سال و نیم کلاس، دیگر تو را کمتر می‌دیدم. اما هر بار که شاگردت را در همایشی، در بزرگداشتی یا در نشستی می‌دیدی بسا مهربانی و ابهت همیشگی می‌رسیدی فیلم ساختی؟ و اگر ساخته بودم تمجید و نساخته بودم تشویق می‌کردی که باز باید ساخت. وقتی مریض می‌شدی، قلب‌مان از اینکه می‌دید چه قدر چهره دوست‌داشتنی‌ات نحیف شده، می‌گرفت. هنوز هم عکس‌های بیمارستانت یا دوران بیماری‌ات قلب‌مان را به درد می‌آورد. ما شاگردانت هنوز هم دوست داریم لبخند قشنگت را ببینیم؛ اما چه چیزی از آن دردناک‌تر که دور روز قبل از بزرگداشت روز معلم از میان‌مان رفتی و دل‌مان در رفتت سوخت.

این بار اگر شاگردانت، همان دهه شصتی‌ها دل‌شان بخواهد تو را ببینند، باید به همان قطعه ۲۹ بیایند. همان جایی که پیش از پیدا کردن تو، رفیق شهیدت را نیز آن جا می‌دیدند و حالا برای دیدن هر دوی‌تان نیاز به طی مسیر نبود. هر دو نزدیک هم آر می‌دهاید و هر یک نشانی از دیگری بر سنگ مزار خود دارید. باز هم دست‌مان را رها نکن. معلم عزیزم حاج نادر طالب‌زاده؛ روح شاد و راحت سبز.

به قلم، الف

مرحله دوم
اولین انتخابات مجلس

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر

با توجه به فضای نگران‌کننده‌ای که گروهک‌ها و دشمنان خارجی به ویژه آمریکا و انگلیس ایجاد کرده بودند، مرحله دوم انتخابات مجلس تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ تعیین شده بود؛ از این رو بار دیگر بازار رقابت‌های انتخاباتی گرم شد. در این ایام امام خمینی(ره) در پیام‌ها و بیانات خود بر رعایت مقررات و اجرای قانون اصرار می‌ورزیدند و متذکر می‌شدند که «باید به اشخاصی که احتمال انحراف در آنان می‌رود، رأی ندهند.» امام(ره) همواره از مردم می‌خواستند که تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌های بیگانه قرار نگیرند و طبق موازین اسلامی نمایندگان خود را انتخاب کنند و می‌فرمودند: «کسانی را انتخاب کنید که صد درصد مسلمان و معتقد به احکام اسلام و متعهد به اجرای احکام اسلام و مخالف با مکتب‌های انحرافی و معتقد به جمهوری اسلامی باشند.» با وجود تذکرات حضرت امام(ره) باز هم اختلافات تکرار می‌شد؛ برای نمونه، مهندس مهدی بازرگان که در مرحله اول از حوزه انتخابیه تهران به مجلس راه یافته بود، طی اعلامیه‌ای، حمایت خود را از گروه مجاهدین خلق اعلام کرد. پس از این موضع‌گیری مخالفت‌ها با وی شدت گرفت که قسمت عمده این مخالفت‌ها از سوی جریان اسلامی بود. مهندس بازرگان در پیام خود تلویحاً می‌پذیرد که این گروه عقاید و نظرات التقاطی دارد و می‌آورد: «این آقایان دارای افکار التقاطی باشند یا نباشند، به عهده خودشان است و هم به عهده کسانی است که نوشتجات آنان را مطالعه کرده‌اند و به نکات التقاطی برخورد نموده‌اند لازم است بیایند و برای مردم روشن کنند. متأسفانه از دیر زمانی این رسم پیدا شده است که اشخاص یا گروه‌ها و حتی بعضی از آقایان اصول و نظراتی از مارکسیسم را پیروی و اجرا نموده، آنها را به لباس اسلام درمی‌آورند.»

با وجود این کشمکش‌ها مرحله دوم انتخابات در وقت مقرر برگزار شد و ۱۳۷ نماینده دیگر موفق شدند به اولین دوره مجلس راه یابند که بیشتر منتخبان از طُرف جریسان و گروه‌های سیاسی وفادار به انقلاب و خط امام بودند. به عبارتی ترکیب سیاسی نمایندگان به حزب جمهوری اسلامی تعلق داشت. با اعلام نتایج، مخالفت‌ها بالا گرفت و گروه‌های دیگر آنها را به اعمال نظر و تقلب در انتخابات متهم کردند؛ برای نمونه، ۱۳ نفر در تهران انتخاب شدند از حزب ملت، جاما و جنبش مسلمانان مبارز نیز به جز کاظم سامی کسی دیگر به مجلس راه نیافت یا مسعود رجوی با وجود حمایت مهندس بازرگان از ورود به مجلس باز ماند. سازمان منافقین خلق به انتخابات اعتراض کرد و حتی مدعی شد در حوزه مسجدسلیمان که تنها حوزه موفق این گروه بود، یکی از هواداران این گروه انتخاب شد؛ اما کمیسیون انتخاباتی او را نپذیرفت و تأیید نکرد. داریوش فروهر، رهبر حزب ملت در اعتراض از سمت وزارت کار استعفا داد و نتایج انتخابات را زیر سؤال برد. مسعود رجوی هم یک روز پس از انتخابات بی‌نی صدر دیدار و اعتراض خود را به وی منعکس کرد. بنی‌صدر هم به‌عنوان رئیس‌جمهور موضع گرفت. با وجود اینکه با انتخابات مرحله دوم ۲۳۴ نماینده معرفی شدند و مجلس رسمیت یافت؛ اما کشمکش‌ها همچنان جریان داشت.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

مدیریت صحیح انقلاب و متناسب با وضعیت پیش‌رو، یکی از ویژگی‌های نابی بود که در دوران حکمرانی حضرت امام(ره) به عاملی برای ثبات و استقرار جمهوری اسلامی بدل شد. در این مسیر تأکید بر حاکمیت قانون یکی از مهم‌ترین تشخیص‌هایی بود که به اولویت امام بدل شد. تعیین شورای انقلاب و پس از آن دولت موقت از اولین گام‌های مهم حضرت امام برای تحقق قانون در کشوری انقلاب زده بود.

روح تحقق قانون و قانون‌گرایی را می‌توان در تلاش و تأکید حضرت امام(ره) بر برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی در کمتر از دو ماه از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مشاهده کرد. امام(ره) می‌خواستند آنچه در شعارهای ملت در راهپیمایی‌های میلیونی علیه رژیم پهلوی بازتاب داشته و مطالبه اکثریت ملت ایران بود، جایگاه قانونی یافته و فرآیندی قانونی یابد. به همین دلیل بر برگزاری همه‌پرسی تأکید ورزید. بلافاصله پس از برگزاری همه‌پرسی جمهوری اسلامی، حضرت امام بر تشکیل مجلسی برای تدوین قانون اساسی پافشاری کردند و در ادامه بر شکل‌گیری قوای قانونی کشور از طریق اجرای قانون اساسی تأکید ورزیدند.

با آغاز به کار اولین دولت جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی، حضرت امام(ره) از همه مسئولان کشور خواستند تا در مسیر تحقق قانون اساسی تلاش کنند. ایشان در مراسم افتتاحیه اولین دوره مجلس شورای اسلامی به‌طور خاص از نمایندگان مجلس خواستند: «همه روی قانون عمل نکنند. این قانونی که ملت برایش رأی داده است. همین رأی نداده است که توی طاقچه بگذارید و کاری به آن نداشته باشید، بروید مشغول کار خودتان بشوید. این قانون باید دست همه باشد و همه حدود را قانون معین بکند. قانون برای مجلس حدود معین کرده است، تخلف

دهلیز

بحرین جدا مانده!

مروری بر مفاسد دربار دیکتاتوری پهلوی

یکی از مصائب حاکمیت پهلوی بر ایران زمین، ناتوانی آنها در حفظ مرزهای جغرافیایی و جدایی بخشی از خاک ایران از سوی بیگانگان بود. اوج این خیانت را می‌توان در جدایی بحرین مشاهده کرد. این جزیره نفت‌خیز خلیج‌فارس قرن‌ها به ایران تعلق داشت؛ اما در زمان قاجار، انگلستان استعمارگر در نقاط گوناگون خاورمیانه استقرار یافته و از جمله بحرین را به‌صورت پایگاهی برای خود درآورد و شیوخی را دست‌نشانده خود و حاکم این جزیره کرد. همواره دولت ایران، بحرین را قسمتی از خاک خود می‌دانست و در تقسیم‌بندی مملکتی هم استان چهاردهم به حساب می‌آمد و درصدد بود تا در فرصت مناسب عملاً حاکمیت خود را استقرار بخشد. در حالی که انگلیسی‌ها در پایان دهه ۱۳۴۰ قدرت خود را در خلیج‌فارس رو به افول می‌دیدند، تصمیم به اعلام استقلال بحرین گرفتند که در این میان شاه دست‌نشانده پهلوی به جای تأکید بر حفظ خاک وطن، برای کسب رضایت اربابان انگلیسی‌اش، به جدایی بحرین حکم داد. دکتر سیدجلال‌الدین مدنی در جلد دوم کتاب «تاریخ سیاسی معاصر ایران» می‌نویسد: «شاه برای زمینه‌سازی در تحقق این هدف در دی ماه ۱۳۴۷ طی کنفرانسی مطبوعاتی در دهلی‌نو گفت: «گرفتن و حفظ کردن سرزمینی که مردم آن با شما ضدیت داشته باشند، چه فایده‌ای دارد. چون این اشغال محسوب می‌شود و ما برای نجات بحرین هرگز به زور متوسل نخواهیم شد.» بعد از این نیز



از این حدود نشود. برای رئیس‌جمهور تحدید کرده، حدود قرار داده، او هم تخلف نکند. برای نخست‌وزیر و امثال اینها و دولت‌ها حدود معین کرده. آنها هم نباید خارج بشوند. هر که خارج بشود از حدود، باید این را تنبیه بدهند، هدایت کنند آن را.» (۱۳۵۹/۳/۴)

حضرت امام(ره) به خوبی می‌دانستند که نظامی نوپا هنوز در مرحله اجرا با مشکلات متعددی مواجه خواهد بود و تعریف حدود وظایف و اختیارات دستگاه‌های مختلف در عمل با هم‌پوشانی‌هایی همراه است که می‌تواند به اختلاف و درگیری و تنش بینجامد؛ بنابراین تلاش می‌کردند همه مجموعه‌های نظام را که حیات‌شان برای بقا و تداوم نظام جمهوری اسلامی ضروری بود، به مدارا با یکدیگر و عمل به قانون دعوت کنند. قانونی که هنوز بخش عمده‌ای از آن نوشته نشده بود و این وظیفه مجلس شورای اسلامی نوپا بود که مبتنی بر قانون اساسی، قوانین جزئی هر یک از دستگاه‌ها را تدوین و تصویب کند.

در همین شرایط، سال ۱۳۵۹ مملو از تنش‌های ایجادشده بین مجموعه‌هایی است که هر یک برای خود اختیاراتی قائلند و مرزهای اختیاراتشان هنوز متداخل، محل اختلاف، مبهم و ناپیدا است. در این شرایط حضرت امام(ره) تلاش دارند تا قانون را به مثابه فصل‌الخطاب در جامعه جای‌بندازد و همه را به رعایت آن دعوت کند. در همین ایام،

فرماندهان نیروهای سه‌گانه ارتش روز سوم مرداد ۱۳۵۹ با امام‌خمینی(ره) در جماران دیدار کردند. در این دیدار امام خواهان عمل کردن همه نهادها و اشخاص به وظایف قانونی خود و مداخله نکردن در امور یکدیگر شدند و فرمودند: «قانون برای همه وظیفه معین کرده، اگر یکی دست از قانون بردارد و بخواهد دخالت دیگری بکند، بر خلاف شرع عمل کرده. باید هر کس همان کاری، آقای رئیس‌جمهور همان کاری که برایش معین کرده است قانون، همان کار مهمی که برای او قرار داده، آن کار را خوب انجام بدهد. مجلس آن وظایفی را که قانون برایش معین کرده همان را درست بکند، دیگر مجلس دخالت نکند در اجرا، و قوه مجریه در قوه مقننه و هر دو در قوه قضائیه. قوای قضایی سر جای خودشان کارقضایی‌شان را انجام بدهند و این کار مهمی است. قوای مقننه باید کار تقنین‌شان را انجام بدهند و این‌کار مهمی است. دولت مجری است؛ باید کار خودش را انجام بدهد و آن هم کار مهمی است. ارتش باید کار خودش را انجام بدهد به آن حدودی که موظف است و این کار مهم است، اگر بنا باشد هر کدام در کار دیگر دخالت بکنند که این مملکت نمی‌شود. یک بازاری بیاید در ارتش دخالت بکند، این مثل این است که یک بازاری بیاید در فتوا دخالت بکند، خوب نمی‌شود اینکه ارتش بیاید در فتوا دخالت بکند، اهل فتوا بیایند در ارتش دخالت بکنند؛

حافظه

تزار گروزی

نگاهی به حکمرانی ایوان چهارم واسیلیویچ در امپراتوری روسیه

«مثل اسب، کف بر دهان می‌آورد.» بلندقد و تنومند و قوی‌بنیه بود و ظاهری هراس‌انگیز داشت. از خورنیزی ابایی نداشت و رحم و گذشت را نشانه بلاهت و ضعیف می‌پنداشت. البته در سرزمین نیمه‌بدوی روسیه قانون جنگل (تنازع بقا) حکم‌فرما بود و او با باید می‌کشت یا کشته می‌شد. این واقعیت را هم نمی‌توان انکار کرد که او اگر نه دیوانه، حتماً مردی نامتعادل و «وحشی» بود. برای نمونه، زمانی که ۱۳ سال داشت، یکی از نجبای مسکو را دست‌بسته در قفس سگ‌های گرسنه انداخت و مرگ دردناک او را لذت تا انتها تماشا کرد. یا در سال‌های آخر عمر «یک روز همسر پسر دوم خود ایوان را در جامه‌ای دید که به نظرش جلف آمد. تزار آن زن را ملامت کرد و کتک زد. زن حامله بود و سقط جنین کرد. شاهزاده ایوان پدرش را به سبب این رفتار سرزنش کرد. تزار، در حالت خشمی ناگهانی، با عصای شاهی که در دست داشت بر سر او کوفت و شاهزاده ایوان از این ضربه جان سپرد.» ایوان چهارم به شدت دینی بود و از طرفداران کلیسای کاتولیک بود و دستور داد مخالفان را در استخری از آب یخ بریزند تا همه آنها کشته شوند. او از اواسط سلطنتش به دلیل خیانت بخشی از اشراف روسیه که به «بویار» معروف بودند، دچار بدبینی شد و به قتل و کشتار آنها دست زد. او ۱۲۰۰۰ نفر از بویارها را از بین برد و زمین‌های آنها را تصاحب کرد. همچنین دستور داد اهالی شهر «نووگورد» در شمال مسکو را که شورش کرده بودند، در رودخانه غرق کنند.

شکل‌گیری امپراتوری بزرگ روسیه به قرن شانزدهم میلادی بر می‌گردد که تزارهای روسی تلاش کردند ضمن تثبیت مرزهای جغرافیایی روسیه، آن را گسترش داده و سرزمین‌هایی نو در مرزهای آسیایی خود در سبیری گسترش دهند.

در این زمان بود که نوبت به حکمرانی ایوان چهارم واسیلیویچ رسیده بود. او در سال ۱۵۳۳ به شاهزادگی اعظم مسکو رسید. در زبان روسی به او لقب «گروزی» داده‌اند که به معنای توانایی قدرت و بی‌رحم است و در فارسی امروز آن را «مخوف» ترجمه کرده‌اند.

او در ۱۶ سالگی با لقب تزار حکومت بر شاهزاده‌نشین مسکو و قلمرو آن روزگار روسیه را دست گرفت. وی خود را جانشین امپراتورهای بیزانس می‌دانست که یک سده پیش به دست امپراتوری عثمانی منقرض شده بود. ایوان چهارم می‌خواست کشورش را از زیر سایه اشغال مغول‌ها که موجب عقب‌ماندگی روسیه شده بود، بیرون آورده و به سطح کشورهای غربی برساند؛ اما تا زمان مرگش موفق نشد روسیه را به کشوری پیشرفته تبدیل کند. ایوان چهارم در چندین نبرد تاتارهای ولگا را شکست داد و شهرهای قازان و آستراخان را به خاک روسیه منضمه کرد و مرزهای خود را تا ساحل دریای خزر جلو برد. اما آنچه موجب شد تا نامش به عنوان یکی از سفاکان تاریخ ثبت شود، تندخویی و آتشین مزاجی او بود. او گاهی فقط در یک لحظه از شدت خشم از خود بی‌خود می‌شد و به قول یکی از درباریان‌ش

سیاست نامه

سیدمحمدکاظم یزدی - ۳۰

درس‌های مشروطه

و آینده انقلاب



فتح‌الله پریشان

دبیر گروه اندیشه

حرکت‌های اجتماعی بزرگ در کنار چالش‌ها، از نقاط قوت‌هایی نیز برخوردار است که بررسی آنها واجد درس‌های آموزنده است. انقلاب مشروطه مصداق اتم این موضوع است. درس‌آویزی از مشروطه از نظر زمینه‌های اجتماعی نهضت، مردم‌شناسی و جریان‌شناسی مشروطه، مداخله بیگانگان در امور داخلی یک ملت، بحران هویت و هویت‌یابی به واسطه آن، حضور مردم و نقش ویژه زنان، مسئله رهبری و اختلافات این حوزه و تأثیر تعیین‌کننده آن در انحراف مشروطه، زمینه‌های تحریف و نفوذ در لایه‌های انقلابیون از سوی غربی‌ها و نقش جریان روشنفکری وابسته به غرب در فرجام مشروطه و ..از جمله این نکات است. رهبر معظم انقلاب در یکصدسالگی انقلاب مشروطه در باب فرجام آن به دو نکته اشاره می‌کنند: «چه شد که غربی‌ها، مشخصاً انگلیسی‌ها، در مسنله [مشروطه] کامیاب شدند؛ از چه شگردی استفاده کردند که کامیاب شدند. در حالی که مردم که جمعیت اصلی هستند، می‌توانستند در اختیار علما باقی بمانند و اجازه داده نشود که شیخ فضل‌الله جلو چشم همین مردم به دار کشیده شود؛ قاعده قضیه این بود... که اینها توانستند یک عده‌ای از اعضای جبهه عدالت‌خواهی- یعنی همان اعضای دینی و عمدتاً علما- را فریب بدهند و حقیقت را برای اینها پوشیده نگه دارند و اختلاف ایجاد کنند. [دوم اینکه] حرف‌هایی را که از سوی روشنفکرها و به‌وسیله عمال حکومت گفته می‌شد و وعده‌هایی را که داده می‌شد، حمل بر صحت می‌کردند. این طور می‌گفتند که شما دارید عجله می‌کنید؛ سوءظن دارید؛ اینها قصد بدی ندارند... انسان می‌بیند که حساسیت آنها را در مقابل انحراف کم کرده‌اند؛ اما حساسیت بعضی‌ها مثل مرحوم آشیخ فضل‌الله باقی ماند.»(۱۳۸۵/۲/۹)

این نکته دقیقاً سخنی بود که سید یزدی درباره تلاش شبکه غربی که در طیفی از بیسرون مرزها تا داخل ایران با حضور اجتماعی همین جریان روشنفکری بیمار و غرب‌زده امتداد داشت، می‌زد و نسبت به مقاصد و اعمال آنها در قرائت وارونه‌ای که از دین و جامعه ایرانی داشتند با دیده تردید و انکار می‌نگریست و دیدیم که تشخیص امثال سید یزدی به واسطه بهره‌مندی از افراد و جریان‌های مورد شوق و آمین داخلی، همانند شیخ فضل‌الله نوری چقدر درست بود. جالب است که امروز هم همان تفکر واداده غرب‌گرا در پروژه جنگ‌شناختی نظام سلطه همین نقش حساسیت‌زدایی از هنجارها و بنیان‌های دینی، ملی و انقلابی را دارند، ایفا می‌کنند و پیاده نظام پیاده‌سازی فرهنگ، سبک زندگی و زیست‌بوم لیبرال سرمایه‌داری در ساحت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند. دشمنان انقلاب اسلامی، امروز چه در خارج و چه در داخل، در بستر جنگ شناختی سعی می‌کنند دین و رهبری دینی را با انواع تردیدافکنی‌ها و شبهه‌پرداز‌ی‌ها از اعتبار ببندازند. از این منظر، باید از شکست‌ها و تجارب تلخ ماجرای مشروطیت درس‌ها آموخت و با انقلاب و نظام برآمده از آن مراقبت کرد؛ چرا که «با اینکه ملت ایران وارد میدان شدند؛ رهبران روحانی، علمای بزرگ و مراجع از نجف و از داخل کشور مردم را بسیج کردند؛ ملت هم خوب فداکاری کردند؛ اما چون تجربه کاری نداشتند، دشمنان، نفوذی‌ها و سسلطه‌گران بیگانه توانستند این حرکت را از درون منهدم و خشتی کنند و از بین ببرند.»(۱۳۸۳/۱۲/۲۴)

نسبت‌سنجی میان جریان‌های سیاسی و مسائل انقلاب اسلامی -۳

گونه‌شناسی جریان‌های سیاسی



مصطفی قربانی

دکتری علوم سیاسی

در تلاش برای ارائه یک جریان‌شناسی سیاسی نوین بر مبنای نسبت نخبگان و جریان‌های سیاسی با انقلاب اسلامی و مسائل کشور، تلاش شد دو ضابطه یا مبنای کلی ارائه شود؛ نوع نگاه نخبگان و جریان‌های سیاسی نسبت به انقلاب اسلامی و آینده آن و نوع راه‌حل و شیوه مدنظر آنها برای حل مسائل کشور و برون‌رفت از شرایط موجود. براساس ضابطه اول یا دو نوع جریان سیاسی ترمیدوری و تکاملی مواجهیم و براساس ضابطه دوم، یا دو جریان کلان یا دو قطب ناهمنام مواجهیم؛ جریانی که راه‌حل مشکلات کشور را در اتکا به ظرفیت‌های درون‌زای داخلی جست‌وجو می‌کند و جریان دیگری که راه‌حل را در بیسرون از مرزها و با خوش‌بینی و اعتماد به ظرفیت‌های خارجی می‌بیند. بر مبنای این چهار مؤلفه، می‌توانیم چهار چهار جریان سیاسی را در وضعیت کنونی کشور از هم تفکیک کنیم.

♦ گونه‌شناسی چهار جریان

۱- جریان تغییر‌گرا: جریانی است که نسبت به ماهیت و آینده انقلاب اسلامی نگاه ترمیدوری دارد و بـا ارائه روایتی تحریف‌آمیز از وضعیت کنونی کشور، برای مشکلات و مسائل کشور راه‌حلی برون‌گرایانه ارائه می‌کند.

۲- جریان ادغام‌گرا: جریانی است که همانند جریان اول، نسبت به ماهیت و آینده انقلاب اسلامی نگاه ترمیدوری دارد و روایت آن از وضعیت کنونی کشور نیز تحریف‌آمیز است. راه‌حل مدنظر آن برای حل مسائل کشور نیز مبتنی بر اولویت‌بخشی به ظرفیت‌های بیرونی است. با این حال، تفاوت آن با جریان نخست در میزان و شدت کمتر تحریف و همچنین، غلظت کمتر نگاه ترمیدوری آنها نسبت به انقلاب اسلامی است. در همین راستا، آنها کاملاً هم برون‌گرا نیستند و نیم‌نگاهی به ظرفیت‌های داخلی دارند(هر چند جزئی). در واقع، این جریان اگرچه نگاه ترمیدوری به انقلاب اسلامی دارد، اما به

سبب ماهیت پراتیک و عمل‌گرایانه‌اش، نگاه ترمیدوری‌اش تعدیل شده‌تر از جریان نخست است.

۳- جریان احیاگرا: جریانی است که اگرچه نگاه تکاملی نسبت به انقلاب اسلامی دارد، اما نگاه و تحلیل آن نسبت به وضعیت کشور، غیرواقع‌بینانه است و سویه‌های ضدساختاری دارد. این جریان کاملاً درون‌گرا می‌اندیشد و می‌توان ادعا کرد، نقش و جایگاهی برای ظرفیت‌های خارجی به منظور حل مسائل کشور قائل نیست.

۴- جریان استحکام‌گرا: جریانی است که ضمن داشتن نگاه تکاملی به ماهیت و آینده انقلاب اسلامی، قرائت و تحلیلی آرمان‌گرایانه توأم با واقع‌بینی از وضعیت کنونی کشور دارد. در ارتباط با راه‌حل مسائل کشور و شیوه برون‌رفت از آنها نیز رویکردی تلفیقی دارد؛ درون‌زا و برون‌نگر است؛ یعنی اگرچه اولویت را به ظرفیت‌های داخلی می‌دهد، اما نافی و منکر استفاده از ظرفیت‌های خارجی نیست. در ادامه هر یک از این جریان‌ها را بیشتر معرفی می‌کنیم.

♦ جریان تغییر‌گرا

این جریان در بررسی مشکلات موجود کشور و ارائه راه‌حل برای آنها، مسائل سیاست و روابط خارجی را علت‌العلل مشکلات کشور می‌داند و از این‌رو، با نگاهی کاملاً برون‌گرایانه، خواهان حل گرهِ‌های موجود در سیاست خارجی کشور بوده و به‌زعم خود، خواهان پرهیز از هرگونه تنش است. از این دیدگاه، جمهوری اسلامی برای حل و رفع چالش‌ها و مسائل سیاست خارجی و به تبع آن، گرهِ‌گشایی از وضعیت اقتصادی کشور، چاره‌ای جز حل مسئله با آمریکا ندارد و البته در این زمینه معتقد است، جمهوری اسلامی باید برساخته‌ها و شرایط طرف مقابل را بپذیرد.

در همین راستا باید گفت، اصل دیدگاه آنها بر این محور می‌چرخد که برای حل مشکلات اقتصادی باید وضعیت روابط خارجی کشور به سامان برسد و لازمه تنظیم روابط خارجی کشور، پرهیز از هر نوع سیاست رفتاری است که با منافع و ملاحظات قدرت‌های بزرگ تصادم پیدا می‌کند؛ به همین دلیل طرفداران این جریان، عدول از شعارها، داعیه‌ها و سیاست‌های

استکبارستیزانه و انقلابی نظام را تجویز می‌کنند. بنابراین، منظور از تغییر‌گرایان در اینجا جریانی است که چاره کار مشکلات کشور را در ادغام در نظام جهانی سرمایه‌داری و پذیرش الزامات رفتاری متناسب با آنها می‌دانند؛ یعنی تغییر‌گرایی آنها معطوف به تغییر سیرت انقلاب اسلامی است. بر همین اساس، این جریان را می‌توان برون‌گرا و ترمیدوری دانست.

مفروض اساسی تغییر‌گرایان این است که جمهوری اسلامی اکنون بر سر یک دوراهی قرار دارد که یک مسیر آن؛ پذیرش تغییرات رفتاری، کنار آمدن با نظام جهانی و در نتیجه بهره‌مند شدن از امکانات و مزایای مترتب بر این امر که همان سرمایه‌گذاری خارجی، دسترسی به سیستم اقتصاد بازار آزاد و توسعه اقتصادی است و مسیر دیگر آن عبارت است از پایبندی به شعارها و داعیه‌هایی که جمهوری اسلامی از ابتدای تشکیل و استقرار خود بر آنها پایبند بوده و البته مانعی برای تعامل سازنده با دنیا و بهره‌برداری از امکانات نظام بین‌الملل است که نتیجه آن تداوم تغییر‌گرا، نسخه نخست را تجویز می‌کند و آن را مطلوب خود می‌داند. با وجود آنکه تغییر‌گرایان رسمیت چندانی ندارند، اما در حاشیه جریان اصلاح‌طلبی فعال بوده و حتی در مقاطعی نفوذ و تعیین‌کنندگی بالایی در این جریان داشته‌اند.

♦ دال‌های گفتمانی تغییر‌گرایان

متأثر از گزاره بنیادینی که تغییر‌گرایان به آن معتقد هستند، دال‌ها و عناصر گفتمانی آنها در وضعیت کنونی عبارتند از:

۱- بین‌المللی کردن ایران؛ دال مرکزی گفتمان تغییر‌گرایان و هدف نهایی آنها، بین‌المللی کردن ایران به معنای هماهنگ‌سازی سیاست، اقتصاد و فرهنگ کشور با استانداردهای به اصطلاح جهانی است. درواقع، تغییر‌گرایان درصدد هستند سیاست‌ها و رفتارهای نظام را براساس معیارهای جهانی تعریف کنند. بنابراین، به همراهی و هماهنگی کامل با آنچه از غرب می‌آید، معتقد هستند

۲- نگاه به بیرون؛ متأثر از درک بنیادی و هدف نهایی تغییر‌گرایان، ارتباط با جهان توسعه‌یافته،

آفاق

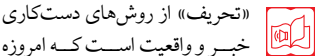
چهره پنهان سیاست -۳۹

هجمه تحریف



سیامک باقری

دکترای علوم سیاسی



«تحریف» از روش‌های دست‌کاری و خبر و واقعیت است که امروزه بازیگران جنگ روانی و شناختی برای نفوذ ادراکی به صورت وسیع علیه انقلاب اسلامی استفاده می‌کنند. این روش می‌تواند جای شهید و جلاّد را عوض کند.

معمولاً در تحریف یک خبر و واقعه سه اقدام پیوستاری در زنجیره انتقال صورت می‌گیرد: ابتدا بسیاری از جزئیات خبر یا حادثه حذف می‌شود. سپس هر بار که چنین خبری نقل می‌شود، میزان جزئیات آن (هر چند با کندی)، کاهش می‌یابد. سپس تحریف‌کنندگان هم‌زمان تلاش می‌کنند شاخ و برگ‌هایی را به خبر اضافه کنند و در نهایت با هنر‌مندی کاری می‌کنند که مخاطب با سهولت و سرعت بیشتری آن را جذب کند و بپذیرد.

گاهی اوقات در نبرد شناختی صاحبان رسانه‌هایی، نظیر شبکه‌من‌و‌تو، ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی برای تحریف اصل یک واقعیتهی مانند دیکتاتوری رضاشاه و محمدرضاشاه، غیر مردمی بودن، سرکوبگری و خیانت آنها و... دست به بازخوانی مجدد آن می‌زنند، منتهی بازخوانی و کنار هم قراردادن ریز اطلاعاتی که مخاطب احساس کند «عجباً اینها آدم‌های بدی هم نبودند، اوضاع بدی نبوده؛ پس چرا

شرط لازم و کافی توسعه تلقی می‌شود و از این‌رو، چاره کار توسعه کشور را بین‌الملل‌گرایی و نگاه به بیرون می‌دانند. به عبارتی، چون اینان، جهانی شدن و ارتباط با نظام بین‌الملل (کشورهای غربی) را یکسره فرصت تلقی می‌کنند و معتقدند پذیرش الزامات جهانی شدن و سیاست‌گذاری و رفتار بر مبنای این الزامات نه یک انتخاب و گزینش، بلکه جبر و تحمیلی است که شرایط موجود بر ما بار می‌کند، بنابراین، چاره توسعه کشور را نیز در پذیرش نسخه‌های بیرونی و استفاده حداکثری از ظرفیت‌های خارجی می‌دانند.

۳- ایدئولوژی‌زدایی از حوزه سیاست‌گذاری و رفتار؛ زدودن و کنار گذاشتن داعیه‌ها و گزاره‌های ایدئولوژیکی از سوی جمهوری اسلامی و تبدیل کردن آن به یک دولت عرفی که همانند سایر کشورها براساس منطق محاسبه سود و زیان رفتار کند، از آن روی از سوی این گفتمان و جریان مطرح می‌شود که تأکید بر گزاره‌های ایدئولوژیکی و ارزشی را مانعی برای ارتباطات گسترده بین‌المللی و به تبع آن توسعه کشور ارزیابی می‌کنند. به عبارتی، این جریان فاصله میان توانمندی‌ها یا داعیه‌ها و شعارهای ارزشی- ایدئولوژیک را زیاد دانسته و به‌ پرکردن این شکاف، از طریق کاستن و بلکه عدول از شعارها و مواضع ایدئولوژیک نظام معتقد است.

۴- تنش‌زدایی و اعتمادسازی؛ استدلال محوری این‌ها این است که برای رشد و توسعه اقتصادی کشور، باید به مدارهای توسعه جهانی وصل بود. بر همین اساس، معتقدند سیاست باید متناسب با الزامات اقتصاد حرکت کند و در شرایطی که ما نیازمند استفاده از امکانات خارجی هستیم، باید از بسیاری از رفتارهای سیاسی، که به زعم اینها، سبب تنش‌آفرینی در سطح نظام بین‌الملل می‌شود، پرهیز کرد. بر همین اساس، این‌ها در مقابل خواسته‌های بیگانگان مانند تحدید توان دفاعی- موشکی کشور، تحدید نفوذ منطقه‌ای ایران و... نه تنها واکنشی نشان نمی‌دهند، بلکه موافق هم هستند و حتی تلاش می‌کنند میان منافع و معیشت مردم با تقویت توان دفاعی کشور یا سیاست‌های منطقه‌ای دوگانه‌سازی کنند. در شماره‌های آتی از این منظر سایر جریان‌های اشاره شده را ارزیابی خواهیم کرد.

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین -۲

معناشناسی

بکوشیم؛ اصلاً زندگی جز این معنی ندارد.»

همچنین رهبر معظم انقلاب در شروع درس خارج فقه خودشان در سال ۱۳۷۳ جهاد را این‌طور به تصویر می‌کشند:

«جهاد، آن عرض عریض و آن عمل شامل و عام و نافع تمام نشدنی است که در انواع و اشکال مختلف تحقق پیدا می‌کند. ما در اول «کتاب جهاد» عرض کردیم که معیار جهاد، شمشیر و میدان جنگ نیست. معیار جهاد، همان چیزی است که امروز در زبان فارسی ما در کلمه «مبارزه» وجود دارد. فلاّنی آدم مبارزی است؛ فلاّنی آدم مبارزی نیست. نویسنده مبارز؛ نویسنده غیرمبارز. عالم مبارز؛ عالم غیرمبارز. دانشجوی مبارز و طلبه مبارز؛ دانشجوی غیرمبارز و طلبه غیرمبارز. جامعه مبارز و جامعه غیرمبارز. پس، جهاد یعنی «مبارزه».»

از منظر و اندیشه رهبر معظم انقلاب، تبیین نیز به عنوان واژه دوم ترکیب «جهاد تبیین»، ریشه دینی دارد و در آیین نورانی اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که قرآن، «تبیان لکل شی» است و از رسالات انبیاء و اولیاء الهی تبیین حقایق عالمین است.

رهبر حکیم انقلاب در این باره می‌فرماید: «تفکر اسلامی تبیین است. فانما علیک البلاغ؛ (که خداوند در قران کریم) به پیغمبر خدا می‌گوید وظیفه تو رساندن است، حرف را باید برسانی. باید تبیین کنی؛ حرف‌های‌تان را، نظرات‌تان را بگویید؛ در مسائل مهم کشور؛ در مسئله اقتصاد مقاومتی تبیین کنید.»

امیر قلی‌زاده

کارشناس

هدف سلسله مقالات جدید این ستون، واکاوی ابعاد و زوایای گوناگون «جهاد تبیین» مطروحه از سوی رهبر معظم انقلاب است؛ بنابراین، پیش از هر توضیح و تفسیری درباره این بحث، ضرورت دارد در زمینه مفاهیم اولیه جهاد تبیین تأملی نظری داشته باشیم و بنای سلسله مباحث علمی آتی این وجیزه را بر این معناشناسی استوار کنیم. انقلاب اسلامی برای به ثمر رساندن یک نظام نوین که ارزش‌های متعالی و مترقی دارد، شکل گرفت.

طبعاً، این انقلاب شکوهمند، متناسب با این ارزش‌ها اهدافی را دنبال می‌کند و برای دستیابی به این اهداف متعالی از راهبردها، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های خاصی نیز بهره‌مند می‌شود. البته از منظر انسان‌شناختی، زندگی انسان مجموعه همین تلاش‌ها و تقلا کردن‌ها برای رسیدن به اهداف است و معنای شعار مشهور «ان الحیاة عقیده و جهاد»، چیزی جز این نیست.

رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۷۰ جهاد را این گونه معنا می‌کنند: «جهاد با شمشیر و تفنگ که نیست؛ هر تلاش شما یک جهاد است. جهاد، یعنی مجاهدت کردن و تلاش کردن. زندگی، یعنی اینکه ما این هدف‌ها را ترسیم کنیم و ارزش‌هایی را که برای ما عزیز و محترم است، مشخص کنیم و بعد با همه قوا

کریس مورفی، سناتور دموکرات آمریکایی

و از حامیان توافق هسته‌ای: من همچنان منتظر هستم که مخالفان توافق هسته‌ای ایران راهی بهتر را برای جلوگیری ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای ارائه کنند. ما تحریم‌های فلج‌کننده یکجانبه را امتحان کردیم. ترورها و خرابکاری را امتحان کردیم. نتیجه تمامی آنها، تسریع برنامه تحقیقاتی‌شان بود.

علی دستاران، کاربر فضای مجازی: این

اپوزیسیون یکی از محکم‌ترین نشونه‌های مانایی جمهوری اسلامی ایران. جاهل، وحشی، بی‌دریشه.

محمد ایمانی، فعال رسانه‌ای: تعجب

نمی‌کنید که چرا در ماه‌های آغازین فتنه ۸۸، ناگهان در روز قدس، شعار «نه غزه نه لبنان» از آشوبگران شنیده شد؟ ادعای «تقلب در انتخابات» کجا و شعار دادن به نفع رژیم اشغالگر صهیونیست کجا؟! معلوم شد پشت آن بهانه‌جویی، نقشه دیگری هست و سر رشته به بانیان اشغال قدس بر می‌گردد.

ریچارد هاس، رئیس اندیشکده شورای

روابط خارجی آمریکا: «بسته بیش از ۳۰ میلیارد دلاری دولت بایدن برای اوکراین، بازتاب این واقعیت است که ما باید برای یک جنگ طولانی آماده شویم. تازمانی که دستوردهای پوتین به میزانی نرسیده باشد که اعلام پیروزی کند، روسیه خواهد جنگید که قاعدتاً پذیرش آن برای اوکراین سنگین است. صلح محتمل نیست.»

زهرا رکن آبادی، دختر شهید رکن آبادی:

پلدم از کودکی ما را با جنایات رژیم صهیونیستی آشنا می‌کرد، ۱۱ ساله بودم که ما را به دیدن زندان تازه آزاد شده خیام در جنوب لبنان برد، باورم نمی‌شد جایی که ایستادام سال گذشته در اشغال اسرائیل بوده است. مطمئنم این حس را به زودی در قدس تجربه خواهیم کرد، ان‌شاءالله.

دانیال معمار، فعال رسانه‌ای: عاقبت

بخیری، یعنی یک عمر برای استکبارستیزی، کار رسانه‌ای و فرهنگی انجام بدهی و در روزی که نماد مقابله مستضعفین با مستکبرین جهان است، دعوت حق را لبیک بگویی.

مهدی محمدی، تحلیلگر مسائل سیاسی:

تلاش آمریکا برای تقلیل دادن همه مسائل در پیش‌نویس فعلی مذاکرات وین به مسئله FTO سپاه، به معنای تلاش برای پوشاندن برخی مشکلات بسیار عمیق‌تر است. هر متنی باید در کلیت و تمامیت آن ارزیابی شود.

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و

ارشاد اسلامی: حاج نادر عزیز، هنرمند تراز انقلاب و مدافع دیرین آرمان قدس در روز قدس به دیدار حق شتافت. سردار بی‌مثالی که سال‌ها در جبهه فرهنگی انقلاب جنگید و تا پای جان بر آرمان خویش استوار ماند. او اکنون در جوار معبود، میهمان برادر شهیدش سیدمرتضی آوینی است.

سیدعلی موسوی، فعال رسانه‌ای: پروژه

تحت فشار گذاشتن پرویز پرستویی در آمریکا از سوی سام رجبی هدفی روشن دارد؛ آنها به دنبال پرونده‌سازی هستند.

جاه‌طلبی با پرنده آبی

چرا ایلان ماسک

برای خرید توئیتر دست به جیب شد؟

امیر مهدی صالحی

کارشناس فناوری اطلاعات

«ایلان ماسک» با قراردادی به مبلغ ۴۴ میلیارد دلار به صورت کاملاً نقد، پست‌ر خبررسانی «توییتر» را از آن خود کرد. حالا ثروتمندترین فرد جهان، صاحب تأثیرگذارترین شبکه اجتماعی در زمینه خبر و اطلاع‌رسانی است که باید دید ماسک چه قصد و نیتی از خرج این مبلغ کلان برای توئیتر داشته است؟ اما ماسک در ظاهر چه می‌گوید؟ ماسک که خود را حامی مطلق‌گرایی در آزادی بیان می‌خواند، از اعتدال و برخی رویه‌های دیگر توئیتر انتقاد کرده است. او می‌خواهد الگوریتم توئیتر برای اولویت‌بندی توئیته‌ها عمومی باشد و مخالف قدرت دادن بیش از حد به شرکت‌هایی است که از طریق توئیتر تبلیغ کرده و برای آن درآمد جذب می‌کنند. کاربران توئیتر انتظار دارند در مدیریت ماسک شاهد بازگرداندن افراد اخراجی، از جمله دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا به توئیتر باشند. در حالی که عده‌ای از وعده آزادی‌های بیشتر در توئیتر خوشحالند، افراد بسیاری نگران ترویج خشونت و بی‌چارچوب شدن این شبکه اجتماعی

هستند

ماسک در بیانیه‌ای گفته است: «آزادی بیان بستر یک دموکراسی کارآمد است و توئیتر میدان شهر دیجیتالی است که در آن موضوعات حیاتی برای آینده بشریت مورد بحث قرار می‌گیرند.»

این اقدام ماسک موجب شده است سنت خرید و مدیریت پلتفرم‌های رسانه‌ای تأثیرگذار از سوی میلیاردرها ادامه پیدا کند. پیش از این «واشنگتن پست» را جف بزوس که زمانی ثروتمندترین فرد دنیا بود، در سال ۲۰۱۳ خریداری کرد. چه سودی برای این میلیاردرها در چنین خریدهایی با مبالغ گزاف وجود دارد؟ شاید بتوان گفت، رسانه‌ها امروزه در جهت دیکته‌کردن سیاست‌های به سود سرمایه‌داری و سرمایه‌داران، بیش از پیش در بین مردم نقش دارند. کاربران خوراک‌های ذهنی خود را از خیرگزاری‌ها و بسترهای شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند و تصاحب کردن آنها به وسیله افراد سرمایه‌دار، سبب به چالش کشیده‌شدن آزادی بیان خواهد شد، هرچند شعار آزادی بیان سر دهند! «توییتر یک کسب و کار بدنام و ناکارآمد است. مانند یک سیب‌زمینی داغ که هیچ کس مسئولیت آن را نمی‌پذیرد. مدل کسب درآمد و کارایی آن با شروع

سال ۲۰۲۲ رو به زوال است. توئیتر به منبری برای اوياش سایبری بدل شده است.» همه این جملات، اتهام‌هایی است که رسانه‌های دنیا به توئیتر قبل از خرید آن از سوی ماسک می‌زدند، اما ثروتمندترین فرد دنیا چیزی حدود ۱۰ میلیارد دلار بالاتر از ارزش این شرکت بر بورس، برایش پرداخت کرد!

ایلان ماسک آنقدر پول دارد که نیازی به درآمد توئیتر نداشته باشد. خود او هم بارها این موضوع را اعلام کرده است که از توئیتر به دنبال کسب درآمد نیست؛ اما این دلیلی نمی‌شود که او هیچ نفعی در خرید توئیتر نداشته باشد و فقط محض رضای خدا توئیتر را خریده است تا آزاد کند! دنیای جدید، یعنی دنیای اطلاعات، رسانه‌های غربی هم اصلی‌ترین دلیل خرید توئیتر از سوی ایلان ماسک را تأثیرگذاری و داشتن اطلاعات می‌دانند. دیگر کسی که پول دارد قدرتمند نیست؛ بلکه کسی قدرت دارد که اطلاعات را در اختیار دارد و افکار عمومی را رصد می‌کند.

برای موفقیت در آینده دنیا باید داده داشت، تحلیل کرد، جریان‌ها را شناخت و در بهترین جا بهترین تصمیم را گرفت! این را ایلان ماسک به خوبی دانسته و فهمیده است که ارزش شرکتی،

رسانه

سوار بر احساسات

صورت خواسته و ناخواسته از درون جامعه مورد هدف به استخدام کارگزاران این جنگ در می‌آیند.

جنگ نرم با خلق ارزش‌های جدید، اسطوره‌سازی و نمادسازی، هیجان‌ساز است. این نوع جنگ از احساسات جامعه، نهایت استفاده را می‌برد؛ به گونه‌ای که از ارکان مهندسی جنگ نرم «مدیریت احساسات» است.

به این صورت که تلاش می‌شود از عواطف و احساسات جامعه مورد نظر برای نفوذ در افکار و اندیشه‌ها در جهت ایجاد دگرگونی در باورها استفاده شود که در نتیجه بحران‌آفرین می‌شود. جنگ نرم آسیب‌محور است. آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، میدان مانور جنگ نرم است.

در شماره پیش با مفهوم جنگ نرم آشنا شدیم. در ادامه ویژگی‌های آن را بر خواهیم شمرد.

جنگ نرم در پی تغییر قالب‌های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی آن است. آرام، تدریجی و زیرسطحی است. در جنگ نرم تصویری شکست‌خورده، ناامید و مأیوس از حریف ارائه می‌شود و در مقابل، مهاجم با نمادسازی و تصویرسازی خود را پیروز و موفق نشان می‌دهد و در اینجاست که عملیات روانی با توانی فوق‌العاده صورت می‌گیرد. جنگ نرم پایدار و بادوام است؛ یعنی نتایج جنگ نرم در صورت موفق بودن، پایدار و با دوام خواهد بود. جنگ نرم با تحرک و جاذبه‌دار است.

جنگ نرم به تدریج و آرام شروع می‌شود و به دلیل ایجاد جاذبه‌های کاذب و باگذشت زمان، بسیاری از بازیگران و حتی بازیگردانان آن به

سایبر

هیچ جا امن نیست!

نه آمار حملات و ببینید چه بلبشویی در زمینه امنیت سایبری وجود دارد!

آسیب‌پذیری روز صفر در واقع یک باگ در قطعه‌ای از یک نرم‌افزار است که برای برنامه‌نویسان، فروشنده و مسئول برنامه ناشناخته است و از آنجایی که هیچ اطلاعاتی از این آسیب‌پذیری در دسترس نیست، در نتیجه وصله امنیتی نیز موجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر، این آسیب‌پذیری، از سوی شخص یا اشخاصی که به طور مستقیم درگیر این نرم‌افزار نیستند، کشف می‌شود. اصطلاح روز صفر به روزهای بین زمان کشف یک آسیب‌پذیری و اولین حمله از طریق آن اشاره دارد و پس از آنکه آسیب‌پذیری روز صفر کشف و اعلام شد، از آن به آسیب‌پذیری روز n(n-day) یاد می‌شود.

پژواک

شکایت از اپل

مردم روسیه به دنبال حق خود



یک شرکت حقوقی روسی اعلام کرد، شکایتی را علیه اپل تنظیم کرده و خواستار دریافت غرامت ۹۰ میلیون روبلی (۱/۲۸ میلیون دلاری) به نفع مصرف‌کنندگانی است که از لغو خدمات پرداخت اپل از روسیه متضرر شده‌اند. این شرکت حقوقی اعلام کرده است، اپل حقوق مصرف‌کنندگان روسی را نقض کرده، زیرا استفاده از خدمات پرداخت آنلاین اپل بی‌بی را از اول مارس و در پاسخ به اعزام نیروی نظامی از مسکو به اوکراین محدود کرد و علاوه بر غرامت ۹۰ میلیون روبلی، باید خسارت معنوی وارده به شهروندان هم جبران شود.

دانش بنیان

نجات جنگل!

دانشمندان ایرانی و تولید نوشت‌افزار



یک شرکت دانش‌بنیان توانسته است نوشت‌افزارهای با دوام و طول عمر بالا و همچنین بدون نیاز به قطع درختان طراحی و تولید کند. مدادهای پلی‌مینرال که ثبت اختراع آن نیز انجام شده، با مواد اولیه ایرانی و با کیفیت بسیار بالا و کاملاً سالم تولید می‌شوند. در فرآیند تولید این محصول مواد اولیه پلیمری و معدنی استفاده می‌شود. فرآیند تولید این مدادها پیچیده است، اما کاملاً دوستدار محیط‌زیست است و برای تولید آن هیچ درختی قطع نمی‌شود و جزء سالم‌ترین مدادها در سطح جهان است.

آسیب‌های دوری از ذکر خدا

گفتاری از حجت‌الاسلام سیدحسین مؤمنی

اگر کسی از ذکر خدا دوری کند، دو تا درد متوجه اوست. یک درد در دنیا و یک درد در آخرت. درد دنیا به هر نحوی که باشد می‌گذرد و شاید قابل تحمل باشد، ولی درد آخرت به مراتب انسان درد را باید متحمل شود و گذرا نیست. اعراض از ذکر خدا (ذکر الله) را انسان نداشته باشد. آن دردی که در دنیا متوجه فرد می‌شود، معیشه زنکاه است؛ یعنی در روزی (مادی و معنوی) فرد گره می‌خورد. شاید افرادی در مسیر دین و دیانت هم نیفتند، اما مرتب وضع آنها هر روز بهتر از دیروز است. خدا ملانکه مقربی دارد که این ملانکه به در خانه خدا می‌آیند و عرض می‌کنند: «خدا یا به این بنده‌ات در دنیا آن‌قدر رفاه بده که یک‌بار هم در خانه‌ات نیابند؛ ما از بوی دهان او منزجر و متنفر هستیم.» اگر کسی در دنیا اعراض از ذکر الله بکند، معیشه زنکاه به او می‌دهند و دنبال یک لقمه نان باید خیلی بدود. درد دنیای او این است که برمی‌گردد و مجدد کار دارند؛ اما یک درد آخرتی هم دارد

که کور وارد صحرای محشر می‌شود. این از همه بدتر است، از رهگذر اعراض از ذکر خدا درد دنیا می‌گذرد؛ ولی با درد آخرت باید چه کرد؟ انسانی که کور وارد صحرای محشر شود، دستش از هر شفیهی کوتاه است. وقتی کور وارد صحرای محشر می‌شود، برمی‌گردد و می‌گوید: خدا یا... چرا مرا کور وارد محشر کردی، من که در دنیا چشم‌داشتم و می‌دیدم ؟ جواب می‌آید: این همه آیه و نشانه به تو نیازل کردیم، تو همه را فراموش کردی؛ ما هم اینجا تورا فراموش می‌کنیم و نمی‌گذاریم دستت به واسطه‌ها و شفعا برسد....

ذکر خدا در زندگی کم باشد یا نباشد، سرزمین دل مستعد انواع و اقسام آفت‌ها و آسیب‌ها می‌شود. چرا قلب به چیزی که چشم می‌بیند، مشغول می‌شود؟ دارد می‌رود یک صحنه محرکی می‌بیند، چپرا نظرش را جلب می‌کند؟ چون زیانش به ذکر الله باز نیست. اگر انسان مدام زبان



در طول تاریخ اسلام و مباحث گوناگون میان مسلمین درباره اسلام و ماهیتش، تنها کسانی که همیشه‌باتکیه‌بر استدلال، علم و عقل جلو می‌رفتند، شیعیان بودند. پیروان اهل بیت(ع) به تأسی از ایشان همیشه سعی داشتند رفتارها و آداب دینی را با آنچه خداوند و اهل بیت(ع) دستور دادند، منطبق کنند.

یکی از این دستورات آداب زیارت و توسل بود که علمای امامیه به دقت آن را از آیات قرآن، فرامین و رفتار ائمه(ع) استخراج می‌کردند. بسیاری از مذاهب و فرقه‌های ساختگی درباره زیارت و توسل به اهل قبور به کج‌راهِه رفتند و نتوانستند این مقوله را درک کنند. آنها یا تمام مباحث این موضوع را زیر سؤال بردند یا نتوانستند به درک واقعی همه بخش‌های آن پی ببرند. در همین میان، این شیعیان بودند که با مواجهه با این موضوع در کنار استخراج دستورات صحیح با بدعت‌ها و افراط و تفریط‌ها نیز مبارزه می‌کردند و مسیر اعتدال و میانه‌روی را پیش می‌گرفتند. البته هدف مخالفان زیارت و توسل فقط دور کردن انسان‌های حق‌طلب از اهل بیت(ع) بود؛ اما در کمال ناباوری نهنتها این اتفاق نیفتاد؛ بلکه

هر روز بیشتر از روزهای قبل مردم به حق‌بودن راه ائمه طاهرین(ع) پی بردند. برخی از فرقه‌ها به تبرک جستن و زیارت قبور مطهر اهل بیت(ع) ایراد وارد کردند و آن را مصداق شرک دانستند. این استدلال ابتدا در ذهن افراد قلیلی رشد کرد که به مرور زمان با حمایت دشمنان اسلام و انسانیت با هدف ایجاد اختلاف میان مسلمانان و تضعیف اسلام در میان تعداد زیادی از مسلمانان قوت گرفت و توسعه پیدا کرد تا جایی‌که به تخریب قبور ائمه بقیع(ع) و قبور مسلمانان صدر اسلام و مساجد انجامید. تاریخچه این اتفاق و علت رشد این تفکر مفصل است که خواندن آن و عبرت گرفتن از آن برای هر مسلمان، به ویژه هر شیعه‌ای لازم است. درباره قبرستان بقیع باید گفت: «هنگامی‌که رسول خدا(ص) دستور دادند اولین مسلمانان یعنی «اسعد بن زراره» و «عثمان بن مظعون» در بقیع دفن شوند، فرمودند: «عثمان بن مظعون را در بقیع دفن کنید تا شاخص و یادگاری از گذشتگان ما باشد و چه شاخص نیکی است عثمان.»(وفاء‌الفاء، ج ۳، ص ۸۹۳) سپس سنگی را به‌عنوان علامت بر سر مزارش قرار داد. پس از آن رسول خدا(ص) بارها در بقیع حضور یافت و برای اهل قبور دعا و طلب مغفرت کردند و فرمودند که من از طرف خدای خود مأْمور هستم که برای اینان دعا کنم.»(تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۰) احادیث زیادی در عظمت قبرستان بقیع و دیگر قبرستان‌ها

وجود دارد که هم به اهمیت توسل اشاره دارد و هم به‌نحوه حضور در قبرستان‌ها و ارتباط با اموات. در این حوزه سؤالات فراوان و البته شبهات زیادی وجود دارد. برای نمونه، وقتی در مقابل شبهه توسل و سلام به اهل بیت(ع) می‌گوییم سلام دادن به اموات در قرآن هم آمده، می‌گویند آنها پیامبران الهی بودند! در حالی‌که سلام‌دادن به همه اموات جزء آداب ورود به قبرستان‌ها آمده است. شبهه مقبره درست کردن برای اموات را هم باید با سنت و تقریر پیامبر(ص) و ائمه(ع) پاسخ دهیم. وقتی که اموات در خانه‌ها دفن می‌شدند و ایشان به آن ایرادی وارد نمی‌کردند. حتی زمانی‌که بر روی قبور اموات اتاق‌هایی ساخته می‌شد، با تأیید ایشان همراه بود. جالب آنکه ائمه بقیع(ع) از همان اول در خانه عقیل بن ابی‌طالب و در کنار مزار عباس عموی پیامبر و فاطمه بنت اسد دفن شدند. همانند پیامبر(ص) که در منزل خودشان به‌خاک سپرده شدند. باید توجه کرد که حضور در قبرستان و دعا برای اموات سنت رسول خدا(ص) است. روایت خالد بن عوسجه(وفاء‌الفاء، ج ۳، ص ۸۹۰) یکی از آنهاست که به قول و فعل رسول خدا(ص) در قبرستان بقیع اشاره دارد. همان‌طور که گفته شد تدفین در بقیع ابتدا مرسوم نبود؛ اما پس از مدتی خانه‌هایی که به آن اشاره شد، به بقعه‌هایی برای زیارت اهل قبور تبدیل شد. زمانی هم که شیعیان بدن مطهر امام صادق(ع) را به

۱۳ دین

شماره ۱۰۴۵ | دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

صداق

آیه

ارتباط با انبیا و اولیا



یکی از اختلافات میان برخی مذاهب اسلام توجه و توسل به اموات است که هر کدام یک بر پایه استدلال‌هایی بنا شده است. شیعیان فرقی میان سخن گفتن با مرده و زنده ندانند و بر پایه سماع موتی(زخرف/ ۲۵) و حیات برزخی(آل‌عمران/۱۶۹) استدلال می‌کنند. در مقابل فرقه‌هایی هستند که این‌کار را جایز نمی‌دانند و آن را مصداق شرک می‌دانند. استدلال آنها پایه قرآنی و روایی ندارد و اگر هم دارد، سست و غیر قابل استناد است. آنچه که باید دقت شود، این است که ارتباط با اموات دوطرفه است؛ یعنی هم اموات نیازبه اهل حیات نیاز دارند و از حضور آنها می‌توانند استفاده کنند و هم انسان‌هایی که در قید حیات هستند، می‌توانند بسا حضور در کنار مزار اموات خصوصاً به ویژه مزار انبیا، اولیا، صالحین، شهدا و مهربان مراتب معنوی و مادی خود را ارتقا ببخشند. آیاتی مانند آیه ۶۴ سوره نساء بندگان را به حضور در کنار پیامبر(ص) و طلب استغفار امر می‌کند و با توجه به آنکه پیامبر(ص) اگر هم حیات ظاهری نداشته باشد، باز هم می‌تواند صدای اهل دنیا را بشنود، این کار بعد پس از وفاتشان هم امکان‌پذیر می‌باشد‌است. همان‌طور که حضرت علی(ع) بعد پس از غسل رسول خدا(ص) و تجهیز آن حضرت بیان داشت: «... پدر و مادرم فدایت ای پیامبر خدا، همانا با مرگ تو چیزی قطع شد که با مرگ دیگری قطع نگشت و آن نبوت و اخبار و آگاهی از آسمان بود.» همچنین همان لحظه از رسول خدا(ص) درخواست کرد که: «پدر و مادرم فدایت باد، ما را در پیشگاه پروردگارت یاد کن، و ما را از هر گز فراموش منما!»(نهج البلاغه، خ ۲۳۵) این خطبه و توسل در کتاب‌های علمای اهل سنت هم آمده است. و نیز توسل معروف امام حسین(ع) به پیامبراسلام(ص) در کنار قبر شریف ایشان هنگامی که قصد خروج از مدینه به طرف مکه داشتند.(بهار، ج ۴۴، ص ۳۲۸)

همچنین آیه ۳۵ سوره مائده که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ دستور اهل بیت(ع) برای برآورده شدن حاجات توسط از سوی خداوند این بود که به‌وسیله عرض ارادت و تعظیم مقام پیامبر(ص) و اهل بیست(ع) این‌کار انجام شود.(الکافی، ج ۲، ص ۵۸۳) این‌کار توسط از سوی علمای مذاهب دیگر هم انجام می‌شد. افرادی، مانند سمنهودی، عالم شافعی قرن دهم، ابوعلی خلال به نقل از شافعی، آلوسی، عسقلانی و... هر کدام یک هم در زندگی خود و هم در آثار خود توسل به بزرگان اسلام را تأیید کردند. عسقلانی پس از نقل جریان درخواست عمر بن خطاب از ابن عباس برای دعا و طلب باران ادعان کرده است، استشفاع به اهل خیر و صلاح امری مستحب است.(فتح الباری، ج ۲، ص ۴۹۷) همچنین توسل عایشه برای برطرف شدن حقطی، عثمان بن حنیف، بلال بن حارث، مالک بن انس و... از میان اصحاب به رسول خدا(ص) شاهد این است که توسل به انبیا و اولیا امری مرسوم و پذیرفته شده بوده است. مخالفان اما به آیه ۲۲ سوره فاطر استناد می‌کنند که می‌فرماید: «و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند. خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می‌رساند، و تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور [خفته]‌اند برسانی.» در حالی‌که توجه نمی‌کنند خطاب این آیه با کفار است. کسانی که خود خدا نمی‌خواهد صدای اهل دنیا را بشنوند.(حدیث ابن عباس در المناقب، ج ۳، ص ۸۱)

احکام

تعیین سال خمسی

پرسش: کسی که اطمینان دارد به اینکه چیزی از درآمد سالانه‌اش تا پایان سال باقی نمی‌ماند، بلکه تمامی درآمد و منفعت او در خلال سال خرج هزینه‌های زندگی او می‌شود، آیا واجب است برای خود سال خمسی تعیین کند؟ کسی که بر اثر اطمینان به اینکه چیزی از درآمدش زیاد نمی‌آید، سال خمسی تعیین نکرده، چه حکمی دارد؟

پاسخ: ابتدای سال خمسی با تعیین از جانب مکلف مشخص نمی‌شود، بلکه امری واقعی است که برای کسی که شغل او کاسبی است با شروع کاسبی و برای کشاورز با رسیدن وقت برداشت محصول و برای کارگر و کارمند با دستیابی به اولین درآمد آغاز می‌شود. حساب سر سال خمسی و محاسبه درآمد سالانه واجب مستقلی نیست، بلکه راهی برای شناخت مقدار خمس است و وقتی محاسبه واجب می‌شود که بداند خمسی به او تعلق گرفته، ولی مقدار آن را نمی‌داند و اگر از منفعت کسب چیزی نزد او نماند و همه آن در مؤونه زندگی مصرف شود، خمس هیچ‌یک از آنها بر او واجب نیست.

اجوبة الاستفتائات، س ۹۹۴

راهنما

غفلت از آرمان شهر

حجت‌الاسلام عبدالحمید واسطی: اگر ما تمدنی داشته باشیم که همه نیازهای انسان را پوشش بدهد؛ ولی هیچ ارتباط ملکوتی بالفعل ایجاد نکند، «بعیدونی لا یشکرکون بی شسینا» اتفاق نمی‌افتد. اگر تمدنی، سلامت و دانش و عدالت و... را تولید کند؛ ولی احساس حضور خدا در قلوب و نفوس جامعه نباشد، حتماً تمدن مطلوبی رخ نداده است. عبودیت هم در حقیقت هر چیزی است که معناداری زندگی را پویاتر و فعال‌تر می‌کند. اگر سیستم خانواده مبتنی بر اسلام باشد، ورودی، خروجی و پردازش این فرآیند باید مبتنی بر ادله روایی و قرآنی باشد... شاخصه خانواده مطلوب تعیین شده؛ ولی چگونگی دستیابی به آن مغفول است.



اجرای ۲۰ عنوان برنامه تربیتی و معرفتی

سر هنگ پاسدار
علیرضا زاهدی

مسئول اداره
آموزش‌های عمومی
تخصصی و یگانی



این اداره مسئولیت برنامه‌ریزی ستادی و اجرایی دوره‌ها و آموزش‌های عقیدتی-سیاسی پاسداران را بر عهده دارد. به توفیق الهی و با نصب‌العین قرار دادن فرامین و تدابیر فرمانده معظم کل قوا، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و با هدایت مسئول محترم معاونت و پشتیبانی‌های مؤثر هینت رنیشه فرماندهی و نماینده ولی‌فقیه در سپاه و فعالیت‌های جهادی و شبانه‌روزی همکاران عزیز در شبکه تربیت و آموزش عقیدتی-سیاسی رده‌های سپاه در سال ۱۴۰۰ بیش از ۲۰ برنامه معرفتی و تربیتی اجرا شده که گزارش تعدادی از محوری‌ترین برنامه‌های اجرا شده به شرح زیر است:

۱- اجرای دوره‌های سالانه تربیت و تعالی دینی فردی پاسداران؛ ۲- اجرای دوره‌های تربیت و تعالی دینی خانواده‌گی ویژه فرماندهان، مدیران و آحاد کارکنان؛ ۳- آموزش‌های عقیدتی-سیاسی در دوره‌های طولی پاسداران از بدو ورود تا پایان خدمت؛ ۴- اجرای برنامه‌های تربیتی و آموزشی قرآنی نورمبین؛ ۵- برنامه تربیتی و عمل جهادی و انقلابی صادقین؛ ۶- جلسات درس اخلاق و موعظه هفتگی؛ ۷- برنامه‌های تربیت دینی چهره به چهره؛

الف- طرح سیره و روش تربیت محمدی(ص)؛ بد- میز مشاوره و جلسات گفت‌وگو تربیت دینی؛ ۸- کارگاه‌های آموزشی بصیرت دینی و انقلابی؛ ۹- نهضت مهارت‌افزایی احکام شرعی ضروری و فقه سازمانی پاسداران؛

الف- محتوای بخش احکام سازمانی عمومی؛ بد- محتوای بخش احکام سازمانی تخصصی؛ ۱۰- سنجش و آموزش عقیدتی-سیاسی چهره به چهره پاسداران از مرحله گزینش تا پایان خدمت؛ الف- سنجش و آموزش عقیدتی-سیاسی منتخبان گزینش در بدو ورود؛ بد- سنجش و سطح‌بندی عقیدتی-سیاسی پاسداران جدید در دوره‌های بدو ورود؛ ج- سنجش و آموزش چهره به چهره عقیدتی-سیاسی پاسداران در ترفیعات؛ ۱۱- راه‌اندازی زیر سامانه آموزش‌های عقیدتی-سیاسی در سامانه جامع «مصباح»؛ ۱۲- برنامه‌های معرفتی و تربیتی عقیدتی-سیاسی اجرا شده برای کارکنان وظیفه؛ الف- اجرای آموزش‌های عقیدتی-سیاسی در دوره‌های رزم مقدّماتی سربازان سطح ۱، ۲ و ۳؛ بد- اجرای طرح تربیت محمدی(ص) با به‌کارگیری مربیان عقیدتی-سیاسی مقیم در مراکز رزم مقدّماتی و اماکن تجمعی سربازان؛ بد- اجرای طرح «از محراب تا معراج» (ارزیابی و آموزش چپستی، چرایی و چگونگی نماز و احکام شرعی ضروری به سربازان؛ تد- اجرای جلسات قرآنی کارکنان وظیفه در قالب گروه‌های شهید حججی؛ ث- اجرای جلسات اخلاق و سبک زندگی جوان انقلابی سربازان در قالب گروه‌های تربیتی شهید حججی؛ ج- اجرای جلسات میز مشاوره تربیتی (گفت‌وگو تربیت دینی چهره به چهره)؛ ذ- اجرای دوره‌های مهارت‌آموزی آموزش‌شیرازی قرآن کریم کارکنان وظیفه؛ ر- اجرای دوره‌های تربیت و تعالی ضمن خدمت آحاد سربازان در مراکز تداوم تربیت و آموزش عقیدتی-سیاسی رده‌ای؛ ز- اجرای دوره‌های تربیت و تعالی عقیدتی-سیاسی ضمن خدمت سربازان منتخب، در مراکز تداوم تربیت و آموزش عقیدتی-سیاسی قم و مشهد مقدس.

در هفته عقیدتی - سیاسی در سپاه فرصتی فراهم شد تا جهت‌گیری‌ها و اقدامات این مأموریت مهم و محوری نمایندگی ولی‌فقیه را با معاون تربیت و آموزش عقیدتی-سیاسی برادر پاسدار مجید غلامرضا در میان بگذاریم و خوانندگان را در جریان برنامه‌های سال ۱۴۰۱ قرار دهیم.

ابتدا درباره محوری‌ترین جهت‌گیری معاونت عقیدتی سپاه توضیح دهید.

ستون اصلی برای تحول در نیروی انسانی مربیان فرهیخته‌ای هستند که مسیر رشد و تعالی پاسداران را تضمین می‌کنند و در مقطع کنونی انقلاب اسلامی جهاد تبیین امری محوری برای آنان به شمار می‌آید و ضروری است نظر استادان و مربیان ارزشمند به نکاتی جلب شود. ما امروز به تلاشی دائمی و خستگی‌ناپذیر و با اخلاص نیاز داریم تا بتوانیم با ارتباط عمیق و گسترده با فراگیران، زمینه پرورش آنها را فراهم کنیم. شما مانند یک رزمنده در عرصه فکر و عمل وارد میدان شوید و آینده را بسازید و متناسب با هجمه افکار و اندیشه‌های الحادی و دشمنان به موقع نقش تبیینی را ایفا کرده و پاسخگوی شبهات روز و نیازهای اعتقادی و سیاسی باشید.

به‌طور مشخص چه سیاستی را در قبال استادان و مربیان عقیدتی-سیاسی سپاه دنبال می‌کنید؟

یکی از اصلی‌ترین کارها شبکه‌سازی علمی و تخصصی استادان و مربیان در سراسر کشور است. انسجام‌دهی به ظرفیت‌های موجود در استان‌ها و بهره‌گیری از توان درون سازمانی و توان روحانیون حوزه‌های علمیه و استادان دانشگاه‌ها از زمینه‌های شکل‌گیری این مهم است. ارتقا و توان‌افزایی علمی و مهارتی و ورود جهادی در عرصه‌های تعلیم و تربیت دینی و انقلابی و استفاده از همه روش‌ها و ابزار تبیینی از جدی‌ترین فعالیت‌های پیش‌روست که مسائل و شبهات فکری و فرهنگی مخاطبان خود در این جنگ شناختی که معرکه بسیار پیچیده‌ای است، مقابله کند.

در رابطه با جهاد تبیین با توجه به تأکید

دوره‌های روزآمد

سر هنگ پاسدار علی حمیدی

مسئول اداره برنامه‌ریزی
ارزشیابی و تهیه متون آموزشی



برنامه‌ها و فعالیت‌های این اداره در سال ۱۴۰۱ در دوره‌های تربیت و تعالی دینی و انقلابی پاپوران و سربازان، دوره‌های طولی و دانشگاهی، رزم مقدّماتی سربازان و برنامه‌های یگانی شامل نورمبین و اعتقادی، اخلاقی پاپوران و سربازان به این قرار است: ۱- از مهم‌ترین جهت‌گیری‌های تربیتی و آموزشی این معاونت؛ طراحی و پیش متون آموزشی و تربیتی براساس مسئله-محور و با رویکرد شبهه‌شناسی و پاسخ به شبهات اساسی جامعه و روز در سال جاری در دوره‌ها:

الف- تربیت و تعالی فردی شامل

۱- جهاد تبیین در نظام سیاسی اسلام؛ ۲- احکام فقه سازمانی مشاغل خاص؛ ۳- اخلاق کاربردی و حرفه‌ای (متناسب با مشاغل خاص)؛ ۴- جهاد تبیین (بررسی مسائل روز جامعه)؛ ۵- امر به معروف سازمانی؛ ۶- پیش‌بینی برنامه اقتضایی برای رده‌های خاص؛ ۷- پیش‌بینی فعالیت‌های تربیتی در دوره‌ها.

بد- تربیت و تعالی خانوادگی

۱- از سال ۱۴۰۱ این دوره‌ها در هشت سطح خانواده آسمانی شامل مهارت‌های اساسی زندگی، مهارت‌های همسراری، مهارت‌های فرزندپذیری، مهارت‌های خانواده موفق، مهارت استفاده هوشمند از فضای مجازی، مهارت‌های فقهی و احکام ویژه بانوان، مشاوره تربیت دینی عمومی و خصوصی، هدایت سیاسی و امر به معروف و نهی از منکر سازمانی پیش‌بینی شده است. ۲- طراحی نظام معرفتی تربیتی پاسداران: از مرحله گزینش و عضوسازی بسیج، بدو ورود، حین خدمت تا پایان دوره خدمت رسمی تا دوره بازنستسنگی؛ ۳- تلاش مستمر برای بهبود رفتار اجتماعی و سالم‌سازی محیط؛ ۴- موضوعات برنامه اخلاقی و تربیتی هفتگی پاپوران؛ ۵- بازنگری و اصلاح موضوعات و سرفصل‌های دوره‌های رزم مقدّماتی و تربیت و تعالی سربازان با مشارکت پژوهشگاه امام صادق(ع) و مدیران تخصصی معاونت و تمامی مراکز سپاه؛ ۶- برنامه‌ریزی برای تهیه، تولید و چاپ پرده‌نگارها و متون تربیتی و آموزشی مورد نیاز برنامه‌های پیش‌بینی شده در سال جاری؛ ۷- بازنگری و اصلاح شرح تفصیلی، دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌های تربیتی و آموزشی مورد نیاز رده‌ها؛ ۸- تولید فیلم‌های آموزشی از محتوای دوره‌ها.

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) چه اقداماتی را پیش‌بینی کرده‌اید؟

شکل‌گیری قرارگاه جهاد تبیین در نمایندگی از زمینه‌های مهم در برنامه‌ریزی مأموریتی مجموعه به شمار می‌آید. یکی از اقدامات مهم اجرای هزاران کلاس و اجتماع قرآنی در ماه مبارک رمضان است که جهت‌گیری اصول و قواعد قرآنی در زندگی و تأکید بر جهاد تبیین و الزامات آن به صورت پر شور و با حضور استادان و مربیان قرآنی در سپاه برگزار شده است. به علاوه پیش‌بینی منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دروس دانشگاهی در مقاطع ارشد و دکتری، از جمله پیش‌بینی‌های در حال طراحی است. از مهم‌ترین اقدامات در سال‌های گذشته احصای شبهات و خلا‌های فکری در میان پاسداران است که با هدایت نماینده محترم ولی‌فقیه و کارگروه تحول در نمایندگی، بنا شد در سال ۱۴۰۱ به طور گسترده موضوع مهندسی حکومت دینی و نظام سیاسی اسلام، به ویژه شبهات مهم در دوره‌های تربیت و تعالی مورد بحث و هم‌راستا با جهاد تبیین از اذهان مرفّح شود و پاسداران به عنوان جهادگران تبیین نقش مؤثری در این امر قطعی و فوری ایفا کنند.

مهم‌ترین دغدغه‌های امروز شما در عرصه تربیت و آموزش چیست؟

پاسداران در صف اول دفاع و نگاهبانی از انقلاب

معاون تربیت و آموزش عقیدتی - سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه خبر داد

طراحی نظام استعداد محور



اسلامی هستند و بیش از چهل سال در مسیر مبارزه با استکبار جهانی از پای ننشسته‌اند و یک نیروی مسلح با اعتقاد و معنوی هستند؛ آنها رمز موفقیت و پیشبرد انقلاب در جهات الهی و امداد خداوند در برابر تمامی دشمنان بوده‌اند و این بعد معنایی روز به روز باید استحکام بخشیده شود. باید پایه‌های مبانی دینی پاسداران تقویت و زمینه ارتقای ایمان و معنویت و تربیت دینی و انقلابی به وجود آید. با وجود داشتن نظام مدون از ابتدای تشکیل سپاه پاسداران و اجرایی شدن آن و چندین بار بازنگری در نظام تربیت و آموزش عقیدتی - سیاسی تاکنون، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مسائل فراوری عقیدتی-سیاسی پیادسازی درست و دقیق نظام معرفتی و تربیتی در سپاه است که مطالعات و کار کارشناسی آن به پایان رسیده و در مراحل اعتباربخشی آن در فرماندهی و نمایندگی و هموار کردن الزامات اجرایی آن در برنامه پنج ساله هفتم قرار دارد که در نوع خود سپاه و پاسداران را در این رابطه متحول کرده و از رشد قابل توجه نظام فکری برخوردار خواهد کرد و جایگزین نظام فعلی تربیت و آموزش عقیدتی -سیاسی می‌شود. نظام در حال طراحی استعداد محور و پلکانی، افراد را در دانش و بینش رشد می‌دهد و نظام‌واره دروس معارفی از سطح عمومی به سطوح تخصصی و کاربردی به تناسب نیاز اقتضایی و علاقه افراد است و در طول دوره پاسداری

دارای سیر و مقاطع و با مدارج علمی و معتبر خواهد بود.

در رابطه با معنوی‌سازی پاسداران و سپاه چه اتفاقاتی در جریان است؟

شکل‌گیری برنامه صادقین در مسیر تربیت دینی و جهادی پاسداران است که مقدمات آن در یک کار مشترک با برادران آموزش سپاه فراهم شده است و اهتمام مربیان و فرماندهان به عنوان عناصر اصلی و تأثیرگذار می‌تواند در ساخت و رشد نیروی انسانی و ایجاد فرهنگ نهادی و ارزشی و نیز بر طرف کردن بسیاری از خلا‌ها و آسیب‌ها کمک کند. ارتباط طیب‌گونه و نزدیک مربیان روحانی با پاسداران و خانواده آنان در برنامه تربیت محمدی(ص) از جمله مؤثرترین فعالیت‌هایی است که طی سال‌های گذشته در رده‌ها شکل گرفته و توانسته است در حل مسائل روحی و معنوی و بعضاً مادی و سازمانی نقش داشته باشد.

در سال جدید برای خانواده و اعضای وابسته چه پیش‌بینی‌هایی انجام شده است؟

یکی از برنامه‌های اثربخش در سپاه که با مشارکت و پشتیبانی فرماندهان در حال اجراست، برنامه خانوادگی پاسداران است که با محوریت سبک زندگی اسلامی-ایرانی و بر اساس سطوح تخصصی و نیازهای مراحل زندگی پیش‌بینی و در جوار حرم امام رضا(ع) برگزار می‌شود و تلاش شده است در کنار فعالیت‌های آموزشی و تربیتی، محیطی آرام و قابل قبولی برای تمامی اعضای خانواده فراهم شود.

با توجه به ابلاغ سند اعتلای بسیج چه اقداماتی در دست اجرا دارید؟

با همکاری نمایندگی ولی‌فقیه در بسیج و فرماندهی سازمان، کارگروه‌های مشترک برای تدوین نظام‌نامه اجرای مأموریت عقیدتی-سیاسی پیش‌بینی شده‌است و همسوا با مجموعه و با همت بلندی که از شبکه عقیدتی-سیاسی سراخ داریم، برنامه‌های آموزشی فرماندهان و مربیان بسیج را در سال جاری دنبال خواهیم کرد و در بسیج سرفصل جدیدی از فعالیت‌های عقیدتی-سیاسی را شاهد خواهیم بود.

تبیین برخط

سرگرد پاسدار اسمعیل احمدی

مسئول مرکز آموزش مجازی



مرکز آموزش مجازی معاونت تربیت و آموزش عقیدتی-سیاسی سپاه اقدامات و فعالیت‌های خود را ذیل دو محور متمرکز کرده است:

۱- تبدیل محتوای متنی به چندرسانه‌ای:

در شرایط کرونا و استفاده از قالب‌های جدید محتوایی در فضای مجازی، تولید محتوای چندرسانه‌ای از آثار و کتاب‌های مکتوب معاونت تربیت و آموزش عقیدتی-سیاسی که ابتدا، با دعوت از استادان برتر کشوری فیلم‌ها ضبط شد و پس از آن با استفاده از جلوه‌های بصری زیبا این فیلم‌ها تدوین و در نهایت فیلم‌های تولیدی در تمامی سکوها انتشار معاونت تربیت و آموزش عقیدتی-سیاسی بارگذاری شد، که از جمله این فیلم‌های شاخص می‌توان عناوین ذیل را نام برد:

الف- فیلم‌های آموزشی دوره‌های تربیت و تعالی دینی و انقلابی؛

ب- فیلم‌های آموزشی نشست‌های قرآنی نورمبین، تفسیر ماه مبارک رمضان، جلسات درس اخلاق و معرفتی و بصیرتی صادقین. تولید کتاب از آثار مکتوب معاونت در نسخه‌های سیستم عامل‌های تلفن همراه بود که در این راستا از نسخه اندروید کتاب مصباح و تربیت و تعالی ۲ نیز بهره‌برداری شد.

امید است در سال پیش‌رو بتوان نسخه اندروید همه آثار مکتوب معاونت تهیه شود تا امکان دسترسی مخاطبان به این کتاب‌ها هر چه سریع‌تر و سهل‌تر فراهم آید.

۲- افزایش سکوهای انتشار محتوای تولیدی در شبکه جهانی اینترنت و شبکه کوثر سپاه:

با توجه به افزایش سکوهای انتشار محتوا در فضای مجازی و در جهت حضور اثرگذارتر در عرصه فضای مجازی، مرکز آموزش مجازی سراج اندیشه تارنماها، صفحات و کانال‌های زیر را در شبکه جهانی اینترنت و شبکه کوثر سپاه راه‌اندازی کرد و به صورت روزانه محتواهای چندرسانه‌ای در موضوعات اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، قرآنی، فقهی، سبک زندگی و... در آنها بارگذاری می‌شود، که مورد استفاده آحاد مردم مؤمن جامعه، استادان و مربیان عقیدتی-سیاسی، کارکنان سپاه و خانواده‌های محترم آنان قرار می‌گیرد.

شبکه‌سازی تخصصی

سر هنگ پاسدار حسین ترابی

مسئول اداره اساتید
مربیان و مدیران



با توجه به نقش کم‌نظیر و جایگاه بی‌بدیل استادان و مربیان در اثربخش بودن تربیت و آموزش، یکی از سیاست‌های راهبردی و تحولی مسئولان تربیت و آموزش عقیدتی-سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سال ۱۴۰۱، در مسیر تعلیم و تربیت پاسداران متدین، انقلابی و ولایت‌مدار، تقویت و تخصصی کردن شبکه مربیان است؛ بر این اساس، طراحی و برنامه‌ریزی شبکه‌سازی تخصصی مربیان عقیدتی-سیاسی سپاه به عنوان اولویت سال جدید این اداره در برنامه‌های ابلاغی مورد توجه واقع شده است. شبکه‌سازی تخصصی استادان و مربیان عقیدتی-سیاسی در واقع به دنبال ایجاد یک سیستم یکپارچه برای تولید هسته‌های علمی-مهارتی و توانمندساز بومی و استانی تحت هدایت و مدیریت هسته مرکزی از طریق ایجاد گروه‌های تخصصی عقاید و کلام، فقه و احکام، تاریخ اسلام و سیره معصومین، قرآن و حدیث، جهاد و دفاع، اخلاق، تربیت اسلامی و سبک زندگی، دانش سیاسی و انقلاب اسلامی تحت مدیریت و هدایت یک سرگروه خبره، در عقیدتی-سیاسی رده‌های زیر مجموعه با اهداف عملیاتی، سازماندهی و به‌کارگیری، توان‌افزایی و ارتقای تخصصی استادان و مربیان توانمند و اثرگذار در قالب گروه‌های هشت‌گانه در استان‌های برخوردار از استاد و مربی، مانند استان‌های خراسان رضوی، قم، فارس، اصفهان، مازندران و گیلان، آذربایجان شرقی و... در گام نخست عینیت یابد. ما به منظور ایجاد یک شبکه قدرتمند یکپارچه و زمینه‌سازی برای تحقق آموزش عمیق، مربیان ضعیف و نامستعد را از شبکه حذف کرده و به منظور جبران کاهش و کمبود استاد و مربی مورد نیاز و به‌روزرسانی شبکه، از طریق گروه‌های تخصصی، نسبت به شناسایی و جذب تخصصی مربی مدعو جدید در حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، تعلیم و تربیت بسیج، بسیج اساتید و طلاب و مراکز علمی و تخصصی استان‌ها اقدام کنیم. در خصوص کیفی‌سازی مربیان غیر سازمانی نیز باید از طریق شناسایی افراد مستعد در فرماندهی و نمایندگی عناصر جدید توانمند را به شبکه تزریق کنیم. هم‌اکنون درصدد هستیم با کمک دانشکده شهید محلاتی سطح تحصیلی مربیان سازمانی را از کارشناسی به کارشناسی ارشد ارتقا دهیم.

در جلسه ارتباط تصویری با دانشجویان پاسدار نمایندگی ولی فقیه در سپاه مطرح شد

پاسدار باید جهانی فکر کند



بالای معنویت دایم در تلاش و تکلیو باشد.»

سردار نقی زاده اظهار داشت: «در این خصوص نماینده ولی فقیه در سپاه یک گفته بسیار دلنشینی دارد که مهم و درس آموز است: «برای پر کردن لیوان معنویت یک فرد باید یک پارچ پر داشت؛» یعنی باید مملو از فضایل و مکارم اخلاقی و معنوی بود تا بتوان چیزی را به دیگران ارزانی کرد.»

شهید سلیمانی الگوی پاسدار در تراز

در ادامه این جلسه سردار دکتر بدالله جوانی، با تأکید بر اینکه دوره آموزشی و دانشجویی، دوره شکل گیری ذهنیت افراد است، گفت: «عنوان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک منظومه فکری منسجم است که هم‌تراز با انقلاب اسلامی است. برای نمونه پاسدار هم‌تراز انقلاب شهید سلیمانی است که رهبر معظم انقلاب آن را یک مکتب معرفی کردند.»

وی افزود: «برای رسیدن به این منظومه منسجم فکری به شش ویژگی نیاز است: یک؛ مؤمن بودن، طوری که در هر دهه از خدمت شما که می‌گذرد، باید بر درجه ایمان و تقوای شما افزوده شود. دو؛ ولایت‌مدار بودن، ارزش و جایگاه این مطلب در کلام شهید سلیمانی به قدری است که ایشان سه بار قسم یاد می‌کند. سوم؛ انقلابی بودن. چهارم؛ مجاهد بودن. پنجم؛ بصیر بودن. ششم؛ از جنس مردم و برای مردم بودن. یک پاسدار باید در محیط زندگی خود به گونه‌ای محبوب و مقبول باشد که مردم به او اقتدا کنند و امانات خود را به او بسپارند.»

سردار جوانی حرکت انقلاب اسلامی از ابتدا تا



است. برای نمونه، حضور مؤثر در منطقه برای خنثی کردن نقشه‌های شوم دشمنان را می‌بینید.»

حجت‌الاسلام طیبی‌فر در تبیین نکته دوم، سوم و چهارم گفت: «وظیفه صیانت سیاسی و تقویت بنیه اعتقادی و دینی و تربیتی پاسداران به عهده حوزه نمایندگی ولی فقیه است. بنابراین فهم، بصیرت، آگاهی و شناخت جریان‌ها برای ما لازم و ضروری است؛ چرا که برای مقابله با برخی جریان‌ها نیاز داریم که خودمان را به سلاح فکر و اندیشه صحیح از انقلاب مجهز کنیم. باید در سخت‌ترین شرایط از دایره دین خارج نشویم. باید متخلق به اخلاق باشیم و به عنوان یک الگوی دینی، سیاسی، اخلاقی و اعتقادی شناخته شویم.»

باید مملو از فضایل و مکارم باشیم

در ابتدای این مراسم سردار نقی‌زاده، معاون نیروی انسانی نمایندگی ولی فقیه در سپاه با تأکید بر اینکه خدمت در حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه یک مسئولیت بزرگ و راهبردی است، افراد حاضر در آن را راهبر و هادی و عرصه‌های سیاسی، اعتقادی، دینی و اخلاقی خواند و گفت: «حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه مسئول صیانت از اندیشه‌ها و باورهای سیاسی و عقیدتی سپاه است؛ به همین دلیل افراد آن باید تابلو و الگوی اخلاق در دیگران باشند. یک فرد حاضر در نمایندگی ولی فقیه در سپاه باید پیش از هر چیز با حضور منظم و تأثیرگذار در مراسم‌ها، کلاس‌ها، دانشگاه‌ها و کسب امتیازات بالا در موارد انضباطی و در مجموعه دانشگاه خود را معلم بدانند و برای رسیدن به رتبه‌های

حسن نوروزی

خبرنگار

جلسه ارتباط تصویری دانشجویان پاسدار نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌های شهید محلاتی و امام حسین(ع) با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طیبی‌فر، جانشین نماینده ولی فقیه، سردار بدالله جوانی و سردار حسن نقی‌زاده معاونان سیاسی و نیروی انسانی نمایندگی ولی فقیه در سپاه برگزار شد.

به گزارش صبح صادق حجت‌الاسلام طیبی‌فر در این جلسه چند نکته از ضوابط اصلی ورود به حوزه نمایندگی را برشمرد و گفت: «نکته اول در مورد ورود به حوزه نمایندگی این است که شخص باید شناخت کامل از این حوزه داشته باشد. یکی از ملزومات این شناخت این است که به خواندن و شنیدن سخنان بزرگان این نیرو بپردازد تا بداند این سازمان که اکنون به اینجا رسیده، از رشادت‌ها و از جان گذشتگی افرادی به دست آمده که در مقابل گردن‌کشان و مزدوران داخلی و خارجی مقاومت کرده‌اند. بنابراین باید شما دانشم این سؤال را از خودتان پرسید که برای چه به سپاه آمده‌اید تا از هدف خود دور نشوید؛ چرا که شما مسئولان و فرماندهان آینده سپاه هستید.»

وی افزود: «این را بدانید که سپاه مختص به مکان و مسئولیت خاصی نیست، بلکه هر جا صدا و تفکر انقلابی در معرض خطر باشد، سپاه در آنجا حضور دارد. این حضور هم تنها به صورت فیزیکی نیست؛ بلکه فکر، اندیشه، اعتقاد و باور انقلابی همیشه جلوتر و در سطح گسترده‌ای از مرزهای کشورمان حرکت کرده

رخداد

تحويل سه ميليون دُر واكسن نورا

۳۰ پاسدار سلامت به درجه رفیع شهادت نائل آمدند و بیش از ۶۰ درصد شهدای سلامت کشور بسیجی بودند.»

سردار عبدالمهدی در پایان عنوان کرد: «با شیوع کرونا از اسفند سال ۱۳۹۸، مطالعات اولیه واکسن نورا در دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) آغاز شد و به‌عنوان تنها دانشگاه کشور با گذراندن مراحل حیوانی و انسانی توانست تأییدیه‌های لازم را از وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو دریافت کند، به گونه‌ای که تاکنون ۳ میلیون دوز تحويل وزارت بهداشت شده است.»

سردار احمد عبدالمهدی، معاون سلامت، آموزش پزشکی و دفاع زیستی سپاه با بیان این مطلب، در خصوص آمار واکسیناسیون پاسداران گفت: «در مجموع ۹۸ درصد پاسداران دُر اول، ۹۳ درصد دُر دوم و ۶۷ درصد دُر سوم واکسن را تزریق کرده و در پایش‌های سلامتی کرونا شرکت کرده‌اند.»

وی ادامه داد: «در جهاد خدمت‌رسانی نیز

جهت اطلاع

برگزاری همایش

هفته عقیدتی - سیاسی

همایش بزرگداشت هفته عقیدتی - سیاسی در سپاه در ستاد فرماندهی کل سپاه برگزار شد. به گزارش صبح صادق، این همایش به همت معاونت تربیت و آموزش‌های عقیدتی-سیاسی ستاد فرماندهی کل سپاه برگزار شد و سخنرانی جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طیبی‌فر و تقدیر از استادان و مربیان و مدیران برتر عقیدتی-سیاسی در ستاد فرماندهی کل سپاه

دانشگاه جامع امام حسین(ع) در ۶۵ رشته کارشناسی ارشد و ۱۸ رشته دکتری از میان استعداد درخشان دانشجوی بدون آزمون می‌پذیرد. به گزارش صبح صادق، دانشگاه جامع امام حسین(ع) در رشته‌های فنی و مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی دانشجو می‌پذیرد. علاقه‌مندان به منظور کسب اطلاعات بیشتر درباره شرایط و نحوه نام‌نویسی به فراخوان پذیرش بدون آزمون دوره دکتری و دوره کارشناسی ارشد دانشگاه جامع امام حسین(ع) برای سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱

جهت اطلاع

پذیرش بدون آزمون

استعدادهای درخشان

به پایگاه www.ihu.ac.ir مراجعه کنید. گفتنی است، پذیرش از کلیه داوطلبان متعهد به انقلاب اسلامی، بسیجیان، شاغلان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر سازمان‌های نیروهای مسلح صورت می‌گیرد و فارغ‌التحصیلان این دانشگاه، در اولویت جذب و استخدام سپاه پاسداران و نیروهای مسلح هستند و دانشجویان غیر بورس پس از فارغ‌التحصیلی به مراکز علمی و تخصصی سپاه برای انجام خدمت مقدس سربازی، در صورت داشتن شرایط معرفی خواهند شد.

۱۵

پاسدار

شماره ۱۰۴۵ | دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

صداق

قبیله عشق

بوی خوش ملاقات با خدا



در عملیات بدر دیدم وقتی رزمندگان سوار قایق می‌شدند، یک روحانی به بچه‌ها عطر می‌زد و روی آنها را می‌بوسید، دقت کردیم دیدیم عبدالله میشی است؛ خیلی آرام و خندان بود. وقتی قایق‌ها می‌خواستند حرکت کنند، گفت: «من را هم ببرید؛ تا کنار بچه‌ها باشم!» او هم به خط آمد و در خط هم همین کار را انجام می‌داد. با رزمندگان خوش و بش می‌کرد، به آنها روحیه می‌داد و می‌گفت با بوی خوش به ملاقات خدا بروید! و سپس آنها را دعا می‌کرد. این کار شهید میشی در تقویت روحیه رزمندگان اثر زیادی داشت.

به نقل از آیه الله کعبی

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

عبدالله میشی سال ۱۳۳۴ در شهر اصفهان متولد شد. تولد او مصادف با شب ولادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) بود. دوران کودکی و نوجوانی را سپری کرد و در دوره دبیرستان، هم‌زمان با تحصیل، در کنار پدرش مشغول به کار شد. از نوجوانی شور و علاقه خاصی به مسائل مذهبی و ترویج و تبلیغ علوم دینی داشت و شاید همین انگیزه او را در مسیر فراگیری دروس حوزوی و ورود به روحانیت و طلبگی قرار داد.

عبدالله که در کنار درس به مبارزه با رژیم نیز مشغول بود، با خیانت یکی از منافقان، تحت تعقیب قرار گرفت و به همراه چند طلبه دیگر در همین سال دستگیر و راهی زندان شد. پس از انقلاب هم به جرگه رزمندگان پیوست و سرانجام همان‌طور که در شب دوم عملیات کربلای ۵ به دوستان گفته بود که: «من در این عملیات اجر خودم را از خدا می‌گیرم.» هنگامی که مشغول وضو برای عبادت بود، در منطقه عملیاتی «کربلای ۵»، از ناحیه سر مورد اصابت ترکش قرار گرفت و بعد از سه روز، ۱۲ بهمن ماه سال ۱۳۶۵ مطابق با دوم جمادی‌الثانی مصادف با شب شهادت حضرت زهرا(س) به شهادت رسید.

جناب آقای

دکتر یدالله جوانی

معاون سیاسی سپاه

و مدیر مسئول

هفته نامه صبح صادق

با تأسف و تأثر فراوان درگذشت همشیره گرمی‌تان (مادر و خواهر شهیدان جوانی) را به جناب‌عالی و خانواده محترم‌تان تسلیت عرض نموده و از درگاه حضرت حق برای آن عزیز سفرکرده غفران الهی و برای همه بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌کنیم.

معاونت سیاسی و هفته نامه صبح صادق

هفته‌نامه
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیرمسئول:یدالله‌جوانی
سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:
علی قاسمی،سیامکباقری،سعداللہزراعی،
عزیز غضنفری،فرهادمهلوی، مهلدی سعیدی،
فتح‌الدین‌پیشان،احدکریم‌خانی،حسین‌عبداللہی‌فر
دبیرتحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی
مدیرفنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ:سعید قاسمی
چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۲۴۴۶ (۰۲۱)
تلفن: ۱۱۰ و ۱۰۰ ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
ssweekly.ir
@ssweekly
info@ssweekly.ir
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۰۳۳۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۰۴۵ | دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

کتیبه سبز

معنای نون والقلم

دل بسته‌ام به چشم تو خورشید مهربان
هر صبح در کلاس درس، طلوع تو دیدنی است
لبخند می‌زنی و دلم سبز می‌شود
لبخند بی‌بھانۀات، شعری شنیدنی است
از نون و والقلم و ما یسطرون فقط
پروردگار نام تو را داشت در نظر
یعنی سپرده است به دست رسالتی
ای امتداد روشن راه پیامبر
شور و نشاط من خورشید من بخند
در را به روی غم با مهر خود ببند
یک رنگ بی‌ریا و روشنگر صبور
بخشیده‌ای مرا سرمایه شعور
با تو کلاس کوچک من گشته آسمان
چون آفتاب هستی و باران بی‌امان
تا شاخه شاخه‌های حضورم ثمر دهد
از این کلاس سرزند رنگین‌ترین کمان
بگذار تا به نام صدايت کند دلم
بگذار تا بخوانمت زیباترین کلام
نام تو را درود معلم تو را سپاس
ای عشق جاودانه معلم تو را سلام
حرف دل مرا از چشم من بخوان
من دوست دارم تبی مرز و بی‌کران
با لطف و بخششت همراه مهربان
سر سبز می‌شود دنیای دیگران
منبره درخشنده

کشکیات

مردم امیدوارند بر وعده‌های دیروز

«زان یار دلنوازم شکرپیست با شکایت»
با خجلت، عذرخواهم از این همه صراحت

پیش از شروع شعرم، قبل از گلایه و حرف
بگذار تا بگویم این قصه را برایت...

یک روز دولتی بود با ادعای تدبیر
که سوخت را گران کرد با آن همه فضاحت

محرم نبود با خلق آن دولت فحیمه
می‌گفت صبح جمعه فهمیده سهل و راحت!

امروز فرق کرده مشی و مرام دولت
دارد هوای ملت، دارد به خلق ارادت

مردم امیدوارند بر وعده‌های دیروز
باید که قدر دانست سرمایه حمایت

ملت همیشه هستند پشت و پناه دولت
تا آن زمان که باشد بر سیره صداقت

علی عرفانی (شاعرپاشی)

صبحانه

مهربان باشیم

هیچ درختی به خاطر پناه دادن به پرنده‌ها بی‌برگ و بار نشده است. گرمای خورشید همواره زندگی بخشیده و دنیا را به مکانی بهتر برای زندگی تبدیل کرده است، بدون آنکه در انوار طلایی اش خللی وارد شود و آب هر موجودی را زنده و شاداب‌تر کرده است. تکیه‌گاه باشیم، لبخند و مهربانی بی‌هزینه است؛ اما با خود ثروتی بزرگ دارد.

تاختند

باد کردن تورم در آمریکا / کارتونییست: ری‌ما سوپرانی



داستان

غرور

حالا توی استودیویخ کرده بودم و نمی‌دانستم راجع به فرزانه و تحصیلات و شغلش چه بگویم که خجالت‌زده نباشم. چند لحظه‌ای به کفش‌هایم خیره شدم. همین دیشب فرزانه واکس‌شان زد و با لباس‌هایم آماده گذاشت تا امروز در برنامه تلویزیونی تمیز و مرتب باشم و به قول خودش بدرخشم. یک لحظه به تلاشش برای پیشرفت و درخششم فکر کردم، به تنهایی‌ها و مشکلاتی که در نبود من با آنها دست و پنجه نرم می‌کرد؛ به بچه‌ها که از همه لحاظ عالی و مودب بودند، به خانه تمیزمان؛ به دست‌پخت عالی و کدبانویی‌اش... و بعد برگشتم به استودیو و در جواب انتظار طولانی و شیطنت‌آمیز مجری گفتم: «همسرم مثل همکاران شما در پشت صحنه از خودگذشتگی کرده تا من اینجا بدرخشم، به نظر من نیمی... نه همه افتخارات من مدیون ایشان و تلاش ایشان هست و صمیمانه از او سپاسگزارم که بستر پیشرفت و ترقی من را به قیمت خانه نشینی خودش آماده کرده...»
مجری لبخندی زد و من معنای غرور واقعی را در ذره ذره وجودم حس کردم.

و مدارک تحصیلی ارزشمندم، انگار دوبال پروازم شده بودند. کمی گذشت و عقب‌نشینی عوامل برنامه حکایت از پیروزی‌ام داشت که سوالات خانوادگی شروع شد. اینکه چند فرزند دارم و آیا از آنها می‌خواهم راه مرا ادامه بدهند، یا نه و چه دورنمایی در ذهن دارم. همه را یک به یک و با طمانینه جواب دادم تا رسید به همسرم... که نقطه ضעقم بود و دوستانم کم‌وبیش از آن مطلع بودند. فرزانه دیپلمش را به زور گرفته بود و همچنان مشغول بچه‌داری و خانه‌داری بود. بیشترین علاقه‌اش یخت مربا و کیک و گردگیری بود. اتاقم را همیشه مرتب می‌کرد، لباس‌های اتو شده را دم دست می‌گذاشت و حواسش به جلسات و برنامه‌ها و سفرهای کاری‌ام بود، حتی داروهای تقویتی و درمانی‌ام را مداوم کنترل می‌کرد، اما از دنیایی که برای خودم ساخته بودم خبر نداشت؛ حتی گاهی اصطلاحات ساده را هم اشتباه تلفظ می‌کرد و وقتی با تمسخر من رویه‌رو می‌شد، لبخند تلخی می‌زد و می‌گفت: «من که بی‌سوادم؛ اما تو پیشرفت کنی برای همه‌مون بسه...»

نقیسه محمدی

دبیر گروه جوان



صدایم را صاف کردم و یکبار دیگر خودم معرفی کردم. مجری با افتخار سلام کرد و خوش آمد گفت و سپس لیست بلندبالایی از کارها و افتخاراتم را خواند. حس غرور مثل خون در رگ‌هایم جریان گرفت و در برق چشمانم نشست. برنامه راجع به مدیران موفق بود و حالا من روی صندلی نشسته بودم و داشتم در مورد موفقیت‌هایم حرف می‌زدم و راجع به شرکت‌ها، کتاب‌هایم، تحصیلات و رتبه‌هایی که آورده بودم، با شور و اشتیاق سخنرانی می‌کردم. مجری به وجد آمده بود و مدام سوال می‌کرد و بحث را به چالش می‌کشید، اما موفق نمی‌شد در صحبت‌هایم خللی ایجاد کند. خوشحال بودم که اداره برنامه را از چنگ مجری درآورده بودم و داشتم اهدافم را با بدیده و کبکبه توضیح می‌دادم. دنیای پر تاب و تب کار و فناوری که به اسارت‌م در آمده بود و پله موفقیت‌م بود

صادقانه

مخفیگاه دانش

حضرت عبدالعظیم روایت کردند که روزی به وجود مقدس حضرت امام جواد(ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا حدیثی از پدران بزرگوارت برای من روایت فرمایید. امام جواد(ع) از قول پدر و جد و امیرالمؤمنین(ع) روایت فرمودند: دانش و شخصیت هر کس در زیر زبانش مخفی است. هر کس قدر خود را بشناسد، هلاک نمی‌شود. تدبیر و اندیشیدن پیش از انجام هر کار، تورا از پشیمانی نگه می‌دارد. حکمت‌نامه حضرت عبدالعظیم، ص ۱۱۷-۱۱۹

غیر رسمی

اهمیت مطالعه



هنگامی که به مشهد بازگشت، یکی از فعالیت‌های اصلی‌اش تدریس و بحث‌های دینی بود.

«از سال ۱۳۴۳ من چندین اقدام کردم. یک اقدام، شروع درس‌های فقه و اصول برای طلاب اگر چه درس فقه و اصول بود، واقعاً هم فقه و اصول بود؛ اما در لابه‌لای مباحث فقهی و اصولی، مباحث سیاسی اینها را مطرح می‌کردیم و شاگردهای من، آن کسانی که آن روز به درس‌های من می‌آمدند، بعدها هم‌شان جزء کسانی بودند که در میدان‌های سیاست و مبارزه و کارهای انقلابی جزء افراد برجسته و نام‌آور بودند.»

حضور پررنگ در حوزه مبارزه و سیاست سیدعلی را از حوزه و درس دین جدا نکرد. «وقتی که از قم به همین خانه برگشته بودیم، جایی برای مطالعه نداشتیم. زیرزمینی داشتیم که رطوبت داشت و تابستان‌ها محل سکونت خانواده ما بود؛ ولی در زمستان چون خیلی سرد بود و گرم نمی‌شد، وسایل گرمازا هم مثل امروز نبود، خالی می‌ماند. من آنجا را برای اتاق مطالعه آماده کردم. فرش هم که نداشت! یک گلیم و یک تشک در گوشه آن انداختم و آنجا را مثل اتاق طلبگی درست کردم. چون اتاق سرد بود، شب‌ها می‌رفتم زیر عبا تا بتوانم مطالعه کنم، با نهایت شدت. البته آن هم نمی‌شد. برای اینکه تا می‌آمدم مشغول و گرم مطالعه شوم، از بالا صدایی می‌آمد و خانواده حرف می‌زدند. یعنی امکانات درس خواندن برای ما در زمان طلبگی حقیقتاً فراهم نبود. این در حالی بود که بنده پدرم یک روحانی بود و بالاخره خانه‌ای از خودمان داشتیم. کسانی بودند که همین را هم نداشتند.»

بخشی از خاطرات رهبر معظم انقلاب بیان شده در دیدار جمعی از شاگردان- ۱۳۷۷/۷/۱۹

حسن ختام

بی‌تاب آمدنت هستیم

حسن نوروزی

نویسنده

قطره چگونه، بی‌کرائگی اقیانوس را اظهار کند؟ تکه سنگ چگونه عظمت کوه را فریاد کند؟ یک برگ چگونه شکوه درخت را بسراید؟ من قطره دانشم و تو اقیانوس، من شبب خجلتم و تو سحر سرافرازی، من تک سنگ سیاهم و تو عظمت یک کوه، من یک برگم و تو شکوه شجره طیبه. چگونه از تو بگویم جز آنکه با اشک احساس خود را بیان کنم؟

دریغ و حسرت نبودنت، دلم را مجاله می‌کند و همه وجودم اشک می‌شود. من اینجا جامانده‌ام، من در میان اعماق غیبت شکسته‌ام، خسته‌ام، من در میان ظلمت و تاریکی نبودنت سخت گرفتارم. مولا جان، نبودنت حیرانی و دربه‌دری است.

آقا جان، می‌شود بیایی و ما را از شب جهل به سپیده دانایی برسانی؟ می‌شود بیایی و چگونه زیستن و چگونه رفتن را یادمان بدهی؟ می‌شود آفتاب وجودت را به ما بتابانی تا یخ‌های نخوت و خودخواهی و گمراهی‌مان آب شود. ای آفتاب پشت ابر، دل‌مان برای آمدن‌تان سخت بی‌تاب است.

سلامت

ویتامین‌ها علیه استرس

زهره وحیدی نیا

کارشناس علوم تغذیه



مواد غذایی حاوی ویتامین‌های گروه B و آنتی اکسیدان‌ها نقش بسزایی در کاهش استرس دارند.

از آنجایی که این مواد مغذی در یک الگوی غذایی سالم مهم هستند، بهترین راه برای دریافت آنها مصرف غذاهای حاوی آنهاست. برای نمونه، میوه‌ها و سبزیجات حاوی آنتی اکسیدان‌ها به همراه سایر مواد مغذی ممکن است برای ارتقای سلامت با هم کار کنند و بسیاری از غذاهای انواع ویتامین‌های B را به طور طبیعی فراهم می‌کنند، از جمله غلات کامل، میوه‌ها، سبزیجات، محصولات لبنی، حبوبات و گوشت. برخی از مطالعات ارتباط بالقوه‌ای بین سطوح پایین ویتامین D و استرس را گزارش می‌دهند. این مطالعات ثابت نکرده‌اند که آیا سطوح استرس در پاسخ به دریافت ویتامین D افزایش یابا کاهش می‌یابد. با این حال، بدن شما برای عملکرد طبیعی به آن نیاز دارد. غذاهای حاوی ویتامین D عبارتند از: ماهی‌های چرب، تخم مرغ، لبنیات غنی شده و محصولات سویا و برخی از قارچ‌ها که در معرض اشعه ماوراء بنفش قرار دارند. گفتنی است، اصلی‌ترین منبع ویتامین D نور خورشید است. آیا مکمل‌های ویتامین و مواد معدنی با استرس مقابله می‌کنند؟ برخی مکمل‌ها ادعا می‌کنند که به مدیریت استرس کمک می‌کنند. با این حال، شواهد حمایت از این مکمل‌ها محدود است و تحقیقات بسیار بیشتری مورد نیاز است. فعالیت بدنی منظم نیز برای مدیریت استرس مفید است و حداقل پنج دقیقه ورزش در روز اثرگذار خواهد بود.

